

یادداشت سیاسی

سیمای گریه جنایت علیه بشریت

مهدی سامع

«این شقایقهای سرخی که ما پُرپر شدن آن را با بُلدوز و گلوله و زرهی جنگی می بینیم، انسانهایی هستند که آگاهانه و با رد گزینه تسلیم راه پایداری و مبارزه برای آزادی را برگزیده اند و من در ستایش این پایداری آگاهانه و مختارانه یک بار دیگر جمله رومن رولان را تکرار می کنم که: «آزادی جان و اندیشه، تا وقتی به عمل تبدیل نشود چیزی بی ارزش و یک لفاظی پوچ است.»

صفحه ۲

جهان در آینه مرور

سازماندهی جنبشهای عصر

جدید پس از جنگ سرد (۱۰)

از مصر و تونس آموختیم:
ضامن پیروزی نهایی: رهبری
انقلابی و متشکل، تداوم جنبش
پس از سرنگونی و هوشیاری در
خنثی کردن نقش ارتجاع و
امپریالیسم

لیلا جدیدی

صفحه ۱۱

غلبه بر بحران سیاسی برای
مالکی با تبعیت از نظام ولایت
فقیه ممکن نیست

آناهیتا اردوان

صفحه ۱۴



در آستانه اول ماه مه، روز

همبستگی جهانی کارگران

دبیر خانه سازمان چریکهای فدایی خلق
ایران منتشر می کند.

برخی از حرکت‌های اعتراضی

کارگران در سال ۱۳۸۹

صفحه ۲۰

استثمار بیشتر تحت نام «جهاد

اقتصادی»

زینت میرهاشمی

صفحه ۴

بیانیه‌ی شماره ۱ شورای برگزاری مراسم

روز جهانی کارگر سال ۱۳۹۰

سال ستیز طبقاتی به جای جهاد

اقتصادی

صفحه ۲۳

جنایت دولت عراق علیه

کمپ اشرف و چند موضع

گیری

صفحه ۱۶ تا ۱۹

سرمقاله

وَسْمِه ای که خامنه ای

کشید و کور کرد

منصور امان

تلاشی قُدرت مرکزی در "راس نظام" و تجزیه تکیه
گاههای بقا و ثبات آن در قاعده، رژیم ولایت فقیه را در
برابر جنبش اجتماعی چند گام به عقب می راند. حرکت
به این سمت آغاز شده است. «

صفحه ۵

سال جهاد اقتصادی

یا فلاکت بیشتر

جعفر پویه

صفحه ۸

زنان در مسیر رهایی

آناهیتا اردوان

صفحه ۲۴

رویدادهای هنری ماه

لیلا جدیدی

صفحه ۲۵

حسن ناهید، زندانی سیاسی

بر اثر عدم رسیدگی پزشکی

جان باخت

صفحه ۲۸

زجرکش کردن زندانی مجاهد

محسن دکمه چی بر اثر

محرومیت عمدی از مداوا

صفحه ۱۹

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

یادداشت سیاسی...

سیمای گریه جنایت علیه بشریت

مهدی سامع

روز ۱۹ فروردین امسال یک بار دیگر جهانیان شاهد چهره زشت جنایت علیه بشریت بودند. همان گزارشات اولیه که در رسانه های جمعی بازتاب پیدا کرد به اندازه کافی گویا و تکانه‌دهنده بود. لشگرکشی دژمنشانه با انواع سلاحهای گرم به ساکنان غیرنظامی کمپ اشرف، تیراندازی مستقیم به سوی آنان و عبور ماشینهای زرهی از روی آنان. ارتش تحت امر نوری المالکی همزمان با این جنایت علیه بشریت که به حق با موجی از نفرت و انزجار داخلی، منطقه ای و جهانی روبرو شد، با بی شرمی به مشت‌های اراجیف سخیف و وقیحانه مینویسید بر خارج کردن اراضی کشاورزی از دست ساکنان اشرف و یا اعمال حق حاکمیت متوسل شد تا کنه اهداف پلید خود را لاپوشانی کند. اما این یاهو سرائیها نتوانست بر این واقعیت که دولت نوری المالکی با خواست رژیم ایران دست به این جنایت زده را پنهان کند. دغلبازی نوری المالکی و سخنگوی بی شرم اش، فقط و فقط سیمای خودگامگی، صدای تزویر و جوهر ضد انسانی آنان را آشکار کرد. با سلاح سبک و سنگین به افراد غیرمسلح حمله کردن و به مدت ۶ ساعت آنان را زیر رگبار گرفتن و اموال آنان را آتش زدن و غارت کردن نه جایی برای فخرفروشی باقی می گذارد و نه مانع برمالا شدن لجنزار ابتذال مُشتی بنیادگرایی اسلامی که از بیت ولی فقیه حاکم بر تهران تبعیت می کنند می شود.

در سمت دیگر ما شاهد خروش زنان و مردان جان برکف برای دفاع از حرمت و حقوق انسانی بودیم. انسانهایی غیر مُسلح و در محاصره کامل ۲۸ ماهه، که بارها خواستار یک دادرسی عادلانه و بی طرفانه شده و بر راه حل‌های تفاهم آمیز تاکید کرده بودند و هر روز بیش از روز قبل بر آنان ثابت شده بود که دولت نوری المالکی به دنبال تفاهم و تعامل نبوده و تنها به خواست خامنه ای و مزدوران اش خواستار نابودی آنان است، سینه سپر کردند و با دفاع عادلانه و برحق و با دست خالی در مقابل نیرنگ و تعدی ایستادگی کردند. آنان تن به خفت تسلیم ندادند و با دلاورانه ترین مقاومت، حماسه پرشور دفاع از شرف خود را آفریندند و بدین سان بود که صحنه های شگفت آور این دفاع جانانه جهان را تکان داد و صدای پرخروش اعتراض را برانگیخت. فیلمهای منتشر شده صحنه های قیام زنان و مردان در شهرهای ایران را

گرفته اند وجود ندارد. بر فرض محال که همه ادعاهای المالکی و مزدوران اش را بپذیریم، بازهم این جنایت علیه بشریت و حمله با انواع سلاح گرم به زنان و مردان غیر مسلح و محصور شده، با تمام ابهت‌های جهان هم قابل پاک کردن نیست. این ننگی بر دامن دولت نوری المالکی است که با هیچ رنگ و نیرنگی محو نمی شود.

بدیهی است که فلسفه وجودی المالکی و شرکا بر اساس نقض حقوق انسانی است. اما حاکمیت در عراق به میثاقها و کنوانسیونهای حقوق بشر و حقوق انسانها متعهد و ملتزم بوده و تغییر حاکمیت نمی تواند مانع این تعهد شود. هم اکنون پرونده چند تن از عاملان حمله قلبی به کمپ اشرف در یک دادگاه اسپانیا که به موارد جنایت علیه بشریت رسیدگی می کند در جریان است. آقای خوان گارسه، یک وکیل مبارز، ترقیخواه و مدافع حقوق انسانها که در گذشته وکیل قربانیان آگوستینو پینوشه بود، وکالت قربانیان جنایت در اشرف را از چندی پیش به عهده گرفته است. خوان گارسه اعلام کرده که برای جلب متهمان به دادگاه حکمی به پلیس بین المللی داده خواهد شد. این شتر در خانه المالکی و ژنرال علی غیدان، فرمانده مزدور ارتش که چنین جنایتی را آفرید خواهد خوابید. همه انسانهای آزادی خواه و مدافع حقوق بشر، با هر عقیده و مرام که به یک داوری عادلانه و بی طرفانه اعتقاد داشته باشند، در این پیکار برای دفاع از حق انسانی در جبهه زنان و مردان شهر اشرف که حقوق آنان پایمال شده قرار دارند. محکومیت قاطع و بدون شکاف جنایت در اشرف از طرف اکثریت قریب به اتفاق نیروها و شخصیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایرانی و اعلام این که دولت عراق مسئول این جنایت است به روشنی همین امر را نشان می دهد.

در یکی از نامه های جمعی به دبیرکل ملل متحد و سازمانهای مدافع حقوق بشر که تاکنون (چهارشنبه ۳۱ فروردین) بیش از ۱۱۰۰ تن از شخصیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی با گرایشات بسیار گوناگون آن را امضا کرده اند خواسته شد که: «رود خبرنگاران به این کمپ بلا مانع اعلام شود و نهادهای بین المللی بتوانند آزادانه وارد این کمپ شوند.» و این که: «امنیت ساکنان کمپ اشرف که افراد غیر مسلح هستند بر اساس قوانین بین المللی، از طرف سازمان ملل متحد تضمین شود و هرگونه خشونت از طرف دولت عراق علیه ساکنان این کمپ ممنوع اعلام شود.»

به نوشته سرویس خبری سازمان ملل، در روز ۲۹ فروردین، فرحان حق، سخنگوی دبیرکل ملل متحد در جلسه توجیهی خبرنگاران در نیویورک، خطاب به خبرنگاران گفت: به دنبال یک

بازدید مانیتورینگ از کمپ اشرف در روز چهارشنبه ۲۴ فروردین (۱۳ آوریل)، هیات همیاری ملل متحد در عراق (یونامی)، طی دیداری با مقامات عراقی یافته های اولیه خود را در اختیار آنها قرار داد و کشته شدن ۳۴ تن و زخمی شدن انبوهی دیگر را تایید کرد. وی در ادامه گفت: یونامی نگرانی عمیق خود را در مورد این اتفاقات ابراز کرده و مکرراً از دولت عراق خواسته است از قهر استفاده نکند. یونامی آماده است اسناد مربوط به دیدار از اشرف را ارائه کند.

از همین نگاه دولت آمریکا و سازمان ملل متحد مسئول اصلی برای حفظ امنیت ساکنان کمپ اشرف هستند و عادلانه ترین و منصفانه ترین برخورد در مورد جنایت روز ۱۹ فروردین تشکیل یک کمیته مستقل و بی طرف برای بررسی این جنایت از طرف دبیرکل ملل متحد است.

جنبه حقوقی

به سه دلیل دولت نوری المالکی حق برخورد جنایتکارانه و ضد انسانی با ساکنان شهر اشرف را نداشته و ندارد. دلیل اول این که دولت المالکی نماینده کل حاکمیت در عراق نبوده و بنابراین حق حاکمیت باید در کلیت آن مورد توجه قرار گیرد. منافع ملی و حق حاکمیت امری نیست که با تغییر دولت تفسیر متفاوت از آن مطرح شود. دولت نوری المالکی محصول یک سازش کثیف بین رژیم ولایت فقیه و دولت آمریکا و یک تحمیل به طرفهای دیگر است. یکی از مزدوران وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی در یکی از برنامه های تلویزیونی بی بی سی** به نکته ای اشاره کرد که مضمون آن همین امر را ثابت می کند. وی با اشاره به صف بندیهای درون جامعه سیاسی عراق اعتراف کرد که اگر امروز ایاد علاوی به جای نوری المالکی نخست وزیر عراق بود وضع به کلی فرق می کرد. (نقل به مضمون)

منافع ملی عراق و حق حاکمیت آن اکنون و در مرحله اول و به طور اساسی توسط رژیم ایران و بیت ولی فقیه پایمال می شود. بسیاری از فعالان سیاسی و اجتماعی در عراق که وزن قابل توجهی در حاکمیت دارند و از اعضای کابینه و یا پارلمان و یا سازمانهای سیاسی و اجتماعی موثر در تحولات عراق هستند بارها به این حقیقت عریان اعتراف کرده و به طور قاطع از حق ساکنان شهر اشرف برای برخورداری از حقوق و کرامت انسانی تاکید کرده اند. لیست اسامی این افراد و سازمانهای سیاسی و اجتماعی بسیار طولانی است و در این جا فقط مواردی از آن را یادآوری می کنم:

بقیه در صفحه ۲

یادآور می کرد، با این تفاوت برای قیام کنندگان در ایران میدان مانور برای مقابله با یورش مزدوران ولی فقیه گسترده تر و حجم آتش مستقیم تیر هم قابل مقایسه با آن چه در اشرف اتفاق افتاد نبود. تا همین لحظه که این یادداشت را می نویسم، توان توصیف آن چه از این پایداری در تصاویر دیده ام را ندارم. به راستی کم آورده ام و فقط می توانم از زمان جان شیفته نوشته رومن رولان وام بگیرم آن جا که می نویسد: «آزادی جان و اندیشه، تا وقتی به عمل تبدیل نشود چیزی بی ارزش و یک لفاظی پوچ است.»

در میان انبوه محکومیت‌های قاطع و ستایش برانگیز، موضع گیری تنی چند از فعالان و مدافعان اجرای «بی تنازل» قانون اساسی جمهوری اسلامی، منجمله موضع سید مجتبی واحدی مشاور و سخنگوی مهدی کربوی در خارج از کشور تنفر انگیز و ضد انسانی است.

تا آن جا که به «معاندان» استبداد مذهبی بر می گردد، موضع مجتبی واحدی قابل درک است. او نیز از جمله دل سوختگان ولایت فقیه است که تنها ایرادش به قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان سال ۱۳۶۷، اعدام بدون دادگاه است. اما نکته ای که او و امثال او فراموش می کنند و یا به علت بقایای آرزو برای شرکت در قدرت خود را به فراموشی می زنند این است که هیچ نیرنگ و تعدی نمی تواند سایه شوم خود را بر حق طلبی تا ابد بگستراند و مواضع منطبق با نهادهای اطلاعاتی ولایت خامنه ای و مزدوران اش برای مردم نه فراموش شدنی است و نه بخشیدنی. مجتبی واحدی و افرادی مثل او که دل به ولایت خامنه ای بسته اند بهتر است به مقاله کوتاه «مسجدیها و اردوگاه اشرف» نوشته حامد محسنی مندرج در سایت جرس مراجعه کنند تا ابعاد واکنش در مقابل جنایت ارتش تحت امر مالکی را دریابند.

یورش جنایت کارانه به کمپ اشرف را باید در سه حوزه انسانی، حقوقی و سیاسی مورد ارزیابی قرار داد.

جنبه انسانی

در این حوزه هیچ دلیل و توضیحی برای این حمله جانینکارانه به انسانهای بی سلاح و تحت محاصره که در شرایط به مراتب بدتر از زندان قرار



یادداشت سیاسی ..

بقیه از صفحه ۲

اسامه النجیفی رئیس پارلمان عراق، ایاد علاوی رئیس لیست عراقیه، صالح المطلک معاون نخست وزیر عراق، حامد المطلک نماینده پارلمان از لیست عراقیه، دکتر ظافر العانی دبیرکل تجمع آینده ملی عراق و از رهبران لیست عراقیه، سلیم الجبوری رئیس کمیسیون حقوق بشر در پارلمان عراق، خانم اشواق الجفاف عضو کمیسیون حقوق بشر پارلمان عراق، هانی عاشور مشاور لیست عراقیه، دکتر احمد سلیمان العلوانی رئیس کمیسیون اقتصاد در پارلمان عراق، حیدر الملا عضو پارلمان و سخنگوی لیست عراقیه، خانم دکتر ندى الجبوری عضو لیست عراقیه، علامه سید محمدعلی الحسینی، عالیله نصیف عضو لیست عراقیه، احمد العلوانی عضو لیست عراقیه، دکتر مصطفی الیهیتی عضو لیست عراقیه، خانم سهاد فاضل العبدی نماینده پارلمان عراق، خانم میسون الدملوجی عضو لیست عراقیه، قحطان سعیدی و کیل و از رهبران جنبش احرار، بایزید حسن عضو پارلمان از لیست تغییر کردستان، دکتر احمد المساری نماینده پارلمان از لیست عراقیه، محمود عثمان نماینده پارلمان و از رهبران ائتلاف کردستان عراق، آزاد ابوبکر زینال نماینده پارلمان عراق از اتحاد کردستان، بکر حمه کردی عضو اتحاد اسلامی کردستان عراق، لطیف حاج حسن عضو اتحاد کردستان و....

به این لیست می توان نام دهها عضو دیگر پارلمان عراق و صدها سازمان سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به شمول سازمانهای غیر دولتی را اضافه کرد. از میان صدها موضع گیری از جانب نخبگان سیاسی عراق که در مورد حمله دذمنشانه روز ۱۹ فروردین منتشر شده، فقط به ذکر یک نمونه آن بسنده می کنم.

محمود عثمان نماینده پارلمان و عضو ائتلاف کردستان در اظهارات مطبوعاتی اش گفت: «حضور سازمان مجاهدین خلق در خاک عراق، مطابق با قوانین بین المللی و داخلی است. وی افزود که موقعیت این سازمان قانونی بوده و هیچ شک و شبهه ای در این نیست و این غیرممکن است که به شیوه غیرقانونی آنها را بتوان اخراج کرد. وی توضیح داد: عراق کشوری است که در آن دموکراسی حاکم است و این عادلانه نیست که جریانی و طرفی بخواهد خارج از این رفتار بکند. محمود عثمان افزود: مجلس نمایندگان درصدد

است که موضوع این سازمان را در بحثهای سیاسی آینده خود مطرح کند، تا این که از آن چه که در این کمپ در جریان است اطلاع پیدا بکند.» (سایت ملف، ۳۰ فروردین ۱۳۹۰)

همین حمایت پُر وزن و گسترده نشان می دهد که تفسیر بسیاری از نیروها و شخصیتهای عراقی از منافع ملی و حق حاکمیت به کلی با تفسیر سرسپردگان به ولایت خامنه ای متضاد است.

دلیل دوم در مورد حق حاکمیت به شرایط جهانی پس از جنگ دوم جهانی بر می گردد. با تصویب بسیاری از میثاقها، کنوانسیونها و عهدنامه های بین المللی، به ویژه اسناد مربوط به حقوق شهروندان، حق مطلق حاکمیت دولتها با مفاد این اسناد محدود شده است. امروز حکومتی که به نام حق حاکمیت و به بهانه عدم دخالت در امور داخلی، حقوق شهروندی را نقض می کند، از قانون اعدام دفاع می کند، برابری زن و مرد را به رسمیت نشناسد و بیابیه حقوق بشر را نقض کند، در نهادهای بین المللی بارها مورد محکومیت قرار می گیرد. متأسفانه تا کنون با غلبه تجارت بر حقوق انسانها اجرای بدون تبعیض این تعهدات جهانی با چالشهای بی شمار روبرو شده است. اما هر نیروی تریخخواه که به معیارهای مدرن پایبند باشد و برای جهانی سرشار از صلح و عدالت تلاش کند، باید مصرانه خواستار اجرای کامل و بدون تبعیض مفاد این اسناد از طرف تمامی دولتها باشد.

بر اساس ۱۶ نظریه حقوقی توسط برجسته ترین حقوقدانان بین المللی در مورد ساکنان شهر اشرف، دولت و حاکمیت در عراق طبق معاهدات بین المللی ملزم به قوانین زیر است:

*کنوانسیون چهارم ژنو در مورد حقوق افراد غیر نظامی.
*قانون بین المللی حقوق بشر و قانون انساندوستانه بین المللی و کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی.
*قطعنامه های ۲۴ آوریل ۲۰۰۹ و ۲۵ نوامبر ۲۰۱۰ پارلمان اروپا درباره حقوق ساکنان اشرف که با اتفاق نظر ۸۵۰۰ حقوقدان و بیش از ۴ هزار پارلمانتار تدوین شده است.

*قراردادهای حاکمیت سابق عراق با سازمان مجاهدین خلق ایران که دولت عراق بر طبق قوانین بین المللی باید به آن ملتزم باشد.

*مواد ۵۲ و ۵۳ کنوانسیونهای لاهه درباره مالکیت افراد.

خودکامگانی مثل خامنه ای، نوری مالکی و... می توانند با استفاده از فرصت تجارت با کشورهای بزرگ، تحت عنوان استقلال و حق حاکمیت به سرکوب حقوق انسانها دست بزنند. اما جبهه مدافعان حقوق بشر گسترده تر از آن است که دیکتاتورها بتوانند

همواره بر ظلم و تعدی خود ادامه دهند. سرنوشت مبارک و بن علی و آن چه امروز در خاورمیانه و شمال آفریقا می گذرد چشم انداز مستبدان را ترسیم می کند. همه جباران حاکم، برای حفظ امنیت رژیم خود از مدافعان پر و پا قرص «منافع ملی و حق مطلق حاکمیت» هستند. اما روند تاریخ و به ویژه جنبه های مثبت جهانی شدن خط بطلان بر نظریه حق حاکمیت مطلق می کشد.

دلیل سوم این که نوری المالکی و شرکا حتی تعهدات خود با دیگر جریانات سیاسی عراقی را نقض گذاشته و در موارد بسیار آن را نقض کرده اند. امروز در خیابانهای بسیاری از شهرهای عراق مردم این کشور علیه نوری المالکی قیام کرده اند و مشروعیت او را زیر سوال برده اند. مهمتر این که موجودیت این دولت به پشتیبانی نظامی و لجستیک نیروهای آمریکایی وابسته است. بنابراین نوری المالکی نمی تواند با معیارهای قدیمی حق حاکمیت هم، یک رئیس دولت مدافع این حق باشد و بر اساس معیارهای جدید حق حاکمیت نیز نقض کننده تعهدات بین المللی و برهم زننده قراردادهای داخلی فی مابین نیروهای سیاسی است.

المالکی و ژنرال سرکوبگر، علی غیدان به دادگاه و برای رسیدگی به رفتار ضد بشری اشان فراخوانده می شوند. مصونیت سیاسی نوری المالکی دائمی نبوده و در این امر دیر و زود وجود دارد اما سوخت و سوز هرگز.

جنبه سیاسی

آن چه در روز ۱۹ فروردین در اشرف اتفاق افتاد یک عملیات جنگی تمام عیار با تجهیزات کامل علیه زنان و مردان غیر مسلح بود. این جنگ ظالمانه، غیرعادلانه و ارتجاعی ادامه یک سیاست مشخص دیکته شده از جانب خامنه ای است. بر اساس این سیاست ساکنان کمپ اشرف در مقابل دو راه قرار داده شده اند. یا باید تسلیم شوند و یا برای ابد زیر خاک اشرف ساکن شوند. مجری این سیاست ضد انسانی سید علی خامنه ای در عراق دولت نوری المالکی است. از این جهت سیاست عملی و روزمره دولت مالکی و مزدورانش، فشار مداوم و طاقت فرسا بر ساکنان اشرف برای وادار کردن آنان به تسلیم است. چندی پیش ساکنان اشرف به آمریکائیها و نمایندگان سازمان ملل در عراق و دولت المالکی اعلام کردند، در صورتی که شما واقعا خواستار خروج ما از عراق به یک کشور امن دیگر هستید در مرحله اول ۵۰ تن

هیچ انسان با وجدان و شرافتمندی نمی تواند زنان و مردان مجاهد شهر اشرف که از حق انسانی خود دفاع می کنند را به تسلیم تشویق کند و مهمتر این که سیاست تسلیم یک ضربه اساسی به قیام مردم ایران علیه استبداد مذهبی وارد خواهد کرد که آثار آن سالها بر پیکر جنبش آزادیخواهی مردم ایران باقی خواهد ماند.

از بیماران که در شرایط سخت به سر می برند را از عراق به اروپا و یا آمریکا اعزام کنید. اسامی این افراد و پرونده کامل پزشکی آنان نیز تحویل داده شد. اما نتیجه این اقدام این شد که نه فقط یک نفر هم به کشور ثالث منتقل نشد، بلکه سخت گیری در مورد مداوای بیماران افزایش پیدا کرد تا جایی که منجر به درگذشت مظلومانه یک نفر از ساکنان اشرف شد.

بقیه در صفحه ۴

به سه دلیل بالا و از نظر معیارهای مدرن حقوق بین الملل حمله به ساکنان غیر مسلح شهر اشرف با توسل به اصل حق حاکمیت قابل توجیه نیست. این حمله نمونه کامل جنایت علیه بشریت است و به همان گونه که تا کنون تعدادی از خودکامگان و جنایت کاران به دادگاههای بین المللی جنایت علیه بشریت و منجمله دادگاه رسیدگی به جنایت علیه بشریت در اسپانیا فراخوانده شده اند، بدون تردید

یادداشت سیاسی

بقیه از صفحه ۳



این شقایقهای سرخی که ما پُرپر شدن آن را با بلدوزر و گلوله و زرهی جنگی می بینیم، انسانهایی هستند که آگاهانه و با رد گزینه تسلیم راه پایداری و مبارزه برای آزادی را برگزیده اند و من در ستایش این پایداری آگاهانه و مختارانه یک بار دیگر جمله رومن رولان را تکرار می کنم که: «آزادی جان و اندیشه، تا وقتی به عمل تبدیل نشود چیزی بی ارزش و یک لفاظی پوچ است».

مستقل که از جانب دبیرکل ملل متحد انتخاب شود می تواند در رسیدگیهای خود با تمام ساکنان این کمپ گفتگو کند. این کار را نیروهای آمریکایی چند بار قبل و بعد از اعلام حق برخورداری مجاهدان شهر اشرف از کنوانسیون چهارم ژنو انجام دادند و حتی دولت عراق هم تا آن جا که من اطلاع دارم یک یا دو بار با تمام ساکنان این کمپ به طور انفرادی در مورد تصمیم آنان برای آینده مصاحبه کرده است.

کمیته حقیقت یاب تحقیق می تواند به طور دائم در کمپ اشرف مستقر شود و با تامین امنیت آن از جانب آمریکا و دولت عراق به یکایک ساکنان آن دسترسی داشته باشد.

تاکنون دولت نوری المالکی در پیروی از نیات پلید بیت خامنه ای مانع چنین امری شده است. دیکتاتور عراق به همان گونه که تعهدات اش با طرفهای سیاسی عراقی را معوق گذاشته درصدد است تا به سرعت امر نابودی شهر اشرف را بر اساس همان دو گزینه تسلیم و یا سکونت دائمی در زیر خاک اشرف به سرانجام برساند. بدیهی است که با وجود پایداری در اشرف و به علت شرایط داخلی عراق و شرایط جهانی و منطقه ای فرصت عملی کردن کامل این سیاست برای دولت نوری المالکی وجود ندارد و چشم انداز این پروژه رذیلانه شکست محتوم است.

علت و راز و رمز مقاومت و پایداری زنان و مردان شهر اشرف در شناخت دقیق همین امر است. تمام انسانها در دوران حیات خود بارها در مقابل انتخاب قرار می گیرند. چک و چانه زدن بر سر آن که چرا چنین شد و چنان نشد، هیچ تغییری در وجود لحظه تصمیم گیری نمی دهد و تنها می تواند شرمساری درماندگی برای تصمیم گیری را توجیه کند. این شقایقهای سرخی که ما پُرپر شدن آن را با بلدوزر و گلوله و زرهی جنگی می بینیم، انسانهایی هستند که آگاهانه و با رد گزینه تسلیم راه پایداری و مبارزه برای آزادی را برگزیده اند و من در ستایش این پایداری آگاهانه و مختارانه یک بار دیگر جمله رومن رولان را تکرار می کنم که: «آزادی جان و اندیشه، تا وقتی به عمل تبدیل نشود چیزی بی ارزش و یک لفاظی پوچ است».

*برای مشاهده نام امضا کنندگان این نامه به آدرس زیر مراجعه شود:

<http://www.gopetition.com/petition/44596/signatures.html>

**تلویزیون فارسی بی بی سی برای رعایت اصل «بی طرفی» در مقابل هر چند دقیقه پوشش خبری به سود ساکنان کمپ اشرف، به شکل «عدالانه» چند ساعت علیه آنان گزارش، خبر و تفسیر پخش کرد.

کند. تلاش آن تعداد اندک از افرادی که در سوخت و ساز یک ارگانیسم فعال به مزدوری دستگاههای امنیتی استبداد مذهبی درآمده اند هم بیشتر به مضحکه تبدیل شده است. حمله جنایتکارانه روز ۱۹ فروردین نشان داد که آن نیرویی که مانع ارتباط ساکنان شهر اشرف با دنیای خارج است، نه رهبران آنان که سرکوبگران تحت امر مالکی و عوامل نفوذی نهادهای امنیتی ولایت خامنه ای در دولت مالکی بوده است. این کمیته سرکوب دولت نوری المالکی است که از آغاز سال ۲۰۰۹ مانع ورود خبرنگاران و مردم عراق و ایران به شهر اشرف شده است.

بر اساس اطلاعیه روز پنجشنبه ۳۱ فروردین دفتر نمایندگی شورای ملی مقاومت ایران در انگلستان، وزارت خارجه عراق «۲۸ ماه است که حتی یک ویزا در پنج قاره جهان برای انبوه خبرنگاران، وکیلان و پارلمانترها و خانواده های ساکنان اشرف که متقاضی رفتن به عراق و بازدید از اشرف بوده اند، صادر نکرده» است و این در حالی است که «مأموران نیروی تروریستی قدس و اطلاعات آخوندها دائما از تهران به بغداد در سفر هستند و ۲۴۰ بلندگو هم در اطراف سیاح اشرف کار گذاشته اند».

وزارت اطلاعات خامنه ای نیز طی سالیهای گذشته تعداد زیادی از خانواده هایی که برای دیدار فرزندان و اقوام خود به کمپ اشرف رفته بودند را دستگیر و آنان را به زندانهای طولانی مدت محکوم و یا برای آنان حکم اعدام صادر کرد. در مقابل این دغلبازی نهادهای امنیتی رژیم ایران، مدافعان حقوق ساکنان شهر اشرف از پیشنهاد نوی پیلای، کمیسر عالی سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر که حمله نیروهای ارتش عراق را محکوم کرد و خواهان تحقیقاتی در این زمینه شده، حمایت می کنند. یک کمیته تحقیق

خامنه ای در صدد اجرایی کردن آن است.

ساکنان شهر اشرف از این سیاست اطلاع کامل داشته و عملیات اجرایی آن را روزانه با گوشت و پوست و رگ و استخوان خود حیس می کنند. آنان در مقابل دو گزینه قرار گرفته اند. یا تسلیم به دربار خامنه ای و یا پایداری برای دفاع از حق. این حقیقت به شکل عریان در مقابل زنان و مردان شهر اشرف خود را نشان می دهد و می دانیم که درک و پذیرش آن چه در مقابل انسانها قرار دارد، نخستین گام برای انتخاب مسیر است.

هیچ انسان با وجدان و شرافتمندی نمی تواند زنان و مردان مجاهد شهر اشرف که از حق انسانی خود دفاع می کنند را به تسلیم تشویق کند و مهمتر این که سیاست تسلیم یک ضربه اساسی به قیام مردم ایران علیه استبداد مذهبی وارد خواهد کرد که آثار آن سالها بر پیکر جنبش آزادیخواهی مردم ایران باقی خواهد ماند. بنابراین کسانی که مَشوق گزینه تسلیم نیستند یا باید عراق، آمریکا و ملل متحد را وادار به گزینه سوم مبنی بر قبول حق پناهندگی ساکنان کمپ اشرف در کشورهای پناهنده پذیر و امن کنند و یا اگر نمی توانند در این مورد اقدام موثری انجام دهند حق مقاومت و پایداری آنان را به رسمیت بشناسند.

نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی طی سی و چند سال گذشته در مقابله با سازمانهای سیاسی مخالف اقدام به ساخت و ساز یک صنعت جداسازی بدنه از رهبران کرده اند. وزارت اطلاعات رژیم در مورد سازمان مجاهدین خلق ایران با استفاده از تمام شیوه های سخت افزاری و نرم افزاری و با هزینه کلان در این راه تلاش کرده و می کنند. البته این صنعت فرسوده و نخ نما شده تاکنون نتوانسته برای نهادهای امنیتی رژیم آبی گرم

از آغاز سال ۲۰۰۹ تا امروز کمپ اشرف در محاصره کامل است. ورود عراقیان به اشرف ممنوع اعلام شده و خبرنگاران حق بازدید از این کمپ را ندارند. تمامی این اقدامات ضد انسانی برای اجرایی کردن سیاست دیکته شده خامنه ای به المالکی است.

بر طبق ارزیابی خامنه ای، آمریکاییها در شرایطی نیستند که بتوانند در مقابل پیشبرد این سیاست مانع جدی ایجاد کنند و تازه بسیاری بر این اعتقاد هستند که دولت آمریکا برای پیشبرد سیاست مداخلات، از عملی شدن این سیاست چندان نگران و یا ناراضی هم نیست.

این که خامنه ای چرا چنین سیاستی را در پیش گرفته نیاز به توضیح زیاد ندارد. همین سیاست در زندانهای جمهوری اسلامی در مورد کسانی که در مقابل ارتجاع ایستادگی می کنند هر روزه عملی می شود. خامنه ای بهتر از هر کس دیگر به ابعاد بحرانی که سراپای ولایت اش را در هم می پیچد آگاه است و می داند که با چند انفجار بزرگ همچون ۳۰ خرداد ۱۳۸۸، ۶ دی ۱۳۸۸ و ۲۵ بهمن ۱۳۸۹ می تواند استبداد مذهبی را به کلی فروپاشد. بنابراین او مصمم است که هر نیرویی با هر میزان سازماندهی که برای برچیدن بساط ننگین ولایت فقیه تلاش می کند را به کلی محو و نابود کند و بدیهی است که وجود مهمترین و مشکل ترین نیروی سازمانیافته ایران، حتی در شرایطی که افراد آن غیر مسلح و در حصر به سر می برد، می تواند همچون خار در چشمان ولی فقیه باشد.

از طرف دیگر نوری المالکی و شرکا هم به خوبی می دانند که بدون حمایت عملی رژیم ایران نمی توانند بر عراق حکومت کنند. اینان به خوبی می دانند که با وجود نیروهای گوناگون در این کشور تنها با حمایت آمریکا نمی توانند حاکمیت را در اختیار داشته باشند.

بقیه در صفحه

بنابراین منافع باند چپاولگر مالکی، و نه منافع ملی مردم عراق، این است که سیاست دیکته شده به وسیله ولی فقیه رژیم ایران عملی شود. تسلیم و یا سکونت ابدی در زیر خاک اشرف گزینه ای است که مالکی به نیابت از طرف

سرمقاله

وَسْمِه اِی که خامنه ای کشید و کور کرد

منصور امان

هنوز چند هفته از اخطار شدید آیت الله خامنه ای به سرکردگان گرایشهای گوناگون باند خود مبنی بر پرهیز از اختلافات و "حل کله ها میان خودشان" نگذشته که او خود ناچار شد طرف یک جدال علنی شده و با صدور "حکم حکومتی" برای جلوگیری از اخراج وزیر اطلاعات، به طور آشکار در برابر گرایش نظامی-امنیت دولت سنگر بچیند. ناگزیری آقای خامنه ای به جبهه سایی نه فقط ثابت می کند که او از اتوریته لازم برای کنترل جنگ قدرت در هرم "نظام" برخوردار نیست، بلکه از نگاه زبردستانش خود یک طرف جدال به حساب می آید و به همین صفت نیز به چالش گرفته می شود.

بی تردید هنگامی که آقای احمدی نژاد، گماشته ولی فقیه بر مسند ریاست جمهوری، حکم برکناری حجت الاسلام مصلحی، وزیر اطلاعات را امضا می کرد، به خوبی آگاه بود که با این اقدام، آقای خامنه ای را به میدان خواهد کشید. چه، وزارت اطلاعات در کنار وزارتخانه های استراتژیک دیگری همچون وزارت خارجه و کشور و نیز نیروی انتظامی از جمله قلمروهای رزرو شده ای است که جایگاه فرادست "رهبر" حتی در درون بوروکراسی دست نشانده را از طریق سیاستگذاری و عزل و نصب عینیت می بخشد. از این رو، برکناری وزیر مورد اشاره آقای خامنه ای نه فقط بی اعتبار شمردن دوباره این نظم به گونه مشاهده پذیر برای همگان و تاکید بر ادعای داشتن نقشی فراتر از مجری صرف دستورات بلکه، به معنای خارج کردن یک تکیه گاه حساس امنیتی از کنترل ولی فقیه در گرماگرم نبرد بر سر ایجاد توازن جدید در دستگاه قدرت می بود.

خامنه ای از مُتکی تا مُصلحی

هنگامی که در آذر ماه سال گذشته یک مهره مُستقیم کاشته شده آقای خامنه ای از وزارت خارجه اخراج شد، او هنوز قادر بود با فشردن دندان روی هم، از دست زدن به اقدام عملی علیه این حرکت خودداری کند. علت احتیاط وی به سادگی این بود که هر واکنشی می توانست علیه خود او به کار بیفتد و سیاست پُشتیبانی بی چون چرای اش از آقای احمدی نژاد در گذشته را زیر سوال ببرد. آیت الله خامنه ای با

امنیتی، بسیج، پُلِیس، زندانها و دادگاهها) را تشکیل می دهد، در اختیار رژیم حقیقی و در راس آن ولی فقیه باقی مانده و موضوع شراکت به حساب نمی آمده است. جناح رقیب باند ولی فقیه، چه کارگزاران و چه اصلاح طلبان، این تقسیم بندی را در عوض گرفتن سهم از منافع سیاسی و اقتصادی قدرت به رسمیت شناخته و پشت خطوط قرمز "نظام"، از مواهب "مردمسالاری دینی" بهره مند می شدند. اما این فقط یک رویکرد پراگماتیستی برچاسته از پذیرش شرایط مشارکت در قدرت نبود، بلکه نیاز مُشترک آنها با باند ولایت به "حفظ نظام" و ناگزیر اسباب و ابزار این مُهم را نیز عینی می ساخت.

آرایش سیاسی تشکیلات نظامی و امنیتی

استراتژی "یکدست سازی" آقای خامنه ای این صورت بندی را از طریق ادغام بوروکراسی دولت-مجلس در قدرت حقیقی و جنگ انداختن بر آن برهم زد. انگاشت و تغییر آرایش در بالا از طریق یک جابه جایی در عرض و جایگزینی مکانیکی نیروهای خود به جای رقیب اخراج شده بود. آقای خامنه ای واقعاً می پنداشت دگرگونی در ساختار قدرت و ترکیب آن، به هیچ تغییر کیفی در مُناسبات باند ولایت مُنجر نمی شود و تنها هژمونی او را چارمخ می کند. این در حالی بود که قدرت جدید به همراه نیروهایی که آن را سازمان می دادند، تحت قانونمندی

نشاندن خونین او بر مسند ریاست جمهوری در حقیقت سرنوشت خویش را نیز به سرنوشت گماشته اش پیوند زد. او بدین وسیله خود را به یک بن بست تاکتیکی راند که در آن جایی برای عقب نشینی و مانور گرد آقای احمدی نژاد بدون آن که خود از عوارض آن برکنار بماند، وجود نداشت. بنابراین، او در این هنگام نیز فقط می توانست بین از دست دادن بخشی از اختیاراتش به گونه نمادین یا در برابر چالش قرار دادن خود به طور واقعی یکی را انتخاب کند.

چرخش رویکرد او در برخورد به تازه ترین مبارزه جویی فراکسیون نظامی-امنیتی دولت در برابر خود را با دو فاکتور می توان توضیح داد که یکی از موضوع مُشخص وزارت اطلاعات و دیگری از آرایش گرایشهای درون باند او سرچشمه می گیرد.

وزارت اطلاعات

جایگاه دستگاه امنیتی در سیستمی که بقای آن بیش از هر عامل دیگر به توانایی در کنترل جامعه و سرکوب مُطالبات و نیازهای آن وابسته است، به توضیح زیادی نیاز ندارد. با این حال، در جمهوری اسلامی وظیفه مرکزی ارگان مزبور در حفاظت از قدرت مرکزی نمی تواند فقط متوجه خطراتی که از بیرون آن را تهدید می کند، باشد و باید از آن در برابر "خودی" ها نیز پاسداری کند. این امر را ساختار ناهمگون "نظام" الزامی ساخته است که به طور دایمی در حال تجزیه به گرایشات و دستجات رقیب یا منافع مُتفاوت و یا مُضاد است. تاریخ قدرت سیاسی در نظام جمهوری اسلامی، تاریخ کشمکشها و نبردهای نیروهای تشکیل دهنده آن است که همواره و بدون استثنا از طریق اعمال قهر و به شیوه های خشن و حذفی حل و فصل شده است.

در دوره کنونی نقش ابزار قهر در تنظیم مُناسبات در بالا از هر زمان دیگری پُر رنگ تر شده است و عامل آن، تاثیر مُقابل گسترده شدن دامنه شکاف و کوچک شدن مجموعه ای است که جدالها در آن جریان دارد. در دوره های گذشته، تقسیم قدرت همواره به معنای توزیع حقوقی آن و به طور انحصاری در پهنه بوروکراسی دولتی صورت گرفته است. اهرمهای اعمال حقیقی قدرت که مجموعه ای از دستگاههای قهری (سپاه پاسداران، ارتش، ارگانهای

با این تحول، دسته بندی در ساختار سیاسی به تشکیلات نظامی و امنیتی حافظ آن گسترش یافت و هر یک از اجزای این مجموعه ی -به نسبت- پرکنار نگه داشته شده از جدالها در هرم قدرت، به مایکرو آرگانیسمی تبدیل گردید که تصویر آرایش نیروها در آرگانیسم مادر (دستگاه سیاسی) در آن بازتاب می یافت. مفهوم عملی تجزیه تشکیلاتی دستگاه قهر به دسته بندیهای گوناگون گرد منافع مُختلف، به خدمت گرفته شدن و درگیر شدن هر یک از این اجزا از سوی آنهاست. بنابراین، تشکیلات نظامی و امنیتی دیگر نه اهرم انحصاری حل مُنازعات سیاسی ولی فقیه بلکه، بازوی همه طرفهای مُنازعه سیاسی به شمول ولی فقیه است که به نسبت سهمی که از آن می برند، به کارش می اندازند.

انتخابات

بزنگاه قانونی تقسیم سهم یعنی، انتخابات مجلس و ریاست جمهوری، موعدی است که همه این ظرفیت را به میدان می آورد. هیچ کس بهتر از اعضای باند ولی فقیه به عنوان سازمان دهندگان مُستقیم نمایشهای انتخاباتی و پاسداران نتایج آن، به اهمیت و نقش تعیین کننده دستگاه قهریه در شکل دهی مطلوب به فینال این خیمه شب بازی آگاه نیست. از این رو شگفت آور نیست که به مُوارات نزدیک شدن زمان انتخابات از یک سو دامنه جدالها بین فراکسیونهای رقیب گسترده و ژرف تر می شود و از سوی دیگر، تلاش برای

و تجزیه تکیه گاههای بقا و ثبات آن در قاعده، رژیم ولایت فقیه را در برابر جنبش اجتماعی چند گام به عقب می راند. حرکت به این سمت آغاز شده است.

بی تغییر مانده پیشین آرایش می گرفت و در دستگاهی که شکاف، تضاد و جدال در درون آن را تولید می کرد، به حرکت در می آمد. "رهبر" تشنه یکه سالاری، نه فقط قدرت سیاسی بلکه، آفتهای آن را نیز در باند خود جمع کرده بود. هنگامی که نیروهای تازه وارد نظامی - امنیتی، نفوذ "ریش سفیدان" راست سُنی را برنتابیده و استقلال خود از آنها را علامت دادند، او می بایست به بُن بست استراتژی یکدست سازی خود نظر می انداخت. آقای خامنه ای فقط توانسته بود از طریق شریک کردن رسمی نیروهای قهری (نظامی-امنیتی) در قدرت، کیفیت جدیدی به جدال کهنه باندها و گرایشها در جمهوری اسلامی بدهد. به این صورت که، رقابت، کشمکش و شکاف را به درون آنها نیز منتقل سازد و بدین گونه ابعاد خطرناکی به چگونگی به جریان افتادن و همچنین حل و فصل اختلافها بدهد.

کنترل اهرمهای نظامی - امنیتی بیشتر یا خنثی کردن بخش در اختیار رُقبای فزونی می گیرد. در این رابطه، گفته های یک سرکرده سپاه پاسداران، سالار آبنوش پیرامون انتخابات آتی مجلس شاید روشن ترین اشاره به اهمیت رویارویی در این مقطع و نیز دامنه جبهه گیری طرفهای درگیر باشد. او در ۱۴ اسفند سال گذشته به ناظران شورای نگهبان استان قزوین هشدار داد: "اگر نتیجه انتخابات مجلس ما باشد، سال ۹۱ سالی بسیار خطرناک و حتی خونین است به طوری که صاحب نظرانی که قدرت تحلیل دارند و تاکنون مسایل را به دُرستی پیش بینی کردند، بیان داشتند که اگر مجلس بعد مجلس سالمی نباشد، سال ۹۱ فتنه ی خونین است زیرا با هم می جنگیم و جریان انحراف سر درمی آورد." در باره ارتباط جدال بر سر وزارت اطلاعات با همین انتخابات نیز یکی از بقیه در صفحه ۶

استثمار بیشتر تحت نام «جهاد اقتصادی»

زینت میرهاشمی

سر مقاله

بقیه از صفحه ۵

خواب نما شدن یکباره آیت الله مصباح یزدی، یک پادوی آسمان به ریسمان باف آقای خامنه ای در مورد "شدیدترین خطری که تاکنون اسلام را تهدید کرده است"، روشن ترین علامتی است که آقای خامنه ای برای تغییر کورس و پریدن روی ریل مخالف ارسال کرد. آقای مصباح یزدی که تا مدت کوتاهی پیش از این به عنوان مامور ابلاغ وحی ملکوت مبنی بر پشتیبانی از فراکسیون نظامی-امنیتی دولت ایفای نقش می کرد، دلیل الهام واژگونه ناگهانی را اینگونه توضیح داد: "عده ای معتقدند، این که یک روحانی آن هم به حکم دین در راس مسایل کشور قرار بگیرد، امری اشتباه است."

برآمد

وسمه آقای خامنه ای بر ابروی ولایت مطلقه اش از طریق مقاومت در برابر اخراج وزیر اطلاعات، چشم آن را کور کرد. او نه فقط سند داد که دستورانش نزد رهبران و کارگزاران "نظام" بی اعتبار شمرده می شود بلکه ثابت کرد تدبیرهای داهیانه اش برای مهار بحران چندان پرت افتاده از شرایط است که حتی خود نیز نمی تواند بیشتر از چند هفته به آنها پایبند بماند. زخمهایی که او از این جدال بر تن حمل می کند، وی را آسیب پذیر تر از پیش کرده است.

به موازات این، همان گونه که جدال بر سر وزارتخانه اطلاعات نشان داد، شکاف در دستگاه قدرت به ابزارهای نظامی و امنیتی ثبات آن گسترش یافته و دسته بندیهای باند ولایت برای چیرگی بر یکدیگر، آنها را به خدمت می گیرند.

تلاشی قدرت مرکزی در "راس نظام" و تجزیه تکیه گاههای بقا و ثبات آن در قاعده، رژیم ولایت فقیه را در برابر جنبش اجتماعی چند گام به عقب می راند. حرکت به این سمت آغاز شده است.

نزدیکان آیت الله خامنه ای، حجت الاسلام سید عباس نبوی در ۳۱ فروردین می گوید: "رهبری در این مساله احساس خطر کردند و دلیل آن وجود جریان انحرافی در کنار رییس جمهور است که برای شهرآشوبی در درون وزارت اطلاعات برای انتخابات آینده برنامه داشته و بر همین اساس در حال چیدمان نیروهای خود در این زمینه هستند."

آرایش درونی باند

ولایت

دلیل دیگر به میدان آمدن آشکار آیت الله خامنه ای علیه خیز رقبا برای بیرون کشیدن اهرم وزارت اطلاعات از دست او، زرفش شکاف بین اعضای باند خود است. این فقط تهدیدات پاسدار آبنوش نیست که به او جرات می دهد، بدون هراس از به زیر ضرب بردن خود به دلیل ورشکستگی عملی استراتژی و تاکتیک اش، علیه نتایج آن وارد عمل شود و در برابر فرآورده های خود جبهه بگیرد.

او سواری روی موجی که راست ستنی علیه شرکای ناسپاس اش در دولت نظامی-امنیتی ها به راه انداخته را بی خطر ارزیابی می کند و فرصت مناسبی برای بیرون آمدن از بن بست تاکتیکی ای می داند که او را در مبارزه جویبهای پیشین فراکسیون دولت در برابر قدرت خود مانند برکناری وزیر سابق اطلاعات (حجت الاسلام محسنی اژه ای)، وزیر کشور (حجت الاسلام پورمحمدی) و سرانجام وزیر خارجه (آقای مکی) به انفعال محکوم ساخته بود. آقای خامنه ای امیدوار است، با کمترین هزینه و در حالت ایده آل از کیسه دیگران، دفتر هزینه های کمرشکنی که تصمیمهای نادرست و جاه طلبانه او بر "نظام" تحمیل کرده است را ببند.

(به استثنای لیبی که برای آن رقمی ذکر نشده) پایین تر خواهد بود.

در عوض میانگین نرخ تورم ایران در سال ۲۰۱۱ با ۲۲،۵ درصد به بیش از دو برابر میانگین منطقه خواهد رسید و با فاصله زیاد دیگر کشورهای منطقه را پشت سر خواهد گذاشت. پس این شکوفایی اقتصادی که را باید شکوفایی جیب مشتی سرمایه دار، غارتگر حکومتی و وابستگان تعریف کرد.

پایین نگاه داشتن سطح اعتراضهای کارگران و مزدبگیران از طریق عدم پرداخت حقوق، اضافه نکردن حداقل دستمزد مطابق با نرخ تورم، گسترده کردن قراردادهای موقت و لغو قراردادهای طولانی مدت، تهدید و زندانی کردن فعالان کارگری و... همه برای محدود کردن مبارزه کارگران و مزدبگیران حول خواسته هایی است که از جمله اولیه ترین حقوق آنهاست. حکومت از همه ابزارهای سیاسی و اقتصادی استفاده می کند تا مانع تشکل یابی کارگران شود و آن قدر فشار را افزایش می دهد که کارگران برای حفظ وضعیت موجود و نه برای گامهایی بلندتر، تلاش کنند.

میزان تعیین حداقل حقوق در سال جدید، با توجه به حذف یارانه ها و رشد سرسام آور قیمت های کالاهای حاملهای انرژی و تمامی مواد خوراکی، سیاست هر چه فقیر تر کردن کارگران و مزدبگیران برای جلوگیری از رشد جنبش کارگری را نشان می دهد. شورای عالی کار حداقل حقوق ماهانه کارگران را فقط ۹ درصد افزایش تعیین کرد. در حالی که خط فقر یک میلیون تومان برآورد شده است.

در حالی که حتا بانک مرکزی ایران افزایش نرخ تورم در پایان سال ۸۹ را نسبت به سال قبل را اعلام کرده است. البته آمارهای غیر حکومتی و نیز نهادهای آماری جهانی، نرخ تورم را حتا بالای ۲۵ درصد می دانند.

آمار نرخ بیکاری از جمله آمارهایی است که مورد چالش است. کارگزاران رژیم و نهادهای مربوطه هیچگاه آمار واقعی بیکاری را بیان نمی کنند. آمارهای تولید اشتغال و پایین آوردن بیکاری که از طرف احمدی نژاد هم مطرح می شود از طرف دیگر پایوران رژیم و خود داده های آماری مربوطه گونه غیر واقعی اعلام می شود. عبدالرضا ترابی عضو کمیسیون اقتصادی مجلس رژیم، نرخ واقعی بیکاری را بالای ۳۰ درصد اعلام کرد. وی نرخ بیکاری اعلام شده از طرف دولت را غیر واقعی دانسته و بیکاری را از جمله چالشهای اساسی رژیم اعلام کرده است.

مرکز آمار ایران در سال ۸۹، نرخ بیکاری را ۱۴،۶ اعلام کرده بود در حالی که احمدی نژاد آن را حدود ۹،۷۵ گشته بود. از سویی دیگر وقتی نرخ رشد اقتصادی به صفر می رسد، بطور می تواند شغلی ایجاد شود. آمار تعطیلی واحدهای تولیدی که در دوران احمدی نژاد بیشتر شده است انعکاسی از بیکاری است.

بودجه سال ۹۰ که با تأخیر برای تصویب به دست مجلس نشینان رسیده است هنوز جزئیات آن بقیه در صفحه ۷

در دورانی که حکومت در وضعیت ناهمگونی بسر می برد، این ناهمسازی به گونه ای بسیار آشکار کنشی در برابر جنبشهای اجتماعی، خیزشهای خیابانی و حرکت های اعتراضی کارگری است. در این شرایط بحرانی چگونه اجرایی کردن دست اندازی به شریانهای اقتصادی و کسب سود بیشتر در میان باندهای حکومتی در جایگاه بزرگ مالکان و سرمایه داران تجاری و مالی به تضادهای درون قدرت دامن می رند. اجرایی کردن حذف یارانه ها علیرغم اختلافهای موجود و نصیحت کارشناسان اقتصادی نظام مبنی بر خطرات ناشی از حرکت های اعتراضی مردمی، توسط احمدی نژاد و دستیابی به منبع مالی که چگونگی هزینه کردن آن در دست دولت نظامی امنیتی قرار دارد، از جمله راهکارهای حکومت ولی فقیه برای حفظ قدرت سیاسی در برابر بحران موجود است.

حکومت برای پیشگیری و نیز مقابله با شورشهای اجتماعی و نیز جنبشهای اعتراضی از دو ابزار سرکوب سیاسی و فشار اقتصادی استفاده می کند. بر همین منظر ولی فقیه در آغاز سال جدید، ضمن تجلیل از دولت امنیتی نظامی، محور مسایل اساسی کشور را اقتصادی دانست و سال ۱۳۹۰ را «سال جهاد اقتصادی» نامگذاری کرد. وی خواستار «حرکت جهادگونه» شد.

رئیس دولت امنیتی نظامی، در آغاز سال جدید، از طرحهای اقتصادی، ایجاد اشتغال و بهبود سطح زندگی مردم حرف زد. وی اعلام کرد که «کشور نه تنها در رکود نیست بلکه در یک دوره فعال و شکوفایی اقتصادی به سر می برد». حرفها و آمارهای غیر واقعی او حتا مورد تمسخر برخی از پایوران رژیم هم می شود.

آخرین گزارش صندوق بین المللی پول که روز دوشنبه ۲۳ فروردین ۱۳۹۰ منتشر شد، بی پایکی تصویری که احمدی نژاد در آغاز سال ۱۳۹۰ از اقتصاد ایران ارائه کرد را نشان می دهد. با توجه به ادعای احمدی نژاد در باره «شکوفایی اقتصادی» و واقعیت رکود و تورم اقتصاد ایران، و همچنین نامگذاری «جهاد اقتصادی» بر سال جدید، که خلاف وضعیت بحرانی اقتصاد است، نشانه ی ورشکستگی حکومتی است که حتا جرات رویارویی با واقعیت این بحران را هم ندارد. حکومتی که چشم انداز غلبه بر بحران را تاریک می بیند و با پاهایی لرزان در مسیر مهار بحران حرکت می کند، با آگاهی بر سرنوشت رفتنی خود همانند دیگر دیکتاتورها، غارت را در لحظه موجود راهکار خود می داند. حرکت جهادگونه که تقاضای ولی فقیه است در حقیقت تن دادن به استثمار بیشتر و دست کشیدن از حرکت های اعتراضی برای کارگران و مزدبگیران است. همه خواهد و داده های آماری اقتصادی برخلاف حرفهای بی سر و ته احمدی نژاد از وضعیت رکود در تولید و یک بحران جدی در اقتصاد ایران حکایت می کند.

راديو فردا در روز سه شنبه ۲۳ فروردین گفت: «بر اساس پیش بینی صندوق بین المللی پول، در سال جاری میلادی نرخ رشد اقتصادی ایران با صفر در صد از بیست کشور آفریقای شمالی و خاورمیانه

استثمار بیشتر تحت نام «جهاد اقتصادی»

بقیه از صفحه ۶

رسانه ای نشده است. تقسیم بندی بودجه سال قبل افزایش بخشهای نظامی، بسیج و سپاه پاسداران و نهادهای به اصطلاح فرهنگی وابسته به سپاه و بسیج و کاهش بودجه برای درمان و بهداشت را در بر داشت. در سالی که گذشت سپاه و بسیج با تکیه بر همین بودجه های حکومتی بیشترین نقش سرکوب و خشونت مردم را به عهده داشتند. وزیر فرهنگ و ارشاد رژیم یک پرده کوچکی از تقسیم بندی بودجه را اعلام کرد. محمد حسینی وزیر فرهنگ و ارشاد رژیم از اختصاص دادن بودجه ای در این وزارت خانه جهت سرکوب کسانی که به «اسلام اعتقاد ندارند» خبر داد. وی روز ۱۸ فروردین ۱۳۹۰، گفت: «کسی که به اسلام اعتقاد نداشته باشد، باید با او تصفیه حساب کرد و امسال هم پولی را گذاشته ایم برای همین کار.»

دسترسی بدون کنترل دولت بر منبع درآمد حاصل از حذف یارانه ها را نه در افزایش واقعی حقوق کارگران و مزدبگیران بلکه در جیب کارگزاران دولت نظامی امنیتی می توان یافت. بخش قابل توجهی از این درآمد برای سرکوبی مردم هزینه می شود. در ماه گذشته در مقابل ستم و تعدی سرمایه داران و حکومت مدافع آنان، کارگران به اشکال مختلف دست به مبارزه و اعتراض زدند.

بخشی از اخبار مبارزه کارگران در ماه گذشته به قرار زیر است.

اعتصاب و اعتراض پیروزمند

کارگران پتروشیمی در بندار

جنوب

روز ۲۹ اسفند سال ۱۳۸۹، کارگران شاغل در پیمانکاریها و شرکتهای خصوصی طرف قرارداد پتروشیمی بندر ماهشهر، به عدم اجرای مصوبه دولت مبنی بر انعقاد قرارداد مستقیم با کارگران اعتراض کردند.

به گزارش ایلنا، این تجمع باعث شد رئیس اداره کار منطقه در میان کارگران حضور یابد و به آنان قول دهد که بلافاصله بعد از تعطیلات این موضوع پیگیری شود. کارگران ۲۰ فروردین ماه سال جدید را فرجه زمانی برای پاسخ و پیگیری خواست خود تعیین کردند.

روز پنجشنبه ۱۸ فروردین، کارکنان حراست طرحهای ساختمانی منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر، در محل فرمانداری این شهرستان با در دست

همزمان با مجتمع پتروشیمی بندر امام، کارگران شرکتیهای پتروشیمی امیرکبیر، خوزستان، شیمیایی رازی، تندگویان، بوعلی و اروند در منطقه ویژه ماهشهر با طرح خواسته های مشابه دست به اعتصاب زده اند.

روز یکشنبه ۲۸ فروردین کارگران پتروشیمی امیرکبیر با خانواده های خود در مقابل این پتروشیمی حضور یافته و به اعتصاب خود ابعاد عمیق تری دادند. در همین روز کارگران پتروشیمی فجر جلوی درب ورودی این مجتمع تجمع اعتراضی خود را ادامه دادند.

سرانجام روز سه شنبه ۲۹ فروردین، کارگران پتروشیمی بندر ماهشهر بعد از یازده روز اعتصاب به توافقی کتبی با مدیریت شرکت دست یافتند و به اعتصاب خود پایان دادند. مدیریت شرکت متعهد شده است ظرف سه ماه خواست های کارگران را عملی کند.

به گزارش اتحادیه ی آزاد کارگران ایران، مدیریت پتروشیمی آغاز مذاکرات را به پایان جمعی در مقابل دفتر مرکزی شرکت از سوی کارگران مشروط کرد. این شرط از سوی کارگران اعتصابی مورد مخالفت قرار گرفت و نهایتاً در ساعت یک و نیم بعد از ظهر در حالی که تجمع کارگران ادامه داشت، مدیریت پتروشیمی ناچار شد با نماینده های کارگران بر سر میز مذاکره بنشیند. این جلسه که با حضور نماینده ماهشهر، فرماندار، رییس اداره کار و چندین تن از پرسنل امور اداری پتروشیمی بندر امام و نمایندگان کارگران برگزار شد در ساعت سه و نیم بعد از ظهر به پایان رسید و توافقات کتبی نماینده های کارگران با مدیریت پتروشیمی که به امضای نماینده های کارگران، مدیریت پتروشیمی، فرماندار، نماینده ماهشهر و دیگر شرکت کنندگان در جلسه رسیده بود از سوی ظریف کار مدیر عامل پتروشیمی در تجمع کارگران قرائت شد و با پذیرش آن از سوی کارگران، آنان از صبح روز چهارشنبه و پس از ۱۱ روز اعتصاب متحدانه بر سر کارهای خود بازگشتند.

برخی دیگر از مهمترین

حزبهای اعتراضی کارگران و

مزدبگیران در فروردین ۱۳۹۰

اعتراض و اعتصاب کارگران پالایشگاههای عسلویه با هدف افزایش دستمزد، در مقابل اداره کار عسلویه که از ۱۷ اسفند سال گذشته آغاز شده بود، پس از یک وقفه در روز سه شنبه ۲ فروردین ادامه پیدا کرد.

به گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، کارگران سد ژاوه در کامیاران روز دوشنبه ۸ فروردین دست به اعتصاب زده اند. این کارگران در اعتراض به

عدم پرداخت ۶ ماه دستمزد معوقه و نیز عدم پرداخت عیدی و سنوات، از ۲۳ اسفند ۸۹ تا به حال در اعتصاب به سر می برند.

*روز شنبه ۱۳ فروردین کارگران اخراجی دو شرکت ساختمان نصب و فراب جهت بازگشت به کار در مقابل درب پالایشگاه آبادان (گیت ۱۹) تجمع کردند.

به گزارش هرانا، حرکت اعتراض کارگران و تجمع آنها با یورش عوامل حراست و نیروی انتظامی مواجه شد.

*کارگران ریسندگی و بافندگی کاشان روز یکشنبه ۱۴ فروردین در اعتراض به عدم پرداخت عیدی سال ۱۳۸۹ و عمل نکردن کارفرما به تعهد خود مبنی بر پرداخت ۸۰ هزار تومان حقوق هفتگی درمقابل فرمانداری این شهر اجتماع کردند.

تعدادی از این کارگران در گفتگو با خبرنگار ایلنا ابراز داشتند: به رغم این که ۳۰ ماه حقوق معوقه طلب داریم و شرکت تعهد نموده بود که هفته ای ۸۰ هزار تومان به کارگران این شرکت پرداخت کند ولی مدت سه هفته است که مدیریت شرکت این مبلغ را پرداخت نکرده است.

*روز سه شنبه ۱۶ فروردین، کارگران کارخانه لاستیک سازی البرز (کیان تایر) در مقابل این شرکت تجمع کرده و به ادامه تعطیلی این کارخانه وعدم امنیت شغلی اعتراض کردند. این کارگران در سال گذشته هم بارها دست به اعتراض و تحصن زده بودند.

*کارگران کارخانه کاغذ سازی پارس از روز شنبه ۲۰ فروردین دست به اعتصاب زدند.

این اعتصاب در روز بعد هم ادامه یافت و بنا بر گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، این اعتصاب به دنبال اخراج ۶۰ نفر از کارگران قرارداد موقت این کارخانه و عدم توفیق کارگران از قانع کردن مدیریت کارخانه برای بازگشت به کار کارگران اخراجی آغاز شد.

*اعتصاب کارگران کارخانه ریسندگی کاشان که از روز یکشنبه ۱۴ فروردین آغاز شده بود همچنان ادامه دارد و این کارگران در روز دوشنبه ۲۲ فروردین نیز از آغاز به کار خودداری می نمایند.

*کارگران کشت و صنعت کارون، شوشتر و هفت تپه روز سه شنبه ۲۳ فروردین، در مقابل مجلس تجمع کردند.

به گزارش ایسنا، این کارگران در تجمع خود اعلام کردند که طبق مصوبه

بقیه در صفحه ۸

سال جهاد اقتصادی یا فلاکت بیشتر

جعفر پویه

برخی دیگر از مهمترین
حرکتهای اعتراضی کارگران و
مزدبگیران در فروردین
۱۳۹۰

بقیه از صفحه ۷

نمی‌شود، البته برای چندمین بار است که مقابل مجلس تجمع می‌کنیم و قبل از تعطیلات نوروز هم در مقابل مجلس تجمع کرده بودیم.

کارگران این کارخانه روز دوشنبه ۲۹ فروردین برای دومین روز متوالی در مقابل مجلس تجمع کردند.

*کارگران شرکت ذوب و فلزات شهر اهر روز بکشنبه ۲۸ فروردین در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای موقه ۱۶ ماهه خود در مقابل فرمانداری این شهر دست به تجمع زدند.

به گزارش هرا، در پی این تجمع، نمایندگان کارگران به همراه نمایندگان دادگستری و معاون فرماندار رژیم در اهر تشکیل جلسه دادند و مقرر شد این موضوع از طریق دادگستری استان پیگیری شود.

کارخانه ذوب و فلزات اهر که در زمینه تولید قطعات ماشین آلات و ریخته‌گری از سال ۷۳ فعال است، به علت تغییرات متعدد اعضای هیات مدیره و مسائل مالی از ۲ سال پیش با مشکلات مالی مواجه شده است و همچنین شماری از کارگران این شرکت در اسفند ماه سال گذشته، با اعلام این که بیش از ۱۸ ماه است که حقوق و مزایا و مطالبات خود را دریافت نکرده‌اند در مقابل فرمانداری تجمع نموده بودند.

*روز دوشنبه ۲۹ فروردین، کارگران شرکت مخابراتی راه دور ایران (ITI) در اعتراض به عدم اجرای مصوبات دولت در مورد این واحد صنعتی، در شیراز راهپیمایی کردند.

به گزارش ایسنا، این کارگران حداقل ساختمان استانداری فارس تا سازمان صنایع و معادن این استان را در اعتراض به تأخیر در اجرای مصوبات هیأت دولت راهپیمایی کردند.

راهپیمایان با شعار «زندگی، معیشت حق مسلم ماست»، «مصوبات دولت اجرا باید گردد» و «۲۰ ماه حقوق کارگر پرداخت باید گردد» خواستار تسریع در اجرای مصوبات دولت و پرداخت مطالبات معوقات کارگران شدند.

این کارگران همچنین با حمل پلاکاردهایی و واگذاری واحد صنعتی مخابراتی ITI به بانک ملی را محکوم کردند.

سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در ایران را به شدت محکوم می‌کنیم.

کمیسیون اجتماعی و در طی تحصن تعدادی از این کارگران در تاریخ ۱۹ اسفند ۱۳۸۷ قرار شد فصول بیکاری این کارگران در سنوات بیمه آنها وصل شود.

این در حالی است که تا این تاریخ سازمان تامین اجتماعی این کار را انجام نداده است.

*روز سه شنبه ۲۳ فروردین پرستاران بیمارستانهای امام علی و غدیر در اندیمشک دست به تجمع اعتراضی در میدان اصلی شهر اندیمشک زدند.

به گزارش اتحادیه مستقل کارگری شمال خوزستان پرستاران با در دست داشتن پلاکاردهایی خواستار تحقق وعده‌های پیشین کارگزاران رژیم مبنی بر پرداخت دستمزدهای موقه، اضافه کاری، حق شیفت، کاستن از ساعات کار و پرداخت سختی کار شدند. در پایان، پرستاران طی بیانیه‌ای که توسط رئیس اتحادیه مستقل کارگری شمال خوزستان قرائت شد خواستار اتحاد و انسجام کارگران و زحمتکشان و پرستاران شدند.

*کارگران نساجی قزوین، روز شنبه ۲۷ فروردین، در مقابل نهاد ریاست جمهوری تجمع کردند. یکی از کارگران نساجی قزوین در گفت‌وگو با خبرنگار جرس گفته است: ما شب عید را بدون حقوق و پول گذرانیم، راه دیگری جز تجمع برای ما نگذاشته‌اند.

بر اساس این گزارش لحظاتی پس از حضور کارگران، پلیس ضد شورش در این مکان حضور یافته و از دادن شعار توسط کارگران جلوگیری به عمل آمد.

در ادامه این خبر آمده است پس از متفرق کردن کارگران توسط پلیس ضد شورش، آنها در پارک پاسنور دست به تحصن زدند.

*کارگران و کارکنان شرکت نازنخ قزوین در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و دستمزد خود برای چندمین بار روز یکشنبه ۲۸ فروردین در مقابل مجلس رژیم تجمع کردند.

یکی از معترضان در رابطه با تجمع کارگران این شرکت به خبرنگار فارس گفت: ۱۶ ماه است که حقوق نگرفته‌ایم و به امورمان رسیدگی

و برق، یکی از نشانه‌های ضد مردمی بودن طرح کارشناسی نشده و بدون حساب و کتاب قطع سوبسیدهای کالاهای اساسی است. اما این همه‌ی ماجرا نیست، زیرا بسیاری از کارخانه‌ها و کارگاههای تولیدی اعلام کرده‌اند با این حساب قادر به ادامه کار نیستند و از هم اکنون زرمه تعطیلی خود را آغاز کرده‌اند. از سوی دیگر، در صورت محاسبه همین گونه قیمت گذاری انرژی در بخش کشاورزی، بسیاری از کشاورزان ترجیح خواهند داد دست از کار بکشند و راه مهاجرت به شهرهای بزرگ و حاشیه نشینی را پیش ببرند تا زیر بار قرض بهای سنگین قیمت انرژی ای کمر خم کنند که محصولات تولید شده با آن قادر به رقابت با کالاهای مشابه وارداتی نیست. همچنین است اوضاع دامداران که در مقابل بهای نجومی انرژی سپر می‌اندازند و اقدام به تعطیلی کرده‌اند.

با این حساب می‌توان رشد بیکاری و نرخ آن که سیر صعودی گرفته را در نظر گرفت و با یاهو های احمدی نژاد که دایم خبر تولید شغل می‌دهد، مقایسه کرد.

اگر خامنه‌ای سال ۹۰ را "سال جهاد اقتصادی" می‌نامد، در عوض احمدی نژاد آن را "درخشان‌ترین سال اقتصادی" می‌داند. این حرفها در حالی بیان می‌شود که به گفته کارشناسان اقتصادی، کشور در یکی از بدترین شرایط اقتصادی این سالها قرار دارد و بحران رکود سر تا پای آنرا فرا گرفته است.

در چاه لغزند

احمدی نژاد با تأخیر بسیار زیاد بودجه سال ۹۰ را به مجلس فرستاد. این بودجه هنوز در مجلس آخوندها تصویب نشده و گوش شنوایی نیز برای فریادهای برخاسته نیست. مجلس دست آموز ناتوان تر از آن است که بتواند پادوی رهبر را وادار به اطاعت از قوانین جاری کند. نهادی که خود را بالاتر و بر فراز قانون تعریف می‌کند، گماشته‌هایش نیز به تبعیت از آن، خود را موظف به پاسخگویی نمی‌دانند. اینست که در یک وضعیت بسیار بحرانی معلوم نیست چه کسی باید پاسخگوی مردمی باشد که ناتوان از گذران امور روزمره، فریاد خود را بلند کرده‌اند. دولت احمدی نژاد در حالی که از برآورده کردن نیازهای حداقلی مردم ناتوان است، کوس مدیریت جهانی می‌زند و با پشتوانه امام زمانی که برای خود قایل شده است، دهان هر منتقدی را با مشت می‌بندد. در عرصه بین المللی نیز هر روزه با یک بحران جدید روبروست. سازمان ملل و شورای امنیت آن از یک طرف و شورای اروپا و برای گذران امورات خود نیازمند حداقلها هستند.

بقیه در صفحه ۹

بحران اقتصادی همه جانبه‌ای بر کشور مستولی است. دولت نظامی-امنیتی تنها با دروغ و وعده‌های پوچ و بیهوده سعی می‌کند تا امروز را به فردا برساند. اکثر کارخانه‌ها یا با حداقل ظرفیت کار می‌کنند، یا در حال ورشکستگی هستند. کارگران و مزدبگیران شاغل در واحدهای تولیدی یا مدتهاست حقوق و دستمزد دریافت نکرده‌اند و یا برای دریافت حداقلها در حال اعتصاب و کشاکش با کارفرما و شرکتهای انگلی پیمانکاری بسر می‌برند. حداقل دستمزد سال جدید آنچنان فاصله نجومی‌ای با هزینه‌های جاری خانواده‌های مزدبگیر دارد که جای هیچگونه حرف و حدیثی باقی نگذاشته است. اما با همه اینها، رهبر و ولی فقیه رژیم، سال ۱۳۹۰ را "سال جهاد اقتصادی" نام گذاری کرد. ناگفته نماند که این گونه به استقبال سال جدید رفتن از سوی خامنه‌ای می‌تواند معانی متفاوتی داشته باشد. از همه آنها مهم تر، تحمیل فقر و فلاکت بیشتر به خانواده‌های کارگران و مزدبگیران از سوی رژیم جمهوری اسلامی است.

ریشه‌های فاسد

کارگران و مزدبگیران و در کل، اکثریت مردم کشور در حالی سال جدید را آغاز کردند که اولین نشانه‌های طرح هدمند سازی یارانه‌ها خودنمایی کرد. قبضه‌هایی با اعداد نجومی از راه رسید و طعم تلخ دروغ و فریبکاری رییس جمهور برگزیده رهبر و ولی فقیه رژیم یعنی، احمدی نژاد که گفته بود "پول یارانه‌ها متعلق به امام زمان است" را به گلوی مردم آشنا کرد. مبالغ ناچیز یارانه‌های نقدی که به حساب مردم ریخته شده بود، صرف تفاوت قیمت کالاهای اساسی در خریدهای شب عید شد. این گرانی نه تنها کالاهای اساسی مردم را شامل گردید، بلکه فرار ارزهای دولتی از سبد دولت و اوج گرفتن قیمت آن همراه با رشد سریع قیمت طلا، بازار را با شوکهای قوی روبرو ساخت. اما آنچه در این میان بیش از همه چشمگیر است، تأثیر این اتفاق بر تولید از یک طرف و واردات از سوی دیگر است.

هرچند بسیاری از خانوارها اعلام کردند که قادر به پرداخت قبضه‌های نجومی گاز نیستند، اما دولت وعده داد که قیمت برق نیز افزایش یافته و به زودی مردم باید پذیرای قبضه‌های آنچنانی تازه‌ای باشند. ناتوانی اقشار پایین دست و حقوق بگیران در پرداخت قبضه‌های گاز

سال جهاد اقتصادی یا فلاکت بیشتر

بقیه از صفحه ۸

دولت آمریکا و کانادا و ... از طرف دیگر هر کدام به نوبه خود تحریمهایی را علیه دولت و سرمداران سرکوبگر و دزد و جانی نهادهای حکومتی وضع کرده اند. مبادلات تجاری بین المللی با مشکل روبروست، ارتباطهای تجاری و سرمایه گذاری در بخشهای گوناگون اقتصادی به ویژه نفت و گاز را کد است و ارتباطهای سیاسی به دلیل بحران آفرینی رژیم سالهاست که دچار نقصان عمده شده است. در این میان آنچه زیان می بیند، اقتصاد و کارخانه های تولیدی و بازرگانی عمومی داخل کشور است که از یک سو نیازمند مبادلات با جهان امروز و از سوی دیگر نیازمند آرامش است. در یک فضای بحرانی و پر تنش، صحبت از رشد اقتصادی حرف بیهوده ای است. درگیری باندهای داخل رژیم از یک طرف و هموردی مردم با رژیم سرکوبگر، شرایطی پس نا آرام را در داخل دامن زده است. کشوری که هر روزه با بحرانهای بزرگ و کوچک دست و پنجه نرم می کند، باید هم با بحران اقتصادی مواجه باشد. بی دلیل نیست که صندوق بین المللی پول در تازه ترین گزارش خود از "عمق بحران شدید اقتصادی، که از سه سال پیش به این سو بر ایران سنگینی می کند،" حرف می زند. این گزارش پیش بینی می کند که در سال ۲۰۱۱ میلادی، دو شاخص عمده اقتصاد کلان ایران رو به وخامت خواهد رفت: "نرخ رشد به صفر درصد تنزل خواهد یافت و در عوض، نرخ تورم به ۲۲٫۵ درصد اوج خواهد گرفت."

صندوق بین المللی پول همچنین پیش بینی می کند که "بحران اقتصادی ایران در سال ۲۰۱۱ میلادی شدت گرفته و در قالب یکی از بی سابقه ترین اشکال "رکود تومی" در تاریخ معاصر کشور، بروز خواهد کرد."

علی اکبر اولیا، نماینده یزد در مجلس آخوندها می گوید: "به خاطر سیاستهای غلط دولت در بخش کشاورزی و دامداری، سال گذشته ۷۰ درصد دامپروریهای استان یزد تعطیل شدند و ۳۰ درصد بقیه هم امسال در شرف تعطیلی هستند."

او افزوده است که استان یزد در تولید گوشت قرمز نمونه بوده است اما برنامه ریزیهای دولت و واردات بی رویه گوشت موجب تعطیلی پرور بندبها و دامپروری کشور شده است.

قدرت الله علیخانی، دیگر نماینده مجلس آخوندها روز شنبه ۲۷ فروردین در گفتگو با خبرنگاری ایلنا گفت: "اگر دولت در مورد تعدیل قیمت‌های حامل‌های انرژی در بخش تولید و کشاورزی اقدام عاجل و جدی انجام ندهد، بسیاری از

صنایع کشور تعطیل و کشاورزان بسیاری هم بیکار خواهند شد." اما احمدی نژاد در سخنرانیهایش دایم تکرار می کند: "در سال گذشته (۱۳۸۹) یک میلیون و ششصد هزار شغل در کشور ایجاد شده و در سال جاری (۱۳۹۰) دو میلیون و پانصد هزار شغل در کشور ایجاد خواهد شد."

این درحالی است که گروهی از کارشناسان اقتصادی به تغییر تعریف شاغل در آمارهای داخلی و از نظر دولت احمدی نژاد خبر داده اند. بر اساس تعریف دولت امام زمانی برکشیده رهبر رژیم، هر فردی که حتی در هفته یک ساعت کار کرده باشد، شاغل به حساب می آید. بر اساس همین تعریف، سربازان، دانشجویان، دانش آموزان و زنان خانه دار نیز شاغل ارزیابی شده اند. اما با تمام این شعبده بازیها و دوز و کلکهها، عبدالرضا ترابی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس آخوندها نرخ واقعی بیکاری در ایران را "بالای ۳۰ درصد" اعلام می کند. در حالی که مسوولان وزارت کار میزان بیکاری را حدود ۱۰ درصد اعلام کرده اند. در چنین وضعیت شیدانه ای است که دولت با سرپوش گذاشتن بر بسیاری از نابسامانیها و آمار سازی مفتضحانه سعی دارد که به مردم بقولاند که بیکاری در کشور کاهش یافته است. اما چه کسی باور می کند با یک ساعت کار در هفته می شود امورات را گذرانند، در حالی که بسیاری از افراد برای سر بسر کردن هزینه های خود مجبور به ساعتها کار اضافی، دو شیفت کار و کارهای خدماتی و ... هستند.

اینست که سال "جهاد اقتصادی" چیزی به جز یک توجیه مذهبی برای ریاضت دادن به مردم و تحمیل فقر و فلاکت بر آنان نیست.

فساد و افسد

اقتصاد در رژیم جمهوری اسلامی به رانت خواری، دزدی، فساد، رشوه و اختلاس و ... مبتلاست. طبق آمار "سازمان شفافیت بین المللی"، رژیم جمهوری اسلامی یکی از فاسدترین رژیمهای جهان است. دست درازی امنیتها به پروندههای اقتصادی و چنگ اندازی آهنین سپاه برای مال خود کردن بخشی از اقتصاد کشور و در کنترل گرفتن آن، یکی از نشانه های این فساد است. به این امر می شود امتیاز بسیاری از آقازاده ها و وابستگان به پایوران رژیم که از محل رانت‌های گوناگون به رشوه گیری، واردات بی رویه کالاهای پرتوجه زد و بندهای اقتصادی پشت پرده اشتغال دارند را اضافه کرد. سیستم فاسد بوروکراتیک رژیم و دله دزدیهای بی حساب کتاب و دست اندازی به

موقوفات و مصادره املاک مردم و تغییر کاربری دادن زمینهای کشاورزی و بذل و بخشش بی حساب املاک دولتی نیز بخشی از فساد افسار گسیخته است. بنابر اخبار منتشر شده از داخل رژیم، رقم وام‌های کلانی که بعضی از نزدیکان به پایوران رژیم از سیستم بانکی دریافت کرده و حاضر به باز پرداخت آن نیستند، سر به فلک می زند. بنا به گفته یکی از اعضای "ستاد مبارزه با فساد اقتصادی"، "۵۰ هزار میلیارد تومان معوقه بانکی کشور در حساب ۸۴ نفر قرار دارد. عزت الله یوسفیان، عضو این ستاد می گوید که بعد از روی کار آمدن محمد رضا رحیمی به عنوان رییس ستاد مبارزه با فساد اقتصادی، میزان معوقات بانکی افزایش پیدا کرده است. رحیمی همان کسی است که پرونده اختلاس اش به دستور رهبر جمهوری اسلامی مسکوت گذاشته می شود. به زبان دیگر، عده ای دزد و اختلاس گر و رشوه گیر و بند و بست چی مامور مبارزه با چیزی شده اند که خودشان متهمان درجه یک آن می باشند. به این سیاهه اضافه کنید نام کسی را که در یک نمایش مزایده، ماشین قراضه احمدی نژاد را به مبلغ دو میلیارد و پانصد میلیون تومان خرید. او که سعی داشت تا نامش مخفی بماند، موفق به اینکار نشد و پس از اندک زمانی مشخص می شود این شخص یکی از بدهکاران بزرگ سیستم بانکی کشور است که چیزی حدود ۱۲۰۰ میلیارد تومان بدهی معوقه دارد. پس از افشای این فضاحت، حمید بقایی، جانشین مشایی در دفتر احمدی نژاد می گوید: "نه من و نه مشایی اصلن خریدار خودروی رییس جمهور را نمی شناسیم."

اگر ۱۲ میلیارد دلار پول گمشده نفت را نیز به این سیاهه اضافه کنیم، آنوقت حجم اختلاس، دزدی و کلاه برداریهای نجومی در رژیم ولایت فقیه به خوبی مشخص خواهد شد. این است که در این چاه ویل هرچه بریزند، پر نخواهد شد و اشتباهی تازه به دوران رسیده های نظامی امنیتی به این زودیهها سیری نخواهد یافت. در چنین وضعیتی است که "سال جهاد اقتصادی" به خوبی معنا پیدا می کند و رهبر و ولی امر دزدان و چپاولگران امر به محکم بستن کمریندها به افشار فرو دست و مزدبگیر می دهد.

همه چیزدان نادان

خامنه ای در دیدار با اعضا مدرسین حوزه علمیه قم می گوید: "در مسایل اقتصادی بنده دخالت نمی کنم. من خودم را توی این مسایل صاحب نظر نمی دانم. قیمت ارز، سود بانکی و ... دخالت نمی کنم."

اعلام سال جهاد اقتصادی از سوی کسی که خود را در اقتصاد که توسط

ولی فقیه قبلی "مال خر" دانسته شده بود، به جهالت می زند، باید معنای ویژه ای داشته باشد. او که از اقتصاد تنها صفرهای شماره حسابهای بانکی را خوب می شناسد، بیش از بقیه سردمداران چپاولگر، واقف به مکافات است که مردم با آن دست به گریبان هستند. دستورها و امر نهی او در بذل و بخشش کلان با عناوین مختلف به اطرافیان و خاصه خرجی او در حمایت مالی از تروریسم بین المللی از جیب مردم فقر زده و پافشاری بر بحران آفرینی اتمی یا پشتوانه درآمدهای نفتی، اظهار من الشمس است. خامنه ای خود سردستگی باندهای چپاولگری را به عهده دارد که ثروت ملی و اموال عمومی را به یغما می برند و در صورت گرفتار شدن یکی از آنها همچون رحیمی، به قوه قضاییه تحت امر خود دستور توقف پیگرد می دهد. نمی شود این نشانه های ساده همدستی با دزدان را دید و قبول کرد که او در اقتصاد دخالت نمی کند. نمی شود خود را به کوری زد و صدای فریاد مردمی که در زیر بار هزینه های روزمره کمر خم می کنند را نشنید، اما امر به باز کردن قلاده دزدان و چپاولگران داد تا اقتصاد بیمار کشور را با اعمال خود به نابودی بکشاند.

چرا در حالیکه قیمت نفت در بالاترین حد خود در سالهای اخیر قرار داشته است، دولت نه تنها توانسته موجودی صندوق ذخیره ارزی را افزایش دهد، بلکه همان اندک ذخیره را نیز هزینه کرده است؟ چرا بخشی از پولها صرف سرمایه گذاری در بخشهای مختلف برای جلوگیری از فرسودگی و کار آفرینی نشده است؟ چرا وزارت نفت برخلاف وظیفه خود آن بخش از درآمد خود از محل فروش نفت را صرف سرمایه گذاری در میادین گازی و نفتی نکرده است؟ مگر نه اینکه این وظایف حتا در ردیف بودجه سالانه نیز به تکرار بیان و گوشزد شده است؟

به یک جمله می توان گفت دولت نظامی امنیتی با بحران آفرینیهایی بین المللی و عربده جوییهایی خود باعث شده است تا صدمات جبران ناپذیری به اقتصاد کشور وارد آید. ولی فقیه رژیم که پشت همه این برنامه ریزی های بی خردانه قرار دارد، عامل اصلی این تخریب و نابودی سازی زیر ساختهای اقتصادی کشور است. دمیدن در بوق اتمی و ادعای مدیریت جهانی و کاغذ پاره خواندن قطعنامه های سازمان ملل، نتیجه اش بحرانی است که دامن اقتصاد کشور را می گیرد و آن را در سراشیب نابودی می اندازد. اما احمدی نژاد با بی شرمی از تحریمها اظهار خوشحالی می کند و به آنها می بالد. همه می دانند او در سیاست خارجی و سیاست اتمی تنها

بقیه در صفحه ۱۰

دیپلماسی "خالی بندی"

لیلا جدیدی

فراسوی خبر ۱۵ فروردین

سید علی خامنه ای در جمع فرماندهان دست به سینه نظامی و انتظامی حکومتش یک "خالی بندی" تمسخر آمیز تازه و یک ادعای واهی کهنه شده را برای دلداری دادن به مزدورانش تکرار کرد. او نخست ادعا کرد که جنبشهای جاری در منطقه "بنا به اذعان تقریباً همه تحلیلگران دنیا" ناشی از حکومت سرکوبگر و فاسد جمهوری اسلامی است. او به این وسیله روشن کرد که جنبش اجتماعی مردم ایران، ماشین روغ پردازیهای آیت الله ولی فقیه را به طور جدی به روغن سوزی انداخته است. وی سپس با موتور سوخته باز هم ناپرهیزی بیشتری کرده و دود کتان وارد قضیه هسته ای شد. او کارنامه حکومتش در اصلی ترین مساله سیاست خارجی جمهوری اسلامی را اینگونه جمع زد: "ایران اسلامی بر همه تلاشها و فشارهای استکبار فایق آمده".

این در حالیست که دو مزدور بلندپایه سابق در وزارت خارجه در جریان مرافعه شخصی بین خود، پته او و "فایق آمدن" را روی آب ریخته اند. صادق خرازی در مصاحبه ای، وزارت خارجه دوران متکی را گرفتار "نخبه زدایی" توصیف کرد و گفت که وی "دستگاه سیاست خارجی را به دستگاه تبلیغات و تشریفات تبدیل کرد".

در پاسخ، متکی انتقادهای خرازی را "خالی بندی" خوانده و گفت: "ایشان سیاست خارجی را صرفاً التماس برای مذاکره با آمریکاییها می داند".

خرازی نیز در جواب به این ادعا، قال قضیه را کند و به بی خبری متکی از صدور قطعنامه و "ارایه خالی بندیهایی پر از اطلاعات نادرست به بزرگان (خامنه ای)" اشاره کرد. وی دوران متکی را "دوران مذاکرات بدون مابه‌ازای جمهوری اسلامی با آمریکا در افغانستان و عراق، سرگردانی چندروزه ایشان در لیبی برای ملاقات با سرهنگ معمر قذافی دیکتاتور این کشور، سفرهای ناموفق به سنگال و دیگر کشورها و نیز التماس برای سفر به کشورهای اروپایی، بی‌توجهی به قرارداد ۱۹۷۵ در مذاکرات با عراق، سفر به بحرین برای عذرخواهی ملتسمانه به مقامات این کشور بر سر یادآوری پیشینه روابط دو کشور و..." توصیف کرد.

با توجه به اینکه خرازی خود در جای دیگری تصریح کرده است که: "وزارت خارجه مجری است. شورای عالی امنیت ملی هم استراتژی را برحسب فرمان و نظر رهبری ابلاغ می کند"، بنابراین کارنامه ای که او از متکی قرائت کرده، در حقیقت دسته گلهایی است که خامنه ای با واسطه به آب داده است. حال خامنه ای روی همان "خالی بندیها" بی که صدایش هم درآمده، مانور می دهد و فیل هسته ای و انقلابهای منطقه ای هوا می کند. لاف زنیهای دیروز او سند تبریه متکی هم هست چون ثابت کرده که ماهی از سر گنده گردد نی ز دم!

به نظر میرسد سیاست یکدست سازی خامنه ای کار دستش داده و او را از هول به تنهایی نوش جان کردن حلیم قدرت به چاهی انداخته که به طور دایم با ضربات دور دیگ غنایم نشستگان دیروز و امروز بر یکدیگر، نشست بیشتری می کند.

سال جهاد اقتصادی

یا فلاکت بیشتر

بقیه از صفحه ۹

امریکایی رهبر و ولی فقیه رژیم است. کنترل سیاست خارجی و سیاست اتمی رژیم در دست خامنه ای است و احمدی نژاد تنها به عنوان پادوی او، زبان درازی می کند و برای جامعه جهانی شکلک در می آورد. اما تاوان این بی خردیها را باید مردمی بپردازند که برای گذران امورات خود نیازمند حداقلها هستند. به دلیل تحریمهایی که از برکت افتادن باد ابر قدرتی در دماغ ولی فقیه وضع شده، دولت قادر به فروش نفت نیست. در چنین وضعیتی دولت سعی می کند تا به صورت ماقبل سرمایه داری در قراردادهای پایا پای، از یک سو نفت بدهد و از سوی دیگر کالا دریافت کند. به دلیل عدم امکان نقل و انتقال پول، کشورهایی همچون چین از این وضعیت بیشترین استفاده را کرده و بجای نفت دریافتی، سیلی از کالاهای بنجل را روانه بازارهای داخلی کرده اند؛ کالاهایی که باعث خانه خرابی بسیاری از تولیدگران داخلی شده و آنان را به خاک سیاه نشانده است.

بر کوه طلا

به زیر مهمیز کشیدن بانک مرکزی توسط احمدی نژاد و منحل کردن شورای پول و اعتبار با برنامه ریزی حساب شده ای انجام گرفت. پس از وضع تحریمهای جدی تر توسط شورای امنیت و شورای اروپا، رژیم ذخایر ارزی کشور را از بانکهای خارجی به داخل منتقل کرد. در ابتدا دولت سعی کرد تا با این حربه، بانکها بزرگ خارجی را تهدید و وادار به باج دهی کند، اما وقتی موفق به این امر نشد، کلیه ذخایر ارزی را پس از تبدیل به ارزهای متفاوت به داخل منتقل کرد. این نقل و انتقال و تبدیل ارزها به یکدیگر تا چه اندازه به کشور زیان وارد کرد، بحث دیگری را می طلبد. اما انتقال کلیه ذخایر ارزی کشور به داخل و تبدیل بخش عظیمی از آن به طلا، سیاستی بود که بانک مرکزی تحت امر دولت احمدی نژاد به آن دست زد. بخش زیادی از پولهایی که ذخایر ارزی کشور و پشتوانه پول و مبادلات تجاری بود، نزد بانکهای خصوصی ای که یک شبه از زمین رویدند سرمایه گذاری شد. پایین آوردن نرخ بهره بانکی به دستور احمدی نژاد، دزدان و چپاولگران را به سوی بانکها سرازیر کرد و آنان نیز از محل این ثروت باد آورده تا می توانستند وامهایی بی

حساب و کتاب دریافت کردند. این پولهای روانه شده به بازار، به اقتصاد کشور ضربه های کاری وارد کرد. در ابتدا حجم نقدینگی را بالا برد و تورم پولی باعث بالا رفتن قیمتها و وجود نقدینگی فراوان و سرگردان در بازار شد. این همان مشکلی است که در اقتصاد به آن بیماری هلندی گفته می شود. پس از مدت زمان اندکی، دولت که نمی تواند از محل فروش نفت به دلیل تحریمهای بین المللی ارز وارد کشور کند، دست به ذخایر ارزی کشور دراز کرد. این عمل یکی از موارد بسیار آشکار اقدامات غیر قانونی دولت در بربراد دادن ثروت ملی است، زیرا این پول جزو سرمایه های پولی و پشتوانه اقتصاد ملی است و دولت هرگز مجاز به دخل و تصرف یا استفاده از آن نیست. توجه داشته باشید که ذخایر ارزی کشور با صندوق ذخیره ارزی متفاوت است که از محل سر ریز فروش نفت، دولت قادر به پس انداز آن است. جبران ناتوانی دولت در فروش نفت و واردات ارز از محل ذخایر ارزی کشور، بانک مرکزی و دولت را بر کوهی از ارزهای باد آورده و طلا نشانند. دخالت دولت در بازار ارز و تلاطم در آن یکی از اعمال ضد ملی دولت احمدی نژاد است. فروش گران ارز برای جبران کسری دولت از محل ذخایر ارزی از یک طرف و تبدیل طلاهایی که به گفته بسیاری چیزی بیش از ۲۰۰ تن تنها در سال ۸۹ وارد کشور شده است، به سکه طلا، بازار دولت دلال مسلک را سکه کرد. دولت سعی دارد با فروش سکه هایی که از محل ذخایر ارزی به داخل کشور روانه شده است، جبران کسر درآمد خود را بنماید. اما این دلال بازیها و تلاطم بازار تنها اقتصاد نیمه جان و ورشکسته را بیمارتر می کند و آن را به سوی مرگ سوق می دهد.

به این دلیل است که دیوان محاسبات، گزارشهای متفاوتی از تخریفات مالی دولت تنظیم و کمیسیون برنامه و بودجه مجلس و مرکز پژوهشهای آن نیز سر و صدای فراوانی کردند، اما گو گوش شنوا! دولتی که پشتوانه ولی فقیه را دارد و خود را امام زمانی می نامد، دست در ثروت ملی مردم کرده و هر آنچه خود می خواهد را انجام می دهد و گوشش نیز به حرف هیچ کسی بدهکار نیست. حال خامنه ای بگوید "من در اقتصاد دخالت نمی کنم"، کسی چنین یوازه ای را باور می کند؟

گرداب حایل

تأثیر طرح ضد ملی هدفمند سازی یارانه ها بر معیشت مردم و ناتوان

تر کردن اقشار فرودست در تامین مایحتاج خود، بحران اجتماعی فزاینده ای را دامن خواهد زد. تأثیر همین عوامل بر تولید داخلی به دلیل عدم حمایت دولت از تولید و واردات بی رویه که اجبار دولت در تهاجر در مقابل نفت صادر شده است، اقتصاد ورشکسته را به سراشیب نابودی رانده است. کارخانه ها یکی پس از دیگری تعطیل می شوند و سیل لشکر بیکاران به خیابانها روانه می گردد. آن تعداد از کارگرانی که در واحدهای تولیدی دولتی و نیمه دولتی مشغول به کار هستند، تحت انقیاد شرکتهای پیمانکاری با همدستی کارفرمایان، قادر به تامین معاش خود و خانواده هایشان نیستند. به همین دلیل هر روز خبر اعتصاب کارگران از چار گوشه کشور به گوش می رسد. تلاش دولت برای محدود کردن انتشار اعتراضات کارگری فقط تا نقطه ای می تواند کارآمد باشد، از مرحله ای به بعد، صدای این اعتراضات آنچنان بلند است که هیچ دیوار سانسوری قادر به پوشاندن آن نیست. به غیر از کارگران، دیگر اقشار مزد بگیر همچون معلمان و کارمندان جزء نیز به همین وضعیت مبتلا هستند. اگر تا کنون دولت توانسته است با توسل به عناصر اطلاعاتی و پشتوانه نیروهای سرکوب، صدای اعتراضهای آنان را خفه کند، اما وقتی کارد فقر به استخوان رسید و اکثریت جامعه از گذران امورات خود ناتوان شد، دیگر هیچ نیروی سرکوبی قادر به کنترل سیل گرسنگانی که به خیابان سرازیر شده، نخواهد بود.

نیروهای جوان و تحصیل کرده ای که به امید زندگی و کار بهتر، تحصیل کرده و با مدارک دانشگاهی همچنان بیکار هستند، چاره ای به جز بلند کردن صدای اعتراض خود ندارند. سیل بیکاران، بخشی جوانان جویای کار و بخشی کارگران و مزدبگیران بیکار شده، همچون انبار باروتی است که در انتظار یک جرقه بسر می برد. دولت امام زمانی بیشتر درگیر دعوای بانددی و زیر آب کردن سر حریف است و مشغولیاتش بیشتر حفظ موقعیت خود است تا پاسخگویی به نیاز مردمی که در غم معیشت روزانه خود هستند. بحران سیاسی داخلی و جنبش اجتماعی ای که هر آن مترصد فرصتی است تا داد رفته بر خود را بستاند، بیشترین انرژی کل رژیم را صرف خود می کند. به این لیست، بحران بین المللی و درگیری رژیم با جامعه بین الملل را هم که اضافه کنیم، به خوبی می توان معنی سال "جهاد اقتصادی" را فهمید. سالی که در بهارش بوی ناخوش بحران "رکود تورمی" شامه تمامی آگاهان را پر کرده است.

جهان در آینه مرور

سازماندهی جنبشهای عصر جدید پس از جنگ سرد (۱۰) آموزشهایی از رویدادهای پس از انقلاب در مصر و تونس لیلا جدیدی

از مصر و تونس آموختیم: ضامن پیروزی نهایی: رهبری انقلابی و متشکل، تداوم جنبش پس از سرنگونی و هوشیاری در خنثی کردن نقش ارتجاع و امپریالیسم

خیزشهای بزرگ و بی نظیر مردم در خاورمیانه و شمال آفریقا که یکی پس از دیگری آغاز شد، دارای نقاط اشتراک و مشخصه هایی است که از دورانی انقلابی نشان دارد.

طی دو سال و نیم پس از بحران مالی جهانی، بانکها و کمپانیهای بزرگ فرا میلیتی برای جبران خسارات، به سمت زحمتکشان خیز برداشتند و آنان را تحت فشار قرار دادند. از همان آغاز، بسیاری از اقتصاد دانان و تحلیلگران معتقد بودند که در اثر تحت فشار اقتصادی قرار گرفتن بیشتر مردم جهان، شاهد خیزشها و اعتراضات بسیاری خواهیم بود. نشریه "نبرد خلق" در همان زمان در سلسله مقالاتی با عنوان "دیدگاه ها و چشم اندازهای سازمانها و شخصیتهای سیاسی پیرامون بحران اقتصادی" به بررسی این امر پرداخت. به عنوان نمونه، در نشریه شماره ۲۸۶ در همین سلسله مقالات به گزارش "دنيس بلر"، مدیر اطلاعات ملی در سنای آمریکا رجوع می کنیم. وی هشدار داد: "زمان برخلاف خواست ما عمل می کند و هر چه بیشتر بهبود اقتصادی طول بکشد، شرایط وخیم تر خواهد شد."

او همچنین افزود، بحران اقتصادی در برخی از کشورها که ذخیره مالی ندارند، باعث شورش می شود و اگر یکی دو سال طول بکشد، باید شاهد تغییر رژیمها و یا از بین رفتن ثبات در این کشورها شد (آمریکای لاتین، کشورهای اتحاد جماهیر شوروی سابق و برخی از کشورهای آفریقایی).

اکنون با بالا رفتن فشار اقتصادی و پولاریزه شده طبقاتی، مقاومتی قابل توجهی نیز شکل گرفته است و جهان شاهد "تغییر رژیمها" و از بین رفتن "ثبات" در خاورمیانه و آفریقای شمالی شده است.

قذافی در لیبی با جنگی خونین علیه مردم بر اقتدار خود پافشاری می کند،

دستیابی به حرمت انسانی، خواسته های دموکراتیک و فرصتهای عادلانه و برابر بین زن و مرد، ملیتها، ادیان و غیره می انجامد؟

مطالعه و بررسی تجربیات مصر و تونس به جنبشهایی مانند جنبش مردم ایران که هنوز در نبردی خونین با دیکتاتورها بسر می برند، این فرصت را می دهد که برخی از پاسخها را پیدا کنیم. در یک جمع بندی کلی و با بررسی ضعفها و نقاط قدرت این دو

جنبش، ضرورت سازماندهی و رهبری انقلابی بیش از همه چشمگیر می شود. یک سازماندهی و رهبری انقلابی می تواند با سه راهکار به طور عملی و فوری پیروزی نهایی را از آن مردم کند. ۱- حمایت از تشکلهای طبقاتی کارورزان و سازمانهای دموکراتیک توده ای و تلاش در پیشبرد اهداف آنان،

۲- ادامه و زنده نگاهداشتن جنبش، پر توان تر از پیش برای مقابله با نیروهای راست و سیاستهای ارتجاعی،

۳- به کارگیری تاکتیکهای هوشمندانه و دیپلماتیک جهت افشای سیاستهای سودجویانه امپریالیسم که با پیرایش و آرایشی تازه حضور پیدا خواهد کرد و مبارزه با آن.

رهبران یمن، سوریه و بحرین در برابر خواستههای دموکراتیک مردم با به کارگیری روشهای خشونت آمیز مقاومت می کنند، در مصر و تونس اما پس از سقوط مبارک و بن علی، انقلاب و پروسه دموکراتیزه شدن در خطر بازگشت به دوران پیشین است. این دو کشور راهی طولانی را برای سرنگونی دیکتاتورهای حاکم پیموده اند، اما هنوز راه دشواری برای بنای دموکراسی در پیش دارند.

اعتراضها در سطح جهانی نیز جریان داشته است که یک نمونه از آن اعتراضات گسترده مردم ویسکانسین در آمریکا شمالی بوده است. صدها هزار نفر در ویسکانسین علیه اسکات والکر، فرماندار ویسکانسین که بر ضد منافع کارگران و کمکهای اجتماعی فعال است، به میدان آمدند. اما تمامی تلاشها برای مقاومت در برابر لایحه های ضد کارگری وی توسط اتحادیه های دست راستی که با اعتصاب عمومی برای وادار کردن والکر به کناره گیری مخالفت کردند، به بیراهه کشیده شد. اتحادیه های رسمی به طور سیستماتیک تلاش کردند تا اپوزیسیون را به دنباله روی از "حزب دمکرات" بکشاند؛ حزبی که گذاشتن بار فشار بر دوش زحمتکشان را به عنوان راه حل برون رفت از بحران اقتصادی پیش گرفته است.

پرسشی مهم در برابر جنبشهای

آزادبخوانانه

با رویدادهای رخ داده در مصر و تونس و چالشهایی که در برابر پیشبرد خواسته های نقش آفرینان این نبرد قرار گفته، پرسشهای اساسی در برابر مردم و نیروهای آزادبخوانه و مبارز کشور ما و دیگر جنبشهای اجتماعی که درگیر قیامهای دموکراسی طلبانه و عدالت خواهانه هستند، این است که چگونه باید انقلاب را ادامه داد؟ آیا تنها باید به پروسه قیام اندیشید یا برای حفظ و ادامه آن دارای استراتژی بود؟ چگونه می توان تضمین کرد و اطمینان خاطر داشت که با سرنگونی یک دیکتاتور، دستیابی به خواستههای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مردم ممکن خواهد بود؟ چگونه با چالشهای پیش رو می توان دست و پنجه نرم کرد؟ آیا جانفشانی و از خود گذشتگی مردم سرانجام به گونه خود به خودی به

دست یابد، چه رسد به تقسیم قدرت و ثروت. در مصر جنبش توده ای توانست دیکتاتورهای مورد حمایت آمریکا را پایین بکشد اما آنهایی که پایه های اساسی قدرت را تشکیل می دادند، بر جا ماندند. در تونس اما تداوم انقلاب پس از انقلاب شرایط مطلوب تری را ایجاد کرده است.

"جوزف کیشور"، دبیر حزب "برابری سوسیالیست" در مقاله ای از انتشارات "کمیته بین المللی انترناسیونال چهارم" در این باره می گوید: "در شرایط فقدان یک رهبری انقلابی سیاسی، بورژوازی در مصر توانسته خود را با گروهبندهای تازه بازسازی کند. طبقه حاکمه با سازمانهای رسمی اپوزیسیون برای وادار کردن کارگران و زحمتکشان به دنباله روی از سیستم موجود همدست شده است."

در مصر، دولت نظامی مورد حمایت دولت اوپاما به جای دموکراسی تلاش می کند تا تظاهرات و اعتصابات را غیر قانونی کند. پاسخ آنها به نیازهای اقتصادی مردم، همچون گذشته سرکوب خشونت آمیز است. از سوی دیگر، رفراندومی که توسط ارتش مصر در ماه مارس برای تغییرات در قانون اساسی این کشور برگزار شد، خلاف خواست نقش آفرینان نبرد این جنبش صورت گرفت.

در این رفراندوم، با استناد به آمار رسمی، ۷۷ درصد رای موافق گزارش شد. این در حالی بود که تنها ۴۱ درصد از واجدین شرایط در آن شرکت کرده بودند. در واقع، فقط نزدیک به هجده و نیم میلیون نفر از ۴۵ میلیون نفر واجد



شرایط در این رفراندوم شرکت کرده بودند. اکثر مردم حاشیه نشین شهر قاهره و اسکندریه به اصلاحات در

قانون اساسی رای منفی دادند. ارتش مصر که همچنان منافع طبقات فرادست و امپریالیستی غرب به ویژه ایالات متحده آمریکا را پاسداری می کند، تنها دو هفته پس از ۲۶ فوریه که دستکاری و یا روغن کاری قانون اساسی را به پایان رسانده بود، اقدام به بقیه در صفحه ۱۲

چگونه به این جمع بندی می رسیم؟ دلایل عینی آن چیست؟

رفراندوم در مصر در شرایط

فقدان رهبری انقلابی و متشکل

مبارزات مردم مصر به علت نبود رهبری انقلابی و متشکل با چالشهای بزرگی پس از سرنگونی مبارک روبرو شده است. جنبشی که از سوی کارگران و جوانان آغاز شده بود، هنوز نتوانسته است به درجه قابل توجهی از دموکراتیزه کردن روابط سیاسی در مصر

جهان در آینه مرور

بقیه از صفحه ۱۱

برگزاری این فراندوم کرد. شورای عالی ارتش اعلام کرده بود که چنانچه فراندوم با رای منفی اکثریت روبرو شود، تا تدوین قانون اساسی جدید، قانون اساسی دیگری را خود ارایه خواهد داد.

سه تشکل سازمان یافته "حزب دمکراتیک ملی" متعلق به حسنی مبارک، "شورای عالی ارتش مصر و "اخوان المسلمین" و همچنین مقامهای قضایی از این فراندوم حمایت کردند. همزمان، تلویزیون دولتی، مردم را پی به دادن رای مثبت تشویق می کرد. احزابی که موافق تغییرات در قانون اساسی بودند، تهدید می کردند که چنانچه رای مثبت داده نشود، انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری به تاخیر می افتد. تمامی این تلاشها در حالی صورت می گرفت که یکی از مهمترین خواسته های تظاهر کنندگان، تغییر بنیادین قانون اساسی این کشور بود.

در قانون اساسی اصلاح شده، تمامی قدرت رییس جمهور حفظ گردیده است، به طوری که بسیاری از تحلیلگران معتقدند این "همان شراب کهنه در خم تازه" است. این اقدامات برای وصله و پینه کردن سیستم طرد شده پیشین صورت می گرفت.

فقدان یک سازمان یا ائتلاف انقلابی برای بسیج مردم در این انتخابات، موازنه را به سود نیروهای ارتجاعی سنگین کرد. خیرگزاری رویتدر در گزارش خود از جریان تظاهرات متذکر شده است که نیروهای "اخوان المسلمین" پس از آن که از سوی سخنگوی آنان بر لزوم دادن رای مثبت تاکید شد، به سوی صندوقها هجوم آوردند و مشتاقانه رای مثبت خود را به صندوق انداختند. "عصام الدین محمد حسین العریان"، سخنگوی "اخوان المسلمین" در این باره گفت که گروه وی شتاب در برگزاری فراندوم و جانبداری از ارتش را بدین دلیل ضروری می داند که کشورهای همسایه در بحران هستند و هر چه زود تر باید دولت را تشکیل داد، زیرا مصر در مرزها مورد تهدید قرار دارد. وی با اعلام نتیجه فراندوم گفت: "این یک پیروزی برای مردم مصر است."

"ناصر امین"، رییس "مرکز عدالت مستقل" در قاهره به "دوبچه وله" در باره نقش "اخوان المسلمین" گفت: "متدهای سابق دوباره تا حدی به کار برده شده است."

وی افزود: "عجله و فرصت ندادن به گفتگوهای عمومی در باره قانون اساسی و عدم تدوین قانون اساسی جدید و استفاده از گروههای مذهبی مانند "اخوان المسلمین" همه و همه

برای سر هم بندی قانون اساسی بوده است."

"دیتالکن"، نویسنده گروه مارکسیست "ابتکار" (اینیشیو) در مقاله ای که در آن به طور مشروح نقش کارگران را توضیح داده است، در این باره می گوید: "کارگران اعتصابی فقط رسانه ی محلی و ستون فقرات انقلاب مصر نبودند، آنها همچنین شرایط انقلاب را مهیا کردند."

وی می افزاید: "جوانان و بیشتر از آنان، کارگران خواهان اقدامات عملی و تغییرات واقعی بوده و هستند. چرا که دیکتاتوری مبارک برای آنها فقط به خودکامگی دولتی پلیسی خلاصه نمی شد و مشکل اصلی عبارت بود از دستمزدهای ناچیز، خط فقر مطلق، مزدوران خودفروش رژیم، نگاههای مالی کلاه بردار، مفسدان اقتصادی که اداره ی امور عمده کشور را در دست داشتند و همچنین ارتش که کنترل تقریباً ۳۰ درصد اقتصاد مصر را در دست دارد."

جهان در آینه مرور

یک از اعضای "اخوان المسلمین" آن روی کاغذ می آورد. همه در فرمولبندی جملات با یکدیگر همکاری می کردند. لحظه هيجان انگیزی بود زیرا زمانی رسیده بود که این جوانان می توانستند خواسته های خود را مطرح کنند. در آن لحظات این که انقلابی تاریخی به وقوع می پیوست، کاملاً احساس می شد. در آنجا با وجود تفاوت مذهبی که این جوانان با هم داشتند، هیچگونه درگیری و اختلافی بین آنها وجود نداشت. این جنبه هيجان انگیز و زیبای این انقلاب بود که می شد شاهد آن بود که جوانان جامعه مصر با هر نوع پیشینه و تفکر گرد هم آمده اند و می خواهند با هم سرنوشت خود را بسازند.

در طول ۳۰ سال حکومت، مبارک تمام تلاش خود را کرد که این اتفاق هرگز رخ ندهد. او سعی می کرد مردم را از هم جدا کند، با روشی برنامه ریزی شده اجازه نمی داد مردم با هم متحد باشند و می شد به روشنی دید که جوانانی که در میدان تحریر گرد آمده بودند، از شکستن این سد تا چه اندازه شادمان بودند."

البرادعی نیز نزدیک به یکسال تلاش کرد که اپوزیسیون را زیر چتر خود، "جمعیت ملی برای تغییر" متحد کند اما او هم مورد انتقاد زیادی قرار گرفت. وی که خود گفته بود قصد ندارد نقش ناجی بازی کند و مصریها باید خودشان انقلاب کنند، به همراه "عمر موسی"، دبیرکل لیگ اعراب با وجود اعلام مخالفت با فراندوم، بدان رای مثبت دادند. آنها با عدم تغییر میزان قدرت رییس جمهور در قانون اساسی مخالفتی نداشتند و هر دو بر این نظر بودند که نباید انتخابات ریاست جمهوری با تاخیر روبرو گردد.

البرادعی و حامیانش در هنگام رای دادن با پرتاب سنگ، بطری و قوطی از سوی جوانان پذیرایی شدند. جمعیت جوان فریاد می زد: "ما ترا نمی خواهیم، ما ترا نمی خواهیم!" ناگفته نماند که دولت آمریکا نیز از فراندوم حمایت کرده و "جان کری"، رییس روابط خارجی سنای آمریکا به مصر رفته و با شورای عالی نیروهای ارتش، "عصام شرف" (نخست وزیر) و عمر موسی دیدار و گفتگو کرد. بنا به گزارش خبرگزاریها، اعتراضهای گسترده ای نسبت به این فراندوم به ویژه از سوی جوانان صورت گرفت.

قانون منع تظاهرات و اعتصابات

و ادامه اعتراضها

در یک نمونه دیگر، سخن از تصویب قانونی به میان آمد که بنام به گزارش "الاهرام آن لاین" اعتصاب، تظاهرات و اعتراضها به این بهانه که اقتصاد را کند می کند، جرم به حساب آورده خواهد شد. این حکم، مجازاتهای

بقیه در صفحه ۱۳

از سوی دیگر، "چارلز سنوت"، سردبیر و یکی از بنیانگذاران "گلوبال پست" که پیش از این خبرنگار خارجی روزنامه "بوستن گلوب" بوده است و قصد ساختن فیلم مستندی از انقلاب مصر را دارد، در باره نقش جوانان "اخوان المسلمین" می نویسد: "در مرحله نخست، جوانان پیرو "اخوان المسلمین" نقشی فعال نداشتند اما آنها با بالا گرفتن آتش اعتراضات بتدریج به صحنه آمده و سازماندهی بسیاری به این جنبش آوردند. آنها کلینیکهای اورژانس برای درمان زخمیها تهیه کردند و ضمن رساندن کمکهای گوناگون به تظاهرکنندگان، فعال شدند."

وی می گوید: جوانان "اخوان المسلمین" وقتی دیدند انسانهایی هم سن و سال خودشان، حدود ۲۰ ساله، حرف مهمی برای گفتن دارند، آنها هم بخشی از جنبش جوانان شدند اما این همکاری بیشتر به خاطر تمایل خود آنها بود و "اخوان المسلمین" در واقع

«با رویدادهای رخ داده در مصر و تونس و چالشهایی که در برابر پیشبرد خواسته های نقش آفرینان این نبرد قرار گفته، پرسشهای اساسی در برابر مردم و نیروهای آزادیخواه و مبارز کشور ما و دیگر جنبشهای اجتماعی که درگیر قیامهای دمکراسی طلبانه و عدالت خواهانه هستند، این است که چگونه باید انقلاب را ادامه داد؟»

حاضر به عمل مشترک نبود.

"اخوان المسلمین" دارای ۶۰۰ هزار عضو است و دولت مبارک آنها را رسماً غیرقانونی شناخته بود. با این که آنها از سال ۱۹۵۴ فعالیت می کردند، به تازگی اعلام کردند که خواهان تشکیل یک حزب سیاسی هستند. "سنوت" می گوید اما "اخوان المسلمین" بیشتر جنبشی اجتماعی است تا سیاسی.

با این حال و با این که "اخوان المسلمین" نقش اندکی در این جنبش داشت، به دلیل سازمان یافتگی خود توانست تاثیر چشمگیری در فراندوم بگذارد. در عوض، جنبش وسیع جوانان که در پیوند با جنبش کارگری توانست انقلاب پیروزمندی را به سرانجام برساند، نتوانست در انتخابات تاثیر گذار باشد.

در باره نقش جوانان "اخوان المسلمین"، "سنوت" توضیح می دهد: "چند ساعتی پس از این که مبارک تسلیم شد، اعضا شورای انقلابی جوانان که شامل عده ای از جوانان "اخوان المسلمین" نیز می شدند، شروع به نوشتن آنچه که "سند تولد مصر آزاد" می خوانند، کردند.

حاضرین در این لحظه شامل "جنبش جوانان ۶ آوریل"، احزاب اپوزیسیون سکولار، جوانانی از "اخوان المسلمین" و یک حزب مسیحی می شدند. آنها با چراغ قوه روی تکه ای از یک کارتون که پاره کرده بودند، در یکی از چادرها سند خود را می نوشتند. دیگران اهداف دولت جدید را بر می شماردند و

واضح است که نقش آفرینان اصلی نبرد مصر توانسته اند نیرویی کافی به پای صندوق رای بفرستند. از پر کار ترین و فعالترین نیروهای جنبش مصر، جوانان این کشور بودند. نزدیک به دو سوم جمعیت مصر زیر سن ۳۰ سال هستند و از هر ۴ جوان، یک نفر بیکار است. دانشگاهها و کالجهای مصر، بزرگ و رو به رشد هستند. "پاتریک سنت جان" در یک وبلاگ به نام "برای توانمندی دانشجویان" می گوید: "با اکثریت جمعیت که جوانان هستند و نماینده کل کشور به حساب می آیند، مرز بین دانشجو و انقلابی را نمی توان مشخص کرد."

در جریان قیام، روزنامه "نیویورک تایمز" در این باره نوشت: "وزن اصلی این انقلاب به دوش جوانان بوده است و پیشگامان قدیمی جنبشهای دمکراسی خواهی اکثر پشت سر آنها قرار گرفته اند. هم تازه واردهای جوان و هم کارکنان قدیمی اپوزیسیون بر این عقیده هستند که جوانان با یاری اینترنت، پیشگامان پشت پرده هستند." "ابراهیم عیسی"، یک روشنفکر سرشناس اپوزیسیون که در برخی از میتینگها شرکت کرده بود می گوید: "جوانان این انقلاب را رهبری می کنند و چهره های قدیمی مانند "البرادعی"، رهبری نسل جوان را پذیرفته اند. "البرادعی" این را پذیرفته است که به عنوان یک سمبل حضور داشته باشد و نه یک رهبر."

جهان در آینه مرور

بقیه از صفحه ۱۲

سختی برای کسانی در نظر می‌گیرد که مردم را به تظاهرات تحریک کنند. حداکثر مجازات، یکسال زندان و نیم میلیون پوند است. حکم غیر قانونی کردن تظاهرات و اعتصابات بهترین نمونه از کاراکتر رژیم است که به دست ارتش حکومت سابق کنترل می‌شود.

مردم مصر اما در برابر ادامه روند سرکوب از حکومتی به حکومت دیگر ساکت ننشستند. روزنامه "واشنگتن پست" در گزارشی به نوشته "مایکل بیرام" با عنوان "تظاهرکنندگان می‌گویند جنبش در مصر به پایان نرسیده" می‌نویسد: هزاران نفر در میدان تحریر علیه قانونی پیشنهادی که تظاهرات را غیر قانونی خواهد کرد، گرد هم آمدند. بسیاری از تظاهرکنندگان بدین امر که حزب وابسته به مبارک و "اخوان المسلمین"، دو نیروی اصلی در کشور خواهند بود، معترض هستند.

نکته قابل توجه در گزارش مذکور این است که می‌گوید: "هزاران نفر معترض امروزی همانهایی هستند که آغازگر این جنبش بوده‌اند."

در این نوشته آمده است: "بسیاری از جوانان سکولار که آغازگر این جنبش بودند، به گونه ناکامی علیه تغییرات جزئی در قانون اساسی دست به فعالیت زدند و به دلیل عدم سازمان‌یافتگی مشخص شکست خوردند. اما آنها هنوز با انرژی زیاد بر خواسته‌های خود پافشاری می‌کنند. آنها معتقدند که به هرحال از فرصت پیش آمده می‌توانند برای اعتراض استفاده کنند. یکی از تظاهرکنندگان می‌گفت: "۳۰ سال مردم نظرات و خواسته‌های خود را در گلو خفه کردند. اکنون زمان آن رسیده که فریاد بزنند."

"علی رضا کمال عابد"، یکی از مدیران بلندپایه در وزارت آموزش و پرورش می‌گوید: "هیچیک از خواسته‌های ما به دست نیامده."

در گزارش "واشنگتن پست" به تجمع نزدیک به ۳۰۰ نفر برای حمایت از دولت اشاره شده است و گفته می‌شود، این عده از جمله کسانی بودند که در تظاهرات پیش از سرتنگی مبارک به جوانان حمله ور می‌شدند. همچنین مسیحیان که بنا به تخمین، ۸ میلیون نفر از جمعیت مصر را تشکیل می‌دهند، از جمله کسانی هستند که به فراندوم رای "نه" دادند. آنها بیشتر مورد تهاجمات خونین و مرگباری از سوی افراتیون مسلمان که با نیروهای دولتی همدست بودند، قرار گرفته بودند.

نبود رهبری انقلابی با دیدگاههای روشن و برنامه انقلابی به بورژوازی مصر که از پشتیبانی امپریالیسم آمریکا نیز برخوردار است، امکان داد تا این موقعیت را به فرصت تبدیل کند. بورژوازی مصر، جنبشی که از لایه‌های گوناگون اجتماعی شکل گرفت را مورد سوو استفاده قرار داد و با لایه‌های فرادست که هیچ نفعی در جلو تر رفتن انقلاب از حذف مبارک ندارند، قدرت را به دست گرفت.

اما اعتراضها همچنان ادامه دارد و تداوم آن امری حیاتی برای انقلاب مصر خواهد بود. در آخرین عقب نشینی، مقامهای نظامی حاکم بر مصر می‌گویند شماری از پایوران وابسته به حکومت پیشین این کشور را عزل خواهند کرد. این تصمیم پس از حمله خونین نیروهای ارتش به معترضان در میدان "تحریر" قاهره اعلام شد. معترضان می‌گویند با تجمع در این میدان، خواهان محاکمه حسنی مبارک، رئیس جمهوری پیشین، اعضای خانواده و نزدیکانش به اتهام فساد و نقض حقوق بشر هستند.

تونس و تداوم انقلاب

در تونس، جنبش به رهبری کارگران، دانشجویان و بیکاران آغاز شد در جریان تنها چهار هفته، مردم تونس به آنچه غیر ممکن به نظر می‌رسید، دست یافتند و دیکتاتوری "بن علی" که پشتیبانی فرانسه و آمریکا را نیز داشت، سرنگون شد. این پیروزی به مردم آفریقای شمالی و خاورمیانه اعتماد به نفس داده و الهام بخش آنان گشت. اهمیت اقتصادی و جغرافیایی مصر و لیبی برای آمریکا و اروپا باعث شد که جنبش در این دو کشور در صدر خبرها قرار گیرد و کمتر به تونس پرداخته شود.

با این حال، تونس درس مهمی برای جنبشهای دیگر دارد. در پروسه این انقلاب، گفتگو و بحث پیرامون نگرانیها و مطالبات مردم بی وقفه در جریان بود. تونس به ما می‌آموزد که چگونه صدها هزار نفر و حتی میلیونها نفر تلاش می‌کنند، جامعه‌ای را از پایین به بالا بسازند. جنبش تونس خواستار رفورمهای دموکراتیک سیاسی، پایان بخشیدن به قوانین الیگارشسی، کاهش بهای سرسام آور مواد غذایی و افزایش مزد و رفع مشکل بیکاری است. این خواستها، همانهایی است که آتش این جنبش را فراگیر کرد.

اگر چه دولت موقت تونس از اجرای رفورمهای چشمگیر خودداری کرده است، با این حال به این دلیل که به گونه دایمی و تقریباً روزانه در برابر اعتراضهای مردم و اعتصابات کارگران قرار گرفته است، آزادیهای نسبی وجود

داشته و فعالیتهای سازمان یافته کارگران و بیکاران از محدوده عملکرد آن فراتر رفته است. در این کشور، محروم ترین طبقات، کنترل اوضاع را به دست خود گرفته‌اند. آنها نشان دادند که امکان این که کارگران و زحمتکشان بتوانند تاثیر بنیادین بر سیاست و اقتصاد بگذارند، وجود دارد. قابل توجه آن است که گروههای اپوزیسیون پس از این که سالها غیر قانونی بودند، در پرتو آزادیهای به دست آمده توانسته‌اند دیدگاهها و چشم اندازهای رادیکال و سوسیالیستی را به گوش مردم برسانند.

یک گزارشگر روزنامه "نیویورک تایمز" می‌نویسد: "خیابان" حیب بورقیه"، به نام اولین رئیس جمهور این کشور، اکنون مرکز تجمعات شده است. تونسها در هر سن و سالی که هستند به مدل فوروم رومیهای قدیم در روزهای آخر هفته انجا جمع می‌شوند و مشتاقانه در باره آینده تونس به بحث و گفتگو می‌پردازند. مردم معتقدند که

تنها راه تغییرات اساسی و مهم، حذف همه کسانی که با دولت پیشین کار می‌کرده‌اند و همچنین حزب حاکم پیشین است. در ماههای اخیر، معترضان خواستار برکناری سیاستمداران، مدیران اقتصادی و افسران پلیس بوده و یکی از شعارهای مردم "دیکتاتور رفته ولی دیکتاتوری هنوز برجاست" می‌باشد. روز ۷ مارس تلاشهای مردم به نتیجه مطلوب رسید و نخست وزیر دولت

موقت اعلام کرد که دولت موقت جدیدی تشکیل می‌شود که هیچیک از مقامهای گذشته در آن شرکت نخواهند داشت. او همچنین نهاد پلیس اطلاعاتی را غیرقانونی کرد. همزمان، انتخابات و تدوین قانون اساسی جدید نیز در راه است. با این حال، دگرگونیهای سیاسی نمی‌تواند به آسانی به عمق نابرابری برسد. از همین رو است که زحمتکشان جامعه خود دست به اقداماتی در این مسیر زده‌اند. کارگران، مدیران را اخراج می‌کنند، برای اشتغال و افزایش حقوق خود اعتصاب می‌کنند و آزادی بیان در

میدان شهر، همه امکانات تغییرات انقلابی را در دسترس گذاشته است. این که با رادیکالیزه شدن کارگران بتوان تشکیل دولتی "فدراسیون ملی اتحادیه‌های کارگری" را از سر راه برداشت و "جبهه ۱۴ فوریه" که نماینده خواسته‌های مردم است را جایگزین کرد، هنوز نا معلوم است. با آزادی فعالان از زندانها این جنبش نیاز به تنفسی تازه دارد. سازمانهای تازه ای باید به وجود بیاید تا آن را هدایت کند. مبارزه در تونس ادامه دارد و احتمال آن که ماهها طول بکشد، وجود دارد. در حال حاضر دست پیش را تظاهرکنندگان و زنان و مردان، جوانان و کهن سالان معترض دارند که با شعار "تو ثروت این کشور را دزدیدی، ولی انقلاب ما را نمی‌توانی بزدی" جنبش را تداوم می‌بخشند.

"صوفیه چرابی"، یکی از فعالان جنبش تونس که در ماه آوریل امسال در کنفرانسهایی متعددی برای تشریح



موقعیت تونس صحبت می‌کند و به زودی در واشنگتن به دعوت "فریدوم هاس" حضور خواهد داشت، در باره اقدامات فوری در دستور کار می‌گوید: "تونس در طول سه ماه گذشته و پس از برکناری بن علی، راه دشواری را برای بنای یک دولت دموکراتیک پیموده است. در مدت زمان کوتاهی پس از انقلاب، سه کمیسیون برای موضوعاتی از قبیل رفورمهای سیاسی، فساد و همچنین سرکوبهای دوران خیزشها تشکیل شده است. اعلام روز ۲۴ ژوئیه برای انتخابات مجلس قانونگذاری و اعلام تدوین قانون جدید انتخابات با مشارکت کوشندگان و نمایندگان جامعه مدنی از سوی دولت موقت، گامهای مهمی در انتقال دولت می‌باشد. این پرسش که چگونه می‌توان از گذشته رها شد و تونسی دموکراتیک را بنا کرد، هنوز روی میز است. چالشهایی که در برابر انتخابات در راه وجود دارد و نقش جوانان که در جنبش و پیروزی آن بسیار حساس و سرنوشت ساز بود، هنوز قابل بحث و گفتگو است.

غلبه بر بحران سیاسی برای مالکی با تبعیت از نظام ولایت فقیه ممکن نیست

آناهیتا اردوان

است. با این که مناطق اطراف میدان تحریر بغداد شاهد اقدامات شدید امنیتی بوده است، اما این مساله نتوانسته مانع پیوستن مردم به تظاهرات علیه نوری مالکی و دخالت‌های رژیم در مسایل عراق گردد. تلویزیون سی ان ان در گزارشی مورخ ۱۱ فروردین در باره زندانهای مخوف و مخفی در عراق پخش کرد. در گزارش مزبور گفته می شود که این زندانها و بازداشتگاهها از سوی نیروهای امنیتی مرتبط با دفتر نوری مالکی، نخست وزیر عراق کنترل می شود. سی ان ان اضافه می کند که در این زندانها مناطق ممنوعه ای هستند که خارج از نظارت وزارت دادگستری هستند و به طور مستقیم به دفتر نظامی نخست وزیری وصل می شوند. اعمال وحشیانه ای که در این زندانها با دستگیر شدگان انجام می گردد، مکرراً تکرار می شود و کسی پاسخگوی این جنایات نیست. در پایان گزارش آمده است که تا کنون نوری مالکی با ایده تشکیل یک کمیسیون مستقل تحقیقات برای بررسی این زندانها و کمیها مخالفت کرده است. تلویزیون الرافدین از پیوستن هیاتهایی از شیوخ عشایر از فلوجه، رمادی، صلاح الدین، نجف، ضلوعیه، حویجه، و دهوک به متحصنان میدان احرار در موصل گزارش داد. این شیوخ با خواستههای متحصنان از جمله برکناری دولت نوری مالکی و آزادی همه زندانیان سیاسی اعلام همبستگی کردند. افزوده بر این، جوانان از بغداد هم به تجمع مردم در میدان احرار در موصل پیوسته اند. در همین راستا تلویزیون مزبور اضافه می کند که فروشندگان لاستیک و باتری و آلومینیوم در شهر موصل، فروشگاههای خود را تعطیل کرده و به متحصنان در میدان آزادگان پیوسته اند. آنها با خواسته های متحصنان اعلام همبستگی نموده و تاکید کردند تا برکناری دولت ناقص و غیرقانونی مالکی در کنار مردم خواهند بود. به گزارش همین تلویزیون، کارمندان شرکت تجاری خودرو بغداد نیز با برپایی تظاهراتی خواستار حساسی از مقامهای فاسد دولت نوری مالکی شدند. تلویزیون البغداده از نهمین روز اعتراض مردم استان موصل خبر داد که خواستار محاکمه نوری مالکی در دادگاههای عراقی و دادگاههای بین المللی شدند. آنان نوری مالکی را متهم اصلی ناپدید شدن بعضی مخالفان و دستگیری بسیاری دیگر معرفی کرده اند.

بقیه در صفحه ۱۵

زندانی می باشند که بدون حکم دادگاه دستگیر شده اند. العراقیه مجددا اعلام کرد که نوری مالکی علیه توافقهایی که صورت گرفته بود، کودتا کرده است. هانی عاشور، مشاور العراقیه از فراکسیونهای سیاسی خواست که موضع مناسب در برابر این مساله اتخاذ کنند. اسامه انجیفی، رییس پارلمان عراق تصریح کرد که در صورت ادامه ناکامی دولت نوری مالکی در تامین خدمات و حل و فصل مسایل امنیتی، انتخابات زودرس مطرح می شود. در جریان سفر اخیر رابرت گیتس به عراق، وی تمهید اقامت نیروهای آمریکایی در عراق را منتفی ندانست. نامبرده بیان داشت که این به نفع عراقها است که خواستار تداوم استقرار نیروهای آمریکایی در عراق شوند. در همین رابطه سناتور جمهوریخواه، لیدنزی گراهام از اعضای ارشد سنای آمریکا نیز از دولت اوباما خواست تا با دولت نوری مالکی برای ادامه حضور ۱۰ تا ۱۵ هزار نفر از نیروهای آمریکایی بعد از سال ۲۰۱۱ گفتگو کند. وی علت این اقدام را تضمین عدم دخالت رژیم ایران در امور عراق و عدم تجاوز به حاکمیت آن عنوان کرد. افزوده بر اینها، جیمز جفری، سفیر آمریکا به خبرگزاری فرانسه از دو برابر شدن پرسنل سفارت آمریکا در عراق به عنوان بزرگترین سفارت این کشور در جهان تا سال ۲۰۱۲ خبر داد.

برکناری نوری مالکی از قدرت و پایان دادن به دخالت‌های رژیم در عراق نقطه ثقل اعتراضات مردم عراق

ماه گذشته مردم استان الانبار با برپایی تظاهراتی خواستار تشکیل دولت با "افراد باکفایت" و "نه دولت متقلبان و سارقان" شدند. بر اساس گزارش تلویزیون البغداده اعضای شوراهای

«بی تردید نوری مالکی به طور مادام العمر قادر نیست با تبعیت بی چون و چرا از نظام ولایت فقیه، سرکوب یا کشتار جمعی بر بحرانهای ساختاری اقتصادی سیاسی که بیش از هر چیز از بی کفایتی او سرچشمه می گیرد و نیز از بحران انقلابی که دولتهای خودکامه منطقه را به کام می کشد، جان سالم به در برد.»

محلی استان بابل عراق در مقابل ساختمان شورای این استان تجمع کرده و خواستار حقوق بازنشستگی خود شدند. آنها اعلام کردند که تا دستیابی به حقوق شان، تظاهرات خود را ادامه خواهند داد. تلویزیون السومریه از تظاهرات کارکنان کارخانه سیمان کرکوک جهت افزایش حقوق و امتیازات کاری خود خبر داد. صدها تن از مردم استان میسان با برپایی تظاهراتی خواستار برکناری مدیر اداره آب استان و ارجاع پرونده تمامی مقامهای فاسد به دستگاه قضایی شدند. تلویزیون بغداد از تحصن مردم بغداد جهت طرد جمهوری اسلامی و پایان دادن به دخالت‌های آن در مسایل عراق خبر داد. شعار اصلی آنان "ایران بیرون، بیرون، بغداد آزاد، آزاد" گزارش شده

در حالیکه نوری المالکی با زیر پا گذاشتن توافقات نشست اربیل با "ائتلاف العراقیه" از جمله تشکیل "شورای ملی استراتژیک" و عدم تعیین تکلیف وزارتخانه های امنیتی، یک سیستم دیکتاتوری و استبدادی را به مردم و رقیبان خود تحمیل می کند، قیام مردم عراق که خواهان برکناری وی از قدرت و پایان دخالت‌های رژیم ایران هستند، هنوز ادامه دارد. ژرفش تضادها بین ائتلاف العراقیه و نوری مالکی و تضاد بین اعضای حزب الدعوه بر سر حرکت‌های خودسرانه نوری مالکی از یکسو و فشار کارگران، دانشجویان، زنان، شیوخ و دیگر گردانهای اجتماعی از سوی دیگر، بر بی لیاقتی و فریبکاری نوری المالکی و وضعیت بحرانی موقعیت سیاسی او صحنه می گذارد. او که تلاش می کند با سرکوب اعتراضها، تهدید، دستگیری و شکنجه مخالفانش بر اعتراضها غلبه کند، بیش از پیش در باتلاق بحران فرو می رود.

تشدید انزجار از سیاستهای نوری مالکی در دولت و احتمال ادامه حضور نظامی نیروهای آمریکایی در عراق

تشدید انزجار از سیاستهای نوری مالکی در دولت و احتمال ادامه حضور نظامی نیروهای آمریکایی در عراق

"سرممد عبدالکریم"، مدیر "اژانس خبرگزاری عراق" از دانمارک در مصاحبه ای با تلویزیون الرافدین ابراز می دارد که برای نوری مالکی دروغگویی عادی است و این دروغگویی را در حق نزدیکترین متحدانش نیز به اجرا در آورده است. وی ادامه می دهد که پایان مالکی نزدیک است و به دادگاه کشانده خواهد شد و مجبور است به اتهاماتی که به او نسبت داده شده، پاسخ دهد.

یکی از نمایندگان پارلمان عراق از فرستاده شدن نماینده نوری مالکی برای دیدار با بشار اسد ابراز شگفتی کرد و ابراز داشت: "در حالی که در سوریه مردم به خیابانها ریخته و روزانه دهها تن کشته می شوند، این حکومت را تأیید می کنیم." محمد الحفید این بازدیدها را محکوم کرد. حامد المطلک از رهبران "العراقیه" به دولت نوری مالکی هشدار داد که عدم توقف تخلفات، عراق را بر لبه پرتگاه خطرناکی کشانده است. وی افشا ساخت که زنان زیادی در زندان در معرض شکنجه ترین تعرضها و بی حرمتی قرار دارند. گذشته از این، کودکانی پایین تر از سن قانونی در

همانطور که در مطلب پیشین، در نبرد خلق شماره ۳۰۹، اشاره شد، کارشکنیهای نوری مالکی به نفع رژیم ولایت فقیه و ناتوانی آمریکا در برابر شکست پروژه دولتی ائتلافی در راستای دموکراسی که وعده آن را در حمله سال ۲۰۰۳ و برپایی دود و آتش به ملت عراق داده بود، نشان می دهد که صورت اول این معادله بهترین بهانه را برای ادامه اشغال عراق به آمریکا می دهد. به این معنا که تا زمانی که گروههای وابسته به ارتجاع در هرم ساختار سیاسی عراق به یکه تازی مشغولند و فرمانبردار بی چون و چرای ولایت فقیه در تهران هستند و نیز تا هنگامی که دولت نوری مالکی و احمدی نژاد هر دو علیه رقبای خود

مدال افتخار "اصلاح طلبان" در زمینه حقوق بشر

منصور امان

غلبه بر بحران
سیاسی برای مالکی

.....

حال گسترش است. بدین ترتیب، سرکوب مردم همراه با سرکوب اپوزیسیون متشکل و سازمان یافته از سوی دولت جنایتکار به عنوان تنها راه فرار از بحران انقلابی، نهایت ضعف و زبونی آنان را به اثبات می رساند. امپریالیسم امریکا نیز در این میان همچنان به نقش تاریخی خود در مقدم شمردن منافع کلان سرمایه داری جهانی بر جان آدمی، جامه عمل پوشاند و نشان داد که به پرنسپهایی که مدعی آنهاست، کوچکترین باوری ندارد.

اعتراض و محکوم کردن جدی و بدون تبصره و بهانه ی جنایات روا داشته شده بر ساکنان اشرف، خط قرمز برای همه آنان نیست که در یک کلام از منافع انسانهای محروم و ارزشهای انسانی دفاع می کنند. از آنجا که اتوریته کامل بر عراق برای جمهوری اسلامی جهت برپایی خاورمیانه اسلامی نقشی بسیار مهم بازی می کند، عنصر مقاومت در مقابل این کشتار و سرکوب قیام مردم عراق به معنای تلاش بی وقفه جهت به بن بست کشاندن منافع ارتجاع در منطقه است. خط بطلان کشیدن بر مقاومت و تسلیم ناپذیری در برابر هجوم وحشیانه و غیر انسانی نیروهای تحت امر خامنه ای در عراق به معنای باز گذاردن دست ارتجاع در منطقه جهت دستبرد بیشتر به حقوق ملت ایران، عراق و منطقه می باشد.

تا زمانی که ولایت فقیه در عراق به یکه تازیهای خود و قتل و غارت ادامه می دهد، عرصه برای مبارزه مردم عراق با اشغالگری امپریالیسم نیز تنگ تر می گردد. رهایی یافتن از کابوسی که ملت عراق و ایران گرفتار آنند، با مقاومت و مبارزه در برابر سیاستهای ولایت فقیه در هر گوشه و کنار جهان پیوند دارد. این مساله به گونه ای می باشد که هر گونه کوتاهی از آن، ضربه ای بر پیکره مبارزه زحمتکشان منطقه جهت رسیدن به حقوق حقه خود محسوب می شود. برآیند باز گذاردن دست ولایت فقیه در عراق چیزی جز خفنه کردن تسلیم به جنبش اجتماعی مردم ایران نیست که دفاع از ساکنان شهر اشرف آنتی تنز آن را ارایه می دهد.

اکنون مبارزه برای حقوق انسانها، دفاع از قیام مردم عراق علیه دولتی خودکامه و مبارزه با محور استراتژیک ولایت فقیه، با مساله کوتاه کردن دست رژیم از شهر اشرف گره خورده است. این مهم، مشارکت همه نیروهای انقلابی صادق را طلب می کند.

بی تردید نوری مالکی به طور مدام العمر قادر نیست با تبعیت بی چون و چرا از نظام ولایت فقیه، سرکوب یا کشتار جمعی بر بحرانهای ساختاری اقتصادی سیاسی که بیش از هر چیز از بی کفایتی او سرچشمه می گیرد و نیز از بحران انقلابی که دولتهای خودکامه منطقه را به کام می کشد، جان سالم به در برد.

بقیه از صفحه ۱۴ یک شهروند عراقی در مصاحبه ای با تلویزیون الرافدین از شکنجه معترضان دستگیر شده در زندانها توسط اعضای سپاه پاسداران و مأموران اعزامی رژیم تهران پرده برداشت. او که ابوعدی نام داشت، در مصاحبه با عنوان این که خود زندانی بوده است، ابراز داشت: همه بازجویها توسط افسران ایرانی انجام می شود. در جلو ایشان ما به یکی تجاوز کردند زیرا که می خواستند او به جرمی اعتراف کند که نکرده بود. گزارش کوتاه بالا نشان می دهد که برای نوری مالکی هم مانند ولی امرش در تهران، سرکوب راه به تسلط نبرده است و هر اندازه بر طبل سرکوب و شکنجه می کوبد، شعله های آتش قیام مردم عراق را بیش از پیش شعله ور می سازد.

حمله و کشتار بی رحمانه

مجاهدین خلق در اشرف

حمله به شهر اشرف در سحرگاه ۱۹ فروردین توسط نیروهای مزدور مجهز به گردانهای زرهی، تاور، پیاده، مهندسی و گردانهای واکنش سریع و ضد شورش منجر به جان باختن ۳۴ تن و مجروح شدن تعداد زیادی دیگر شد که در ادامه دو تن از مجروحان نیز بر اثر شدت جراحات وارده و فقدان دسترسی به امکانات پزشکی مریم جان سپردند. این حمله که با تئانی نوری مالکی با رژیم ایران برای حذف فیزیکی اپوزیسیون در عراق صورت گرفت، بار دیگر نشان می دهد که رژیم ولایت فقیه با استفاده از چنین ابزارهایی در پی تخفیف ترس خود از تمرکز نیرویی یکپارچه، رزم آزموده و منسجم در جوار میهن است. وقوع این حمله متعاقب حضور رابرت گیتس در عراق، روسیاهی دیگری برای اوبامای مفتخر به جایزه صلح نوبل و بیانگر زیر پا گذاشتن همه کنوانسیونهای حقوق بشری و قراردادهای و تضمینهایی است که آمریکا در قبال تحویل سلاح از ساکنان اشرف متعهد به شناسایی و اجرای آنها شده است.

فرمان کشتار خامنه ای، ولی امر نوری مالکی در حالی صادر می گردد که تضاد و کشمکش در ساختار منفور سیاسی جمهوری اسلامی و نیز رژیم حاکم بر عراق شدتی فزاینده گرفته است. فشار از سوی مردم عراق و ایران نیز برای براندازی هر دو رژیم استبدادی، در

فرمایشی) در سالهای گذشته، مُثمل گذراندن محکومیت خود هستند. شمار بیشتری از افراد در پی تظاهرات دانشجویی در سال ۲۰۰۳ (۱۳۸۲) به طور بیرحمانه ای بازداشت شدند. حداقل یک دوجین از زندانیان سیاسی در خلال سال بدون ارتکاب جرمی بازداشت و محکوم شده اند. این در حالی بود که آنها از یک دادگاه عادلانه برخوردار نبودند تا جاییکه حتی از ورود خانواده و وکلای مدافع آنها در دادگاه جلوگیری شده بود. مقامهای قوه قضاییه، آزادی بیان و عقیده و (برگزاری) تجمعات را برای عموم از جمله اقلیتهای قومی ممنوع اعلام کردند. شماری از نشریات توقیف و سایتهای اینترنتی فیلتر گذاری شدند و به دنبال آن روزنامه نگاران روانه زندان گردیدند. گزارش شده است که حداقل یک فرد بعد از ضرب و شتم در بازداشتگاه جان سپرده است. آزار و اذیت نسبت به اعضای خانواده های زندانیان سیاسی دوباره آغاز شد. حداقل ۱۰۸ نفر که شامل زندانیان سیاسی دارای احکام طویل المدت می شوند، اعدام شدند. چندین نفر از این افراد در ملاعام به دار آویخته شدند. حداقل ۴ زندانی محکوم به مرگ سنگسار شدند و ۱۹۷ نفر به خوردن شلاق و ۱۱ نفر به قطع اعضای بدن محکوم گشتند. تعداد واقعی (احکام صادره) ممکن است بیشتر از اینها باشد.

تنها تفاوت شرایط بالا با موقعیت کُونی، در تکامل آن به گستره و ابعادی است که اینک حتی آقای عرب سُرخ و دوستان "اصلاح طلب" او را نیز در بر گرفته است. آنان امروز از جمله به این دلیل قربانی تجاوز به حقوق شان می شوند که در گذشته در داخل و در سطح بین المللی فعالانه زمینه تجاوز به حقوق دیگران را فراهم کردند، برای سیاست سرکوب توجیه سیاسی و ایدئولوژیک تراشیدند و برای تحکیم، بقا و رُشد ماشین اجرایی آن رشوه دادند و به بند و بست پرداختند. علت اصلی ناپیایی آقای عرب سُرخ در مورد وضعیت حقوق بشر در دوران صدارت "اصلاح طلبان" این است که او در اصل سرکوب دگراندیشان و یا کسانی که در ادبیات کاست سیاسی جمهوری اسلامی "غیرخودی" شناخته می شوند را غیر عادی نمی پندارد و از این رو نیز ابایی ندارد که جلوگیری از تلاش برای رسیدگی و نظارت بین المللی بر وضعیت آنها را یک نقطه قوت در کارنامه "اصلاح طلبان" به حساب بیاورد.

مُشکل سیاسی روز این استدلال فقط این نیست که او و دوستان اش پایمالی حقوق کسانی را در گذشته تایید می کنند که امروز مایلند خود را بخشا مُتحد و همراه آنها معرفی نمایند. چالش اصلی، نخست درک جنبش اجتماعی از مرزبندی فاشیستی "خودی" و "غیر خودی" و سپس آگاهی و چگونگی دریافت آن از مساله حقوق بشر است. "اصلاح طلبان" در هر دو زمینه، هم به لحاظ نظری و هم از نظر عملی فرسنگها از جنبش اجتماعی فاصله دارند.

فراسوی خبر ۲۱ فروردین اگر جنبش اجتماعی مردم ایران توانسته باشد خود را تنها با یک شناسه معرفی کند، آن سمتگیری آزادخواهانه و مُطالبه تحولاتی که در مرکز آن به رسمیت شناسی حقوق فردی و اجتماعی شهروندان قرار داشته باشد، بوده است. بدین جهت، این ویژگی می تواند به خوبی معیاری نیز برای تشخیص دوری یا نزدیکی عملی جریانهای پیرامون جنبش اجتماعی باشد و همین گونه، درجه اعتماد پذیر بودن آنها در مسیری که جنبش به سمت آن در حرکت است را تخمین بزند.

جدیدترین ظرف محک زنی ادعاهای همراهی با جنبش دموکراسی خواهی بر این پایه از یکی از رهبران "اصلاح طلبان" حکومتی روی میز گذاشته است. آقای فیض الله عرب سُرخ، عضو شورای مرکزی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در انتقاد از "ناکامیهای" باند غالب در سیاست خارجی، تعیین گزارشگر ویژه سازمان ملل برای نظارت بر وضعیت حقوق بشر در ایران را یک نشانه این امر دانست؛ ارزیابی دُرُستی که او تلاش کرده از آن نمدی برای کلاه باند مغلوب بیاورد و رویکرد معامله گرانه غرب به موضوع پایمالی حقوق بشر از سوی حاکمان ایران در دوران زمامداری "اصلاح طلبان" را به رُخ زفیا کند.

معاون وزارت بازرگانی دولت حُجت الاسلام خاتمی، با اشاره به اینکه "در دوره دولت اصلاحات ... تلاشهای آمریکا برای جلوگیری از خارج شدن ایران از فهرست کشورهای ناقض حقوق بشر و تحت نظارت کمیسیون حقوق بشر ناکام ماند"، علت را "وجه و احترام بین المللی ایران" توضیح داده است.

همانگونه که از گفته های آقای عرب سُرخ بر می آید، انتقاد اصلی او از باند نظامی - امنیتی، قرار گرفتن موضوع نقض حقوق بشر در دستور کار نهادهای بین المللی مسوول است و نه پایمالی حقوق شهروندان به مثابه یک سیاست و رویکرد ثابت حکومتی. بر این اساس، هر گاه حاکمان وقت نتوانند مساله را زیر فرش شرکای خارجی جارو کنند، وضعیت حقوق بشر هم ارجح ال است و در غیر اینصورت آنها "ناکام" و از این زاویه شایسته انتقاد هستند.

شاهد این مُدعا وضعیت حقوق بشر در "دوره اصلاحات" است که این رهبر "اصلاح طلبان" نپرداختن بین المللی بدان را همچون مدال افتخار به سینه ستجاق کرده است. یک نمونه در این باره را سازمان عفو بین الملل در گزارش سالانه (۲۰۰۳) خود که فاصله زمانی دی ماه ۱۳۸۱ تا آذر ۱۳۸۲ در دور دوم ریاست جمهوری آقای خاتمی را در بر می گیرد، ارایه کرده است. عفو بین المللی در این سند آورده است:

"شماری از زندانیان سیاسی که شامل زندانیان عقیدتی نیز می باشند، به دنبال محکومیت در دادگاه های غیر منصفانه

جنایت دولت عراق علیه کمپ اشرف و چند موضع گیری

بیانیه جمعی از زندانیان سیاسی
محبوس در بند ۴ سالن ۱۲،
زندان رجایی شهر کرج

منبع: خبرگزاری هرانا

در طی روزهای اخیر دولت عراق با یورش نظامی بسیار وحشیانه، گروهی از هموطنانمان که در اردوگاه اشرف ساکن هستند را کشته و زخمی کردند، شگفت انگیز است دولتی که خود را اسلامی و شیعی می‌داند علیه کسانی که آنها نیز شیعه، پناهنده و غیر مسلح هستند دست به چنین جنایتی می‌زند. شگفت انگیزتر این که وزیر خارجه دولت شیعی حاکم بر کشورمان نیز به جای آن که می‌بایست به لحاظ انسانی و ایرانی بودن چنین جنایت هولناکی را محکوم کند، از دولت عراق به دلیل این جنایت ضد حقوق بشری تشکر می‌کند.

براستی که مفهوم اسلامی بودن، شیعی بودن و ایرانی بودن و مفهوم دفاع از حقوق انسانی و پناهنده را به تمام و کمال از دولت‌های اسلامی شیعی حاکم بر عراق و ایران دریافتیم.

ما گروهی از زندانیان سیاسی زندان رجایی شهر ضمن تسلیت به همبندی عزیزمان فرزند مددزاده و هم چنین هم زندانی شبنم مددزاده که در این جنایت ضد بشری برادر و خواهر خود را از دست دادند و هم چنین به سایر خانواده‌های مصیبت دیده تسلیت گفته و از همه نهادها و دولت‌هایی که به اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون ژنو در مورد پناهندگان معتقد و پایبند هستند، می‌خواهیم این تجاوز آشکار را پیگیری و آن را محکوم کنند.

جمعی از زندانیان سیاسی محبوس در بند ۴ زندان رجایی شهر کرج
۲۱ فروردین سال ۹۰

شلیک از روی دوش مالکی به
ساکنان اشرف
منصور امان

فراسوی خبر ۲۰ فروردین

با یک تهاجم خونین به شهر اشرف و قتل دستکم ۳۲ تن و مجروح ساختن صدها نفر دیگر از اعضا و هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران، رژیم جمهوری اسلامی و دولت عراق به عنوان نمایندگی آن در خاک این کشور، وارد دور تازه‌ای از برخورد با مخالفان حکومت ایران شده‌اند. ارتش عراق و یگانهای ویژه آدمکشی، در این تهاجم جنایتکارانه با سلاحهای سبک، نیمه و سنگین و حتی بولدوز و خودروهایی زرهی علیه ساکنان غیرنظامی وارد عمل شدند. روز یکشنبه ۱۴ فروردین، نیروهای عراقی بخشی از شهر اشرف را با هدف آماده سازی تهاجم اصلی که روز گذشته (آدینه) صورت گرفت، اشغال کرده بودند.

در حالی که این اقدام از دسیسه چینی و وجود یک نقشه‌ی عملیاتی برای یورش مسلحانه به اشرف خبر می‌داد، سرکرده عملیات نظامی استان دیاله برای گمراه سازی مدعی شد: "این کار، حمله یا اعزام نیروی بیشتر نبوده، بلکه صرفاً جابه جایی نیرو صورت گرفت."

یک هفته پیشتر از این، در ۹ فروردین، یک تشکل ساختگی سپاه قدس به نام "کمیته عراقی پیگیری جنایتهای سازمان مجاهدین خلق"، لیست خواسته‌هایی که رژیم جمهوری اسلامی از حمله‌ی در حال تدارک، انتظار برآورده شدن آنها را می‌کشید را منتشر کرد. انهدام زیرساختهای شهر اشرف و امکانات اولیه زندگی ساکنان، بخشی از خواسته‌های علنی است که روی کاغذ آورده شده است. مشابه چنین سیاستی را ارتش اشغالگر نازی

علیه ساکنان گتوی ورشو به کار گرفت. به خدمت گرفته شدن آشکار دولت عراق از سوی حاکمان ایران برای سرکوب مخالفان خود همزمان با موج حملات تبلیغاتی دولتهای عربی منطقه و متحدان آنها در غرب علیه رویکرد دخالتگرانه جمهوری اسلامی در برابر اعتراضهای اجتماعی در کشورهای خود و همسایه صورت می‌گرفت و با این وجود، موجب برانگیختن واکنشی از جانب آنها نگردید. این در حالی است که میان مداخله گری از کانال محافل بُنیادگرایی که حداکثر در حاشیه جنبشهای اجتماعی در بحرین، عمان یا یمن حیات دارند با اعمال نفوذ و تامین منافع روی دوش یک دولت رسمی، تفاوت‌های چشمگیری وجود دارد که بی تردید نمی‌تواند از تیر رس نگاه معترضین رسمی در پایتختهای غربی - عربی هم دور مانده باشد. جالب اینجاست که کشتار روز آدینه همزمان با حضور وزیر دفاع ایالات متحده آمریکا در عراق صورت گرفته است.

در این میان، موج سراسری اعتراض و محکومیت جنایت سفارشی دولت عراق و دفاع از حقوق و کرامت انسانی مجاهدین اشرف از سوی گرایشهای گوناگون مخالفان و معترضان رژیم ولایت فقیه، در حال به هیچ تبدیل کردن دستاوردهای سیاسی این تبهکاری است.

موضع صریح و بدون شرط گذاری و نسی سازی کشتار مخالفان در اشرف، در تهران، شیراز و در هر جای دیگر، خط پر رنگی است که صف کوشندگان آزادی و عدالت را از نه فقط از امران و عاملان جنایت، نه فقط از مدافعان شرمگین یا ریاکار مناسباتی که ارتکاب چنین تبهکاریهایی را ممکن ساخته، بلکه از نگرش، کردار و انگاشتهای سیاسی هر دو سر این طیف جدا می‌کند.

حقوق بشر شله زرد نذری
نیست که تنها برای دوست و
آشنا بفرستیم

احمد رأفت

منبع: خودنویس

قدیمیها می‌گفتند سکوت علامت رضا است. گاهی سکوت از ترس نیز حکایت دارد. زمان نشان خواهد داد سکوت «شورای هم‌هنگی راه سبز امید» در مقابل حملات ارتش عراق به شهرک اشرف و کشته شدن ۳ یا ۱۲ یا ۳۳ نفر

از هواداران سازمان مجاهدین خلق و زخمی شدن دهها نفر دیگر، علامت چیست.

یکی از چهره‌های نامدار و متفکر «سبز» گویا در مجلسی خصوصی گفته است «خوب شد لت و پارشان کردند». امیدوارم این نقل قول از این شخص صحت نداشته باشد در غیر این صورت آن چه سبزه‌های این چنینی می‌توانند برای ما به ارمغان بیاورند بهتر از آنچه داریم نخواهد بود.

از آقای امیر ارجمند، تنها عضو غیر مخفی این شورا که زمانی گویا حقوق بشر تدریس می‌کرده است، البته انتظار بیش از این بود. انتظار می‌رفت در رابطه با کشته شدن عده‌ای بی سلاح، به‌دست ارتشی تا دندان مسلح سکوت نکند و حداقل در بیانیه‌ای انتقادی نسبت به سازمان مجاهدین خلق و رهبری آن و سیاستهایشان در گذشته و حال، از حقوق انسانی ساکنین اشرف دفاع کرده و از دولت عراق انتقاد کند.

البته ما «خارج نشینان»، «لایق‌کها» و «غیر خودیها» با این سکوتها آشنایی داریم و جای تعجب آن چنانی نیست. جوانان کرد و بلوچ یا هواداران مجاهدین سالهاست در ایران اعدام می‌شوند و صدایی از این آقایان بلند نمی‌شود. بسیاری از مخالفان امروزی ولی فقیه، در زمان اعدامهای دهه ۶۰ و سالهای بعد از آن صاحب منصب و مقامی بودند و آن زمان و بعد از آن سکوت اختیار کردند. همین آقایان اما زمانی که یکی از دوستان «خودی»شان چند روزی را در اوین میهمان بود آن چنان داد و فغانی راه می‌انداختند که بیا و ببین. البته ما «غیرخودی»ها به‌درستی در این داد و فغانها همراه می‌شدیم و همراه هستیم چون معتقدیم حقوق انسانی شله زرد نذری نیست که تنها برای دوست و آشنا فرستاد و دیگران را از آن محروم ساخت.

ترس می‌تواند دلیل دیگری برای این سکوت شرم آور باشد. ترس دفاع از حقوق دیگران و غیر خودیها تنها از ضعف نشانه دارد. سبز دیگری، از همکاران سابق ستاد انتخاباتی جناب کروبی، روز گذشته می‌گفت «حمله به اشرف از مجاهدین قهرمان خواهد ساخت و بنابراین باید از گسترش اخبار این واقعه جلوگیری به‌عمل آورد تا مردم در داخل ایران از ابعاد واقعی آن خبردار نشوند و دل‌شان به حال مجاهدین نسوزد و نگاه‌شان به این سازمان مثبت نشود». تحلیلی خطرناک که نه تنها مردم ایران را [... هائی که انتخاب‌شان تنها بر شمار قربانیان استوار است می‌پندارد، بلکه مبنای اکثریت شدن و حکومت کردن را کتمان حقیقت و دروغ می‌داند.



جنایت دولت عراق علیه کمپ اشرف و چند موضع گیری

سخنرانی منوچهر هزارخانی در مراسم بزرگداشت شهیدان اشرف

منبع: سایت همبستگی
دو شنبه ۲۲ فروردین ۱۳۹۰

خانم رجوی
چند سال پیش تر و به یک مناسبت دیگر، به شما گفتم که واکنش من در برابر لطمات شدید روحی و عاطفی، مثل آدمهای متمدن نیست که به حضور در جمع گرایش پیدا می کنند تا درد مشترکشان را با هم احساس و در صورت امکان چاره جویی کنند؛ مثل حیواناتی است که در جنگل زندگی می کنند و پس از دریافت ضربه از جمع می گریزند تا در سوراخی، در گوشه بی تنها، زخمشان را بلیسند و در باره اش فکر کنند. پس اجازه بدهید در حدی که فکرم توانسته است کار کند، حاصلش را با شما در میان بگذارم.

۱- دوستان به فاجعه ای که در اشرف روی داده، جنایت علیه بشریت می گویند. من این نامگذاری را مبهم و نارسا می دانم. معلوم نمی کند که کی جنایتکار است و کی قربانی جنایت. «بشریت» انبان آن قدر گل و گشادی است که مالکی و خامنه ای و جنایتکاران دیگر را هم در آن جا می گیرند. من ترجیح می دهم از جنایت مالکی و مزدوران و شرکایش علیه ساکنان شجاع اشرف حرف بزنم که عین واقعیت است و نه یک تعبیر استعاری. مطمئنم که در این مورد خاص واقعیت آن قدر بزرگ، آن قدر مهیب و آن قدر زشت هست که «بشریت» را شرمند کند.

۲ - جنایت مالکی و مزدوران و شرکایش علیه ساکنان شجاع و بی دفاع شهر اشرف در ۱۹ فروردین امسال، با آن چه همین جنایتکاران دو سال پیش تر با اشرف کردند، فرق اساسی دارد. در آن زمان، زندگی مستی که تیغ به دستش داده بودند، برای بار اول بود که آن را به کار می برد. می شد با خوش خیالی و ساده انگاری بسیار، تصور کرد که شدت عملشان از روی بی تجربگی و ناشیگری است و

شاید با بحث و مدارا بتوان از تکرارش جلوگیری کرد. خلاصه در آن زمان هرچند جنایت شنیعی مرتکب شده بودند، ولی جای آشتی و مسالمت هنوز باز به نظر می رسید. این بار اما، تکرار همان جنایت در مقیاسی به مراتب بزرگتر، با ساز و برگ کامل جنگی، نشان داد که جنایتکاران جدا قصد جنگ با اشرف را دارند و دیگر هیچ دری برای مسالمت و سازش باز نیست. ۳ - تعداد زیاد سربازان مهاجم، شروع جنگ افزارهای سنگین، شروع غافلگیرانه جنگ بدون اعلان آن، حمله با زرهیها به افراد و تیراندازی مستقیم به ساکنان شهر اشرف، در حالی که به تجربه دفعه پیش می دانستند که صحنه های زنده این جنایت شنیع در لحظه فیلمبرداری و در دنیا پخش می شود، خیر از نوعی خاطر جمعی جنایتکاران فعال در صحنه از واکنش تأیید آمیز آمریکاییان می داد. ترک صحنه توسط ناظران آمریکایی پیش از شروع حمله، عدم توجه مسئولان بیمارستان آمریکایی به درخواستهای کمک فوری پزشکی برای مجروحان جنگی، شواهد محکوم کننده بی در این زمینه اند. به نظر نمی رسد همزمانی این جنایت با عریضه نگاری فلان آخوند بی مقدار به خانم شیربرنج برای اصرار در نگهداشتن نام سازمان مجاهدین در لیست سیاه آمریکا، و گرد و خاک تبلیغاتی بی مقدمه دارو دسته «بی تنازل» ها در برات از «منافقین» اتفاقی باشد.

۴ - اگر این ارزیابیها درست باشد و نه توهمات و خیالبافیهای محض، می توان نتیجه گرفت که اکنون موقعیت بکلی تازه ای برای اشرف پیش آمده است. اشرفیها تا به حال خودشان اصرار داشتند در شهری که با دستهای خودشان ساخته اند، بمانند. از این پس، اما، ولو به هر دلیل نخواهند، مجبورند آن جا بمانند و از شهرشان دفاع کنند، زیرا نوری مالکی و گله مزدورانش، به نیابت از جانب خامنه ای آنها را در همان جا به جنگ طلبیده اند. این همان موقعیت تازه ای است که جنایت اخیر مالکی و مزدورانش ایجاد کرده و به ضرورت یک بعد عراقی به مبارزه اشرفیها می دهد. تفصیلش باشد برای بعد.

خانم رجوی
می دانم این حرفها زیاد مناسب یک مجلس یاد بود نیست و در نحوه بیانشان هم آداب و ترتیب مورد انتظار رعایت نشده است. مرا ببخشید که در حال حاضر قادر به ذکر هیچ نوع ذکر مصیبتی نیستم. روحم ترک خورده است. اما به قول مرضیه، نباید از تک و تا افتاد.

جنایت علیه بشریت در پایگاه اشرف

نعمت آزر

حمله نظامی دولت عراق به اردوگاه اشرف و کشتار باشندگان بی سلاح آن شهرک، مصداق روشن جنایت علیه بشریت است. هیچ بهانه و دلیلی این وحشیگری عربان را که نقض مسلم

حقوق بشر است توجیه نمی کند. دولت عراق در این سعیمت غیر انسانی، به عنوان یک دولت مسئول در برابر تعهدات بین المللی از خود سلب اعتبار کرده است.

بیش از سه هزار نفر از افراد سازمان مجاهدین خلق ایران در آن اردوگاه نفر به نفر به نام و نشان خود و حقوق شخصی خود زیر حمایت سازمان ملل قرار داشته اند. در این آتشباری غیر انسانی بروی افراد بی سلاح که شمار فراوانی کشته و مجروح برجای گذاشته دولت عراق می باید پاسخگوی باشد. اما با شگفتی می بینیم که حتی به درخواستهای عقوب بین الملل برای ارسال دارو موافقت نمی کند و درخواست اتحادیه اروپا را نیز در باره تحقیق مستقل نسبت به این فاجعه انسانی ندیده می گیرد.

از آفتاب روشن تر است که در این جنایت دست خونبار حکومت آخوند سالاری از آستین دولت مالکی عراق بیرون آمده است. مافیای آخوند سالاری که مردم میهنمان را به گروگان گرفته است می بیند که با آنهمه جنایات بی سابقه در تاریخ ایران از کشتارهای خیابانی تا قتلهای زنجیرهای درون مرزی و برون مرزی و قتل عام زندانیان سیاسی و شدیدترین سرکوبهای دانشجویی و روشنفکری هنوز از سوی مردم ایران پذیرفته نشده است. می بیند که درد بی درمان نابهنگامی تاریخی اش چاره پذیر نیست و دیر است و دور نیست که در فاضلاب تاریخ ایران جای بگیرد. و از این روی تصور می کند که با بحران آفرینی به بهای جان بی گناهان می تواند برای باقی ماندنش زمان بخرد و مرگ محتو مش را به تاخیر بیاورد...

وظیفه انسانی همه باورمندان به حقوق بشر حکم می کند که برکنار از هرگونه داوری نسبت به مجاهدین به دفاع از هم میهنان زیر سرکوب در اردوگاه اشرف همت کنند.

سلام به ایران آزاد و آباد فردا، فردائی که هم از دیروز آغاز شده است... ا

نعمت آزر

پاریس دهم آوریل ۲۰۱۱

سی و چهار شهید قهرمان مجاهد خلق

فاطمه مسیح، آسیه رخشانی، زهیر ذاکری، مرضیه پورنقی، علیرضا طاهرلو، سعید چاووشی، امیر مسعود فضل الهی، جعفر بارچی، قاسم اعتمادی، حسن اوانی، ناصر سپه پور، محمدرضا یزدان دوست، نسترن عظیمی، فائزه رجیبی، مهدی برزگر، ضیا پور نادر، مجید عبادیان، خلیل کعبی، فریدون عینی، محمد قیومی، مهدیه مددزاده، سعید رضا پورهاشم، احمد آقایی، ورقا سلیمانی، محمد رضا پیرزادی، صبا هفت برادران، بهروز ثابت، حسین احمدی، حنیف کفایی، علی اکبر مددزاده، مسعود حاجیلویی، غلام تلغری، مرتضی بهشتی و شهناز پهلوانی،

به عاشقان شوریده اشرف!

گیسو شاکری

این صدای گلوله های سربازان عراقی بر سر و جان شما عزیزان ساکن شهر اشرف نیست، صدای از هم پاشیدن نظام جمهوری اسلامی ایران است که بر بنیان قتل و کشتار و ترور و زندان و مرگ شکل گرفته و برپاست. از هم پاشیدن نظامی که از طنین کوچک ترین صدای آزادی برخود می لرزد.

زبان از شرح این همه مظلومیت و درد و فاجعه و شجاعت و مقاومت و ایستادگی شما اشرفیان ناتوان است. به زلف آشفته و خوی کرده و خندان لب و مست پیرهن چاک و غزلخوان و صراحی در برازنده ی شماسست که آزادی را در لحظه به لحظه ی زندگیتان فریاد می زند.

حماسه های تاریخ معاصر ایران با دستان و با خون پاک به زمین ریخته شما زنان شجاع، از جان گذشته و مبارز و مردان دلیر است که نوشته می شوند و تن و جان به خون خفته ی شما تصویرهای ابدی و ماندگار حماسه هاست.

آزادی در چنین حماسه آفرینی هایی متبلور است و این حماسه ها، آتش همیشه روشن و درخشان و زنده ی مقاومت و پایداری و مبارزه و امید در دلهاست.

با بخون خفتن هر یک از شما هزار برخواهند خاست.

گیسو شاکری

۲۰ فروردین ۹۰

جنایت دولت عراق علیه کمپ اشرف و چند موضع گیری

انسان کشی بس است!

پری قدمی - لندن

اول به سراغ یهودیها رفتند
من یهودی نبودم، اعتراضی نکردم
پس از آن به لهستانیها حمله بردند
من لهستانی نبودم و اعتراضی نکردم
آن گاه به لیبرالها فشار آوردند
من لیبرال نبودم، اعتراضی نکردم
سپس نوبت به کمونیستها رسید
کمونیست نبودم، بنابراین اعتراضی
نکردم
سرانجام به سراغ من آمدند
هر چه فریاد زدم کسی نمونده بود که
اعتراضی کند. (۱)

سحرگاه نوزدهم فروردین ۱۳۹۰
نیروهای نظامی عراق به دستور مالکی
و تایید خامنه ای خون آشام و با
چراغ سبزی که دولت آمریکا نشان داد،
به جان ساکنین شهر اشرف یورش
بردند. در کارزاری نابرابر و غیر انسانی
نیروهای درنده خوی نظامی عراق با
شلیک گلوله و مورد هدف قراردادن
تک تک نیروهای مجاهد که منجر به
جان باختن سی و چهار انسان مبارز
شد.

اکنون که می نویسم چند روز از این
اتفاق ناگوار گذشته است و سعی کرده
ام که تحت تاثیر فیلمها و تصاویر قرار
نگیرم. مگر می شود انسانی که برای
آزادی و رهایی و برابری می جنگد،
تحت تاثیر جان باختن انسانها آن هم
در شرایط نابرابر جنگی قرار نگیرد؟! از
سی و چهار گل پر پر شده توسط
نیروهای مالکی و شرکایش هشت تن
زن بودند که با دیدن تصاویرشان به
شدت قلم لرزیده شد. معتقدم اگر زنی
در هر نقطه ای از جهان به پیشرفت
دسترسی پیدا کند، تاثیر مثبتی بر
زندگی زنان دیگر در سایر نقاط دیگر
جهان دارد. بر عکس آن هم صدق می
کند اگر در هر گوشه ای از جهان حقی
از زنی پایمال و ضایع شود، بی شک و
تردید بر زندگی تمام زنان دیگر در
سایر نقاط جهان تاثیر خواهد گذاشت.
هشت تن از زنان اشرفی جان باختند و
صدایی از زانی که خود را مدافع حقوق
زنان می داند، شنیده نشد! به راستی
دلیلش چیست؟ انتظار می رفت که
سازمانهای طرفدار و مدافع حقوق
زنان، سرکوب هشت زن اشرفی را
محکوم کنند، اما متأسفانه گویا هیچ
اتفاقی نیفتاده است! همان طور که

تجاوز نیروهای ارتش مصری به زنان
مصری برای مان قابل اهمیت است.
باید سرکوب زنان اشرف نیز مهم باشد.
اگر چه آنان ایدئولوژی اسلامی را قبول
داشته اند و دارند. این که سازمان
مجاهدین در گذشته‌ای نه چندین دور
در دوران حاکمیت صدام چه کرده
است؛ در حال حاضر مکث و پرداختن
به آن مسئله ی فعلی نیست. مسئله‌ای
که در حال حاضر مهم می باشد؛ کشتار
مظلومانه‌ی سی و چهار انسان بی گناه
و بی دفاع و از جمله هشت زن مبارز
تبعیدی ست.

به نام انسان دوستی و انسانیت برپا
خیزیم و صدای پر از خشم و نفرت مان
را بر سر مالکی و خامنه‌ای جلاد و
کلیت نظام جمهوری اسلامی فریاد
کشیم و هم صدا شویم که انسان کشی
بس است! در دفاع از جان انسانها
مرزهای سیاسی را نادیده بگیریم و به
دفاع از جان انسانها با هر عقیده و مرام
و مسلکی که دارند به پا خیزیم.
سرکوب زنان مبارز ایرانی توسط
نیروهای درنده خوی عراقی، هم چون
مرگ ندا نشان از ضعف و زبونی رژیم
ست که به آب و آتش می زند تا چند
صباحی بر عمر ننگین خود بیافزاید.

نابود باد دیکتاتوری، زنده باد آزادی

پری قدمی - لندن

دوازدهم آوریل ۲۰۱۱ برابر با ۲۳
فروردین ۱۳۹۰

www.pariqadami.wordpress.com
parighadami@hotmail.co.uk

پی نوشت:

۱- شعر اعتراضی نکردم، از برتولت
برشت

مسجدی ها و اردوگاه اشرف

حامد محسنی

تاریخ انتشار: ۲۵ فروردین ۱۳۹۰

منبع:

<http://www.rahesabz.net/story/35545/>

پدر هفتاد ساله ام که از مسجد به خانه
آمد، با تأسف از اردوگاه اشرف یاد کرد.
می گفت در مسجد می گفتند
نظامیهای عراقی با تانک و زره پوش
به جوانان در این اردوگاه حمله کرده و
دختران را به خاک و خون کشانده اند و
تعدادی کشته شده است.

او می گفت که مسجیدیان از ظلم و
تعدی نیروهای عراقی و سکوت خبری
در این رابطه و عدم اقدام عملی
سازمانهای بین المللی سخن می گفته
اند. و این که نیروهای اردوگاه اشرف
باید ظرف چند ماه آینده عراق را ترک
کنند.

در لحن پدرم و هم مسجدی هایش که
همه از بازاریان سنتی و قدیمی هستند،
حس همدردی و محکومیت این جنایت
می آمد. پدری که نماز جمعه اش ترک
نمی شود. پای ثابت مساجد و منابر
است. با همه محدودیتهای خبری که
رسانه های داخلی در کشور ایجاد کرده
اند، اخبارش همه منطبق بود از آن چه
که من این روزها در اینترنت و
سایتهای خبری خارجی دیده بودم. ذره
ای افراط نداشت.

از من پرسید که فیلم هایش را دیده
ام؟ گفتم نه دلش را نداشتم. خیلی
فاجعه انگیز بود. با بغضی فرو خفته
گفت جوانان ما هستند که به خاک و
خون نشسته اند در خاک عراق.

می گفت باید تحریم کنیم رفتن به
اماکن متبرکه را! می خواستم برایش
بگویم پدرجان روشنفکران می گویند
که طبق کنوانسیونها اینها تروریست
هستند و جایی در کشوری ندارند، اما
شرمم آمد.

خواستم بگویم پدر جان می گویند اینها
به ارتش صدام کمک کرده اند،
نتوانستم آخر خودش قربانی جنگ بود!
خواستم از جنایات سازمان بگویم و
تورها. دیدم تاریخ انقلاب را بهتر از
من می داند و من بچه بودم که دستم
را می گرفت و به تشییع جنازه بهشتی
و ۲۲ تن می برد.

هر چه خواستم بگویم فرو خوردم و
هیچ نگفتم.

او که نه از سیاست می داند و تحت
مبارد همه روزه اخبار صدا و سیماست
بر این باور است که این جنایت
نابخشودنی است و وظیفه مردم است
که حکومت عراق را ادب کنند! با
تحریم سفر به عتبات عالیا.

خجالت کشیدم به پدرم بگویم که
حامیان شناخته شده جنبش سبز هنوز
هیچ موضع گیری نکرده و این جنایت
را محکوم نکرده اند. سکوت کردم.

نگفتم به پدرم که موسوی و کروبی که
در حبس نبودند اعدام چند جوان بی
گناه را که به جرم همکاری با سازمان
خودساخته پادشاهی محکوم کرده بودند
چه صدقانه محکوم کردند. بدون این
که بترسند از انگها و برچسبها. اما اینها
که خودشان را رهرو و امین آنان می
دانند در سکوتی عجیب فرو رفته اند.

عدم موضع گیری منتسبان به جنبش
سبز نسبت به جنایات صورت گرفته در
اردوگاه اشرف سوالی است که این
روزها خیلی ذهنم را به خودمشغول
کرده است. می دانم که دیگران هم.

می گویند سکوت علامت رضاست. خدا
نکند که این سکوت رضایت مندی
باشد.

هر چه هست سکوت تلخی است. تلخ
تر از بی گناهی که خونشان به هر
پهانه ای به زمین می ریزد.

حقوقدانان جنبش سبز

مردم ایران

منبع:سایت حقوقدانان جنبش سبز مردم
ایران

ما، حقوقدانان جنبش سبز مردم ایران،
سرکوب وحشیانه و جنایتکارانه
نیروهای سازمان مجاهدین خلق توسط
نیروهای نظامی عراقی را به شدت
محکوم می کنیم.

این کشتار در حالی صورت می گیرد
که:

۱) نیروهای مجاهدین علیرغم بر تن
داشتن یونیفورم، از سال ۲۰۰۳ که
توسط نیروهای اشغالگر به رهبری
آمریکا خلع سلاح شدند، نیروی
غیرنظامی محسوب می شوند و، با
توجه به جمیع جوانب، تحت حمایت
کنوانسیونهای ژنو هستند.

۲) با توجه به نوع سرکوب صورت
گرفته (که از تفصیل آن در اینجا صرف
نظر می شود)، یورش و کشتار وحشیانه
ارتش عراق که علی الاصول به دستور
مسئولین دولتی عراق و به احتمال
قرب به یقین به درخواست حکومت
جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته،
از مصادیق بارز و مسلم دو جرم
"جنایت علیه بشریت" و "کسل کشی"
است.

ضرورت دارد کلیه آزادی خواهان و
نهادهای حقوق بشری، نهادهای ملی
عراق و جامعه بین المللی به طور اعم
نسبت به این جنایات که آثار بین
المللی دارد با قاطعیت و به سرعت
عکس العمل نشان دهد و به هیچ روی

به محکومیت لفظی بسنده نکنند.

ما، حقوقدانان جنبش سبز مردم ایران،
با یادآوری وظایف و مسئولیتهای بین
المللی آمریکا به عنوان نیروی اشغالگر
که طبق موازین بین المللی مسئولیت
حفاظت از کلیه غیرنظامیان سرزمین
تحت اشغال را برعهده دارد، مصرانه
می خواهیم نسبت به این جنایات
حسب وظیفه خود اقدام عاجل به عمل
آورد و از هیچ اقدامی از جمله طرح
درخواست برای تشکیل دیوان کیفری
خاص توسط شورای امنیت سازمان
ملل متحد فروگذار نکنند. ضعف عمل
نهادهای بین المللی در تلاش برای
مجازات جنایتکاران و تروریستهای
دولتی در کشورهایی مانند ایران و
عراق بدون شک موجب جری شدن و
رشد سرطانی آنان خواهد شد. ریشه
سرطان را بخشکانیم!

حقوقدانان جنبش سبز مردم ایران
نوزدهم فروردین ماه ۱۳۹۰

جنایت دولت عراق علیه کمپ اشرف و چند موضع گیری

سخنرانی زینت میرهاشمی در مراسم بزرگداشت شهیدان اشرف

به نام آزادی و مقاومت آنها با همه ابزارهای جنگیشان یورش آوردند، تبر زدند، تیر زدند، زیر ماشین گرفتند، نارنجک انداختند، کشتند و غارت کردند. جنایت کردند و زخمیها را به اسارت گرفتند. نیروهای ارتش عراق با دستور مالکی دست به این جنایت زدند. آنها با این عظمت جنگیشان برای اشغال اشرف و شکست مقاومت آمدند. اما چی نصیبشان شد؟

زنان و مردان مجاهد سینه هایشان را سپر کردند، با دستانی خالی اما سینه هایی پر از امید و آرزو برای رسیدن به آزادی در برابر آنها ایستادند، فرقیان شکاف برداشت و سرفرازی و افتخار را سهم خود نمودند. آنها مهر یک شکست دیگر را بر سینه مالکی و همدستان ارتجاعی اش و همه مماشانگران و به ویژه به رژیم ولایت فقیه کوبیدند.

قتل و کشتار ساکنان اشرف روز جمعه ۱۹ فروردین محصول همدستی و مزدوری مالکی با ولایت فقیه است. این گونه جنایت آفرینی نه از موضع قدرت ولی فقیه و مزدور مالکی در ایران و عراق بلکه دقیقاً از موضع ضعف و زبونی است.

کشتار زنان و مردان مجاهد در اشرف، جنایت علیه بشریت و محکوم است.

شهادت زنان و مردان مجاهد را به سازمان مجاهدین خلق ایران و خانواده های آنان و به یارانانشان در کمپ اشرف تسلیت می گویم.

به دلبری و مقاومت سرفرازانه چه آنهایی که جانشان را در این نبرد نابرابر و نفرت انگیز از دست دادند و چه آنهایی که در این رویارویی زیستند و می زیند ادای احترام می کنم و درود می فرستم.

نامه زندانی سیاسی ارژنگ داوودی

با یاد خدا در حضور عریان فاجعه که یاد اور تقدیر غم انگیز آزادی است سیاهی بیرزدم هیچ ستاره ای را بر نمی تابد

هم میهنانان آزاده

با دورود به تمام جانبختگان راه آزادی بشر از پشت ردیف سرد میله های زندان مخوف رجایی شهر کشتار وحشیانه در اردوگاه اشرف را به همه مبارزان به ویژه خانواده بزرگ مجاهد تسلیت می گویم.

مجاهدین خلق بخش بزرگی از پیکره پولادین جنبش دویست ساله آزادیخواهی ایرانیان را تشکیل می دهند و به وضوح درضدیت با حکومتهای ستم شاهی و ستم شیخی چه بسا ثابت قدم تر از بسیاری دیگر بوده اند.

بدون کمترین تردیدی فاجعه انسانی اخیر تنها جنایتی هولناک علیه بشریت که گستاخی تمام عیاری است نسبت به مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر.

شور و شغف زایدالوصف سران متحجر رژیم منحنط ولایت فقیه از یک سو عمق خفارت این آدم کشان آزادی ستیز را به نمایش می گذارد و از سوی دیگر درجه صلابت مبارزان راه آزادی ایران را نشان می دهد.

هرصبح و شب به غارت طوفان روند و باز آخرین شقایق این باغ نیستند

ایران هرگز نمی میرد ارژنگ داوودی

زندانی سیاسی - زندان رجایی شهر

حمله وحشیانه و جنایتکارانه به اشرف را محکوم می کنیم

صبح امروز جمعه ۱۹ فروردین نیروهای جنایتکار ارتش عراقی به دستور نوری المالکی مزدور با انواع سلاحهای سبک و سنگین به شهر اشرف حمله کردند. در اثر این حمله وحشیانه تعدادی از زنان و مردان مجاهد به شهادت رسیدند

و صدها تن مجروح و تعدادی گروگان گرفته شدند.

این اقدام ضد انسانی و وحشیانه توسط نیروهای تحت امر مالکی نقض قوانین بین المللی در دفاع از ساکنان بی دفاع و نقض کنوانسیون چهارم ژنو است.

نوری المالکی دیکتاتور که با بحرانهای عمیق روبرو است به خیال باطل خود می خواهد با این یورش ضد انسانی، که به دستور خامنه ای صورت گرفته، بحرانهای عمیق خود را مهار کند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران با تنفر و انزجار حمله به ساکنان بی دفاع شهر اشرف را شدیداً محکوم می کند.

ما دولت آمریکا را مسئول این اقدام ضد انسانی می دانیم و خواستار اقدام سریع و عاجل جهانی برای جلوگیری از ادامه این یورش ضد انسانی هستیم.

ما از همه ایرانیان آزادیخواه و سازمانهای مدافع حقوق بشر خواستار محکومیت این اقدام ضد بشری هستیم و آزادیخواهان را به اعتراض علیه این کشتار وحشیانه فرا می خوانیم.

ما شهادت قهرمانانه زنان و مردان مجاهد را به مردم ایران، به خانواده شهدا و به سازمان مجاهدین خلق ایران تسلیت می گویم.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

جمعه ۱۹ فروردین ۱۳۹۰ - ۸ آپریل ۲۰۱۱

زجر کش کردن زندانی مجاهد محسن دکمه چی

زندانی سیاسی، مجاهد خلق، محسن دکمه چی، پس از تحمل ۹ سال حبس و شکنجه، شب گذشته، دوشنبه



۱۸ فروردین، به خاطر محرومیت عمدی از مداوا، توسط دژخیمان رژیم آخوندی، در اسارت به شهادت رسید.

او که ۵۲ سال داشت از زندانیان سیاسی دهه ۶۰ و از بازاریان سرشناس و خوشنام تهران بود. محسن دکمه چی در شهریور ۸۸ بار دیگر به جرم کمک به خانواده های زندانیان سیاسی و حضور دخترش، نرگس دکمه چی در اشرف بازداشت و به ۱۰ سال زندان و تبعید محکوم شد.

سال گذشته پس از بروز علائم بیماری سرطان، دژخیمان تا مدتها از معالجه او ممانعت کردند. سرانجام پس از ماهها تأخیر، او را در اواخر آذر ماه گذشته با دستبند و پابند و با حضور سه مأمور مسلح اطلاعات آخوندی، در بیمارستان بستری کردند.

پزشکان متخصص، پس از یک عمل جراحی سنگین، طی نامه یی به جعفری دولتی آبادی دادستان جنایتکار رژیم اعلام کردند این بیمار به خاطر تأخیر طولانی مدت در عمل جراحی، نیاز به شیمی درمانی و رسیدگیهای خاص تخصصی دارد اما دژخیمان بی توجه به این تأکیدها، وی را بلافاصله پس از عمل به زندان منتقل کردند.

به رغم دردهای جانکاه و توصیه های مؤکد پزشکان، دژخیمان محسن دکمه چی را در بند ۴ زندان گوهردشت در شرایطی طاقتفرسا نگاه داشتند. دژخیمان به قصد زجر کش کردن او، تا آخرین روزها اجازه انتقال به بیمارستان، شیمی درمانی و مراقبتهای ویژه را به او ندادند و حتی از دادن داروهای مسکن به وی نیز خودداری می کردند.

خانم مریم رجوی، رئیس جمهور برگزیده مقاومت ایران شهادت محسن دکمه چی را به مردم ایران، به خانواده دکمه چی و به ویژه دخترش، تسلیت گفت و افزود: وی همچون بیماران قهرمان اشرفی که در برابر همان محرومیتهای پزشکی مقاومت می کنند، به سمبلی از اراده خلل ناپذیر مردم ایران برای آزادی و سرنگونی فاشیسم مذهبی تبدیل شد.

وی دبیرکل ملل متحد، کمیسر عالی شورای حقوق بشر و تمامی مدافعان حقوق بشر را به محکوم کردن محرومیتهای عمدی پزشکی در شکنجه گاههای خامنه ای که مصداق روشن "جنایت علیه بشریت" است، فراخواند و خواستار اقدام فوری برای نجات جان زندانیان سیاسی به ویژه زندانیان بیمار و ارجاع پرونده نقض حقوق بشر توسط رژیم آخوندی به شورای امنیت ملل متحد شد.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران ۹ فروردین ۱۳۹۰ (۲۹ مارس ۲۰۱۱)

اعتراض به دستگیری فعالان محیط زیست در تبریز و ارومیه

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر ۱۷ فروردین در شرایطی که جان انسانها برای حاکمان بر کشور هیچ ارزشی ندارد و علم و دانش به شمول علوم انسانی مورد تهاجم مشتاقانه قراره بند قرون وسطایی قرار می گیرد، سخن گفتن از محیط زیست، مثل هر مساله اجتماعی مردم، تهدیدی جدی برای رژیم است. از همین منظر، تظاهرات اعتراضی فعالان محیط زیست در تبریز و ارومیه که همزمان با روز ۱۳ فروردین در اعتراض به سیاستهای مخرب زیست محیطی حاکمیت انجام شد، قابل توجه است.

دیکتاتوری تحجرگرا، تظاهرات مسالمت آمیز مدافعان محیط زیست را بر نتابید و با یورش به این تظاهرات تعدادی را دستگیر و زخمی نمود. هجوم وحشیانه نیروهای انتظامی به این تظاهرات نشان دهنده مسئولیت مستقیم دولت در خرابی محیط زیست و خشک شدن آب دریاچه ارومیه است. دریاچه ارومیه در شمال غربی ایران و در منطقه آذربایجان واقع شده است. در چند دهه اخیر حدود ۱۷ سد در حوزه آبی دریاچه ارومیه ساخته شده که فعالان محیط زیست این گونه سد سازیها را باعث خشک شدن دریاچه ارومیه می دانند.

تظاهر کنندگان که به خشک شدن دریاچه ارومیه و سدسازی بی رویه اعتراض داشتند شعار می دادند «سدها را بشکنید، دریاچه ارومیه را پر کنید». بر اساس خبرهای منتشر شده در این رابطه، از سرنوشت تعدادی از دستگیر شدگان هیچ اطلاعی نیست. خانواده های دستگیر شدگان برای آزادی فرزندان و بستگانشان در برابر زندان تبریز تجمع نمودند که مورد یورش ماموران زندان قرار گرفتند.

دستگیری فعالان محیط زیست در تبریز و ارومیه محکوم است و آنان به همراه همه زندانیان سیاسی باید آزاد شوند. سازمان عفو بین الملل روز دوشنبه ۱۶ فروردین خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط تمامی بازداشت شدگان شد.

در آستانه اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگران دبیر خانه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران منتشر می کند.

برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران در سال ۱۳۸۹

اردیبهشت ۱۳۸۹

چند توضیح: حرکت‌های کارگری که در لیست زیر جمع آوری شده در ۱۲ شماره نبرد خلق در سال ۱۳۸۹ به شکل مشروح تری همراه با منبع خبر منتشر شده است.

این اخبار به نقل از رسانه های جمعی گوناگون است و مسلماً بسیاری از حرکت‌های کارگری که در رسانه های جمعی پوشش خبری داشته در این لیست وجود ندارد.

بسیاری از حرکت‌های کارگری در سال گذشته پوشش خبری پیدا نکرده و بنابراین این لیست نمی تواند بیان کامل حرکت‌های کارگری در سال گذشته باشد.

در این بیان در مجموع ۲۳۰ حرکت کارگری ثبت شده است. هر یک از این حرکت‌های اعتراضی از چند ساعت تا چند روز بوده است. سرانجام این که در این بیان یک ساله، حرکت‌های اعتراضی بخش‌های دیگر نیروی کار مثل معلمان، پرستاران و... منظور نشده است.

برای اطلاع روزانه از چالش‌ها و حرکت‌های کارگران و مزدبگیران ایران به سایت جنگ خبر در آدرس زیر مراجعه کنید:

<http://www.jongekhabar.com/>

فروردین ۱۳۸۹

۱۶ فروردین: تجمع کارکنان کارخانه سیلان پارچه اردبیل در مقابل ساختمان استانداری اردبیل

۱۹ فروردین: تجمع کارگران شرکت صنایع اراک

۲۰ فروردین: اعتصاب کارگران صید ماهی در بندر میناب بندر عباس

۲۱ فروردین: اعتصاب کارگران و اتوبوسرانان ترمینال زاگرس واقع در بلوار پاسداران اهواز

۲۲ فروردین: تجمع کارگران کارخانه چینی حمید در مقابل درب اداره کل کار و امور اجتماعی استان قم

۲۳ فروردین: اعتصاب کارگران شرکت طریق آفتاب که در شهرداری منطقه ۲ آبادان مشغول به کار هستند در مقابل شورای شهر

۲۳ فروردین: تجمع کارگران و نمایندگان شرکت تخلیه و بارگیری فعال در بارانداز شلمچه در مقابل ساختمان مرکزی منطقه آزاد اروند در آبادان

۲۹ فروردین: تجمع کارگران کارخانه قند بردسیر در مقابل فرمانداری این شهر

۳۰ فروردین: تجمع کارگران شرکت مجتمع گوشت مرودشت در مقابل اداره کار مرودشت

* مراسم کارگری در سنندج با حضور جمعی از کارگران، فعالان کارگری و خانواده هایشان

* تجمع کارگری در شیراز در مقابل استانداری فارس با در دست داشتن پلاکاردهایی با شعار «سرنوشت سیاه»

«کارگر، روز بی کاری ات مبارک!» و «تا حقوق نگیریم، از پا نمی نشینیم»

* در کرمان نیروهای امنیتی برای پراکنده کردن کارگرانی که مقابل استانداری تجمع کرده بودند، از گاز اشک‌آور استفاده کردند.

* در قزوین، هزاران تن از کارگرانی که در ورزشگاه آن شهر گردهم آمده بودند، با شعار «کارگر اتحاد اتحاد» علیه اخراج کارگران و سایر مشکلات کارگری مراتب اعتراض خود را اعلام کردند.

* تجمع و اعتراض کارگران و سر دادن شعار در شهرک صنعتی البرز

* تجمع کارگران در تبریز در مقابل اداره کار

۱۲ اردیبهشت: کارگران چینی البرز قزوین در اعتراض به حکم انحلال کارخانه در مقابل کارخانه چینی البرز تجمع کردند.

۱۴ اردیبهشت: کارگران چینی البرز در مقابل دفتر سهام‌دار عمده چینی البرز تجمع اعتراضی برپا کردند.

۱۵ اردیبهشت: کارگران بازنشسته شرکت «واگن پارس» اراک در مقابل دفتر این شرکت تجمع کرده اند.

۱۸ اردیبهشت: کارگران کارخانه فرنی قزوین در مقابل درب این کارخانه تجمع کردند.

۱۹ اردیبهشت: کارگران شرکت فرد پهرنگ در مقابل اداره کار هشتگرد کرج اقدام به تجمع اعتراضی کردند.

۲۰ اردیبهشت: کارگران اخراجی نوشابه سازی ساسان در محل کار سابق خود تجمع کردند.

۲۶ اردیبهشت: کارکنان مراکز مخابرات روستایی کل کشور در برابر مجلس شورای اسلامی تجمع کردند.

* کارگران صنایع فلزی در منطقه جاده قدیم کرج ۴ روز اعتصاب کردند.

۲۹ اردیبهشت: کارگران معادن ذغال سنگ «پروده» در طیس دست از کار کشیده و با اعتصاب در محل معادن تجمع کردند.

خرداد ۱۳۸۹

۳ خرداد: کارگران قند بردسیر دست به تجمع و راهپیمایی زدند.

۵ خرداد: کارگران کارخانه گندله سازی سیرجان دست به اعتصاب و اعتراض چند روزه زدند.

۱۵ خرداد: کارگران صنایع فلزی شماره یک (شرکت مصنوعات زرین تهران) پس از ۲۴ روز اعتصاب و تجمع مداوم به اعتصاب خود پایان دادند.

۱۸ خرداد: کارگران چینی البرز قزوین تجمع اعتراضی کردند.

۱۹ خرداد: براندگان تند رو (بی. آر. تی) خط ۱ تهران دست به اعتصاب زدند.

۲۷ خرداد: کارگران منطقه یک شهرداری آبادان دست از کار کشیدند.

تیر ۱۳۸۹
۷ تیر: کارگران کارخانه پارس‌متال تهران تجمع کردند.

* کارگران پالایشگاه آبادان دست به تجمع زدند.

۸ تیر: کارگران اخراجی خدمات کشاورزی سنندج دست به تجمع اعتراضی زدند.

۱۴ تیر: کارگران شرکت نساجی نازنخ قزوین تجمع کردند.

۱۵ تیر: کارگران شرکت ساختمان نصب واقع در شرکت پالایش نفت آبادان، دست از کار کشیده و در محل پروژه فاز ۳ پالایشگاه آبادان تجمع نمودند.

۱۶ تیر: کارگران سد ژاوه سنندج دست به اعتصاب زدند.

۱۷ تیر: بایگان اعتصاب و اعتراض دو روزه کارگران شرکت آهنگری تراکتورسازی ایران در تبریز.

۲۱ تیر: کارگران شرکت پرهون از پیمانکاران نیروگاه سنندج دست به اعتصاب زدند.

۲۳ تیر: کارگران شرکت زمزم آبادان چند روز دست از کار کشیدند.

۲۴ تیر: کارگران شرکت گل گهر سیرجان دست به اعتصاب زدند و به مدت ۵ روز در مقابل فرمانداری سیرجان تجمع کردند.

۲۸ تیر: کارگران شرکت پایاپ کوثر در پاره دست به اعتصاب زدند.

۲۹ تیر: کارگران سد ژاوه سنندج برای چندمین بار متوالی دست به اعتصاب زدند.

۳۰ تیر: کارگران اخراجی کارخانه سازمانیه پاکدشت تجمع اعتراضی کردند.

۳۱ تیر: جمعی از بازنشستگان و مستمری‌بگیران سازمان تامین اجتماعی در مقابل مجلس رژیم کرج کردند.

* کارکنان مرکز اطلاعات تلفن ۱۱۸ شرکت مخابرات کرمانشاه در مقابل استانداری کرمانشاه تجمع کردند.

مرداد ۱۳۸۹

۲ مرداد: کارگران کارخانه فرنیخ در مقابل این کارخانه در شهرک صنعتی البرز قزوین تجمع کردند.

۳ مرداد: کارگران، رانندگان و کارکنان اداری شرکت راه سازی نام اوران دست از کار کشیدند.

۹ مرداد: کارگران کارخانه نازنخ قزوین در مقابل وزارت صنایع قزوین تجمع کردند.

۱۳ مرداد: کارگران کارخانه قند بردسیر در مقابل این کارخانه تجمع کردند.

* کارگران کارخانه چینی البرز در مقابل این شرکت در شهرک صنعتی قزوین دست به تجمع زدند.

۱۶ مرداد: کارگران کارخانه نازنخ قزوین در مقابل اداره صنایع قزوین تجمع کردند.

۱۸ مرداد: کارگران کارخانه چینی البرز قزوین مقابل این شرکت تجمع کردند.

۱۹ مرداد: کارگران شرکت مواد شیمیایی رومر در مقابل این شرکت در کیلومتر ۵ جاده قدیم قزوین-کرج تجمع اعتراضی برگزار کردند.

۲۰ مرداد: کارگران کارخانه نازنخ قزوین بقیه در صفحه ۲۱

برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران در سال ۱۳۸۹

بقیه از صفحه ۲۰
برای چندمین بار در مقابل این شرکت تجمع کردند.
۲۳ مرداد: چهارمین روز اعتصاب کارگران شرکت بن رو، مونتاژ کننده ماشینهای خارجی (بنزهای کوپه).
۲۸ مرداد: کارگران کارخانه کیان تایر دست به اعتصاب زدند و با بستن درب انبارها مانع خروج لاستیک از کارخانه شدند.
۳۰ مرداد: کارگران اخراجی سازمانیه در محل کارخانه واقع پاکدشت برای گرفتن حقوق خود تجمع اعتراضی برپا کردند.
۳۱ مرداد: رانندگان و کارکنان فنی شرکت واحد اتوبوسرانی تهران اعتصاب کردند.

شهریور ۱۳۸۹

۱ شهریور: کارگرانی که در کارخانه آجر پزی سازمانیه به طور قراردادی استخدام شده اند در مقابل کارخانه تجمع اعتراضی برگزار کردند.

* کارگران مجتمع فولاد هرمزگان دست به تجمع زدند.
۲ شهریور: کارگران کارخانه لوله سازی خوزستان در جلوی دفتر این شرکت در اهواز تجمع کردند.

* کارگران پیمانکاری منطقه یک شهرداری آبادان در مقابل شهرداری منطقه یک آبادان اجتماع کردند.
* کارگران چینی البرز در مقابل این شرکت تجمع اعتراضی برپا کردند.

۳ شهریور: جمعی از کارکنان کارخانجات مخابراتی راه دور ایران (ITI) در شیراز، در مقابل این کارخانه تجمع اعتراض کردند.

۴ شهریور: تعدادی از کارگران اخراجی کارخانه برفاب شهردار مقابل استانداری این شهر تجمع کردند.

۶ شهریور: کارگران و کارمندان شرکت مخابرات راه دور برای دومین بار طی یک هفته در مقابل درب ورودی این شرکت در شیراز تجمع کردند.

۹ شهریور: کارگران کارخانه ریسندگی نازنخ قزوین در مقابل این شرکت برای چندمین بار تجمع کردند.

۱۴ شهریور: کارگران کارخانه لوازم خانگی آردل در محل کارخانه و در مقابل دفتر مدیریت تجمع اعتراضی برپا کردند.

* کارگران شیفت روز و شیفت شب قالبگیر و آرماتور بند شرکت پرهون طرح دست به اعتصاب زدند.

۱۶ شهریور: کارگران شرکت پارسیان دست به اعتصاب زدند.

* کارگران نساجی بابکان در مقابل فرمانداری شهرستان اصل دست به تجمع اعتراضی زدند.

* کارگران کارخانه کنف کار رشت در مقابل فرمانداری این شهرستان تجمع کردند.

۱۷ شهریور: کارگران کارخانه آزمایش مرودشت در مقابل دفتر مدیریت این کارخانه تجمع کردند.

* کارگران شرکت کرپ ناز کرمانشاه در مقابل مدیریت بانک ملت این شهر دست به تجمع اعتراضی زدند.

۱۸ شهریور: کارگران فنی و مهندسان چند شرکت ساختمانی در خیابان توحید دست به تجمع اعتراضی زدند.

۲۲ شهریور: کارگران اخراجی شرکت تولید سازه های برق آذربایجان در مقابل فرمانداری تبریز تجمع کردند.

* کارگران کارخانه چینی البرز قزوین برای چندمین بار در مقابل این کارخانه تجمع کردند.

۲۳ شهریور: کارگران کارخانه ریسندگی نازنخ در مقابل دفتر مرکزی این شرکت در تهران، واقع در تقاطع خیابانهای استاد نجات‌اللهی و ورشو دست به تجمع اعتراضی زدند.

* کارگران شرکت پرهون طرح از پیمانکاران نیروگاه سنجند در ادامه اعتصابات هفته گذشته، دست به اعتصاب زدند.

۲۸ شهریور: کارگران کارخانه آوند پلاستیک قزوین در مقابل دفتر امور اداری این شرکت تجمع کردند.

۲۹ شهریور: کارگران کارخانه ریسندگی نازنخ در مقابل این کارخانه تعطیل شده تجمع کردند.

مهر ۱۳۸۹

۳ مهر: کارگران کارخانه ریسندگی خاور رشت در مقابل استانداری گیلان تجمع کردند.

۴ مهر: کارگران کارخانه کرپ ناز کرمانشاه، پس از تجمع در مقابل اداره کار و امور اجتماعی و استانداری، برای چندمین بار مقابل ساختمان مرکزی بانک ملت کرمانشاه تجمع کردند.

* کارگران معترض کارخانه ریسندگی نازنخ قزوین در مقابل این کارخانه تجمع کردند.

* کارگران کارخانه چینی البرز قزوین در مقابل این شرکت تجمع کردند.

* کارگران شرکت لاستیک بارز دست از کار کشیدند و تا صبح روز چهارشنبه ۷ مهر به اعتصاب ادامه دادند.

۶ مهر: کارگران کارخانه روغن نباتی پارس فو در تهران دست از کار کشیدند.

* کارگران کارخانه کنف کار (ایران کنف) در مقابل استانداری گیلان واقع در خیابان معلم رشت تجمع کردند.

۹ مهر: کارگران شرکت پرهون به مدت سه روز اعتصاب کردند.

۱۰ مهر: کارگران کیان تایر دست به اعتصاب زدند.

۱۱ مهر: کارکنان دانشگاه فردوسی مشهد در مقابل ساختمان مرکزی دانشگاه تجمع کردند.

* کارگران کیان تایر ضمن تداوم اعتصاب خود دست به تجمع در مقابل انظمامات کارخانه زدند و در ادامه، ظهر همین روز از خوردن غذای کارخانه خودداری کرده و اعتصاب غذا کردند.

۱۴ مهر: رانندگان مسکن مهر سنجند واقع در ویلا شهر برای گرفتن مطالباتشان دست به اعتصاب زدند

۱۷ مهر: کارگران پروژه ساخت نیروگاه سیکل ترکیبی یزد دست به اعتصاب زدند.

* کارگران شرکت پوشینه بافت برای چهارمین بار از قزوین به تهران آمده و مقابل نهاد ریاست جمهوری تجمع کردند.

۱۸ مهر: کارگران کارخانه کاغذسازی کارون در مقابل مجلس رژیم تجمع کردند.

* کارگران البرز بافت و شرکت فرنج قزوین در مقابل ساختمان ریاست جمهوری تجمعی اعتراضی برگزار کردند.

۱۹ مهر: کارگران کارخانه های آونگان اراک، کمباین سازی و واگن پارس در مقابل کارخانه تجمع و تحصن کرده و ورودی شهر اراک را مسدود کردند.

* کارگران کارخانه های کمباین سازی و واگن پارس در مقابل درب کارخانه و ورودی شهر اراک تجمع کردند.

۲۱ مهر: کارگران کارخانه ریسندگی فرنج قزوین در مقابل درب اصلی این کارخانه برای دومین روز تجمع اعتراضی برپا کردند.

* کارگران معترض کارخانه روغن نباتی پارس فو در محل کارخانه تجمع اعتراضی برگزار کردند.

۲۴ مهر: کارگران پیمانکاری شاهین کار، تحت پوشش شهرداری منطقه یک آبادان در مقابل ساختمان مرکزی شهرداری این شهر تجمع اعتراضی برپا کردند.

۲۶ مهر: کارگران نساجی خامنه در تبریز در مقابل فرمانداری این شهر دست به تجمع زدند.

آبان ۱۳۸۹

۱ آبان: کارگران شرکت پوشینه بافت در مقابل درب این شرکت تجمع کردند.

۲ آبان: کارگران کیان تایر با تجمع در مقابل کارخانه، تا پایان وقت اداری روز یکشنبه ۲ آبان اقدام به آتش زدن لاستیک در محل کارخانه و مشرف به جاده اسلامشهر (روبروی بخشداری چهاردانگه) کردند.

۶ آبان: کارگران کارخانه نورد و لوله صفا واقع در جاده تهران - ساوه، دست به اعتصاب غذا زدند.

* کارگران سازمان فضای سبز شهرداری آبادان در مقابل شهرداری مرکزی آبادان تجمع کردند.

۹ آبان: کارگران سیمان درود واقع در استان لرستان به خاطر اعتراض و اعتصاب دستگیر شدند.

* کارگران کارخانه لبنیات شقایق در مقابل اداره کل صنایع تجمع کردند.

* کارگران فنی ریلهای راه آهن بین شهری تهران در منطقه اسلام شهر اعتصاب کردند.

* کارگران شرکت پوشینه بافت در مقابل استانداری قزوین تجمع اعتراضی برگزار کردند.

۱۰ آبان: کارگران فازهای ۱۴ و ۱۵ میدان گازی پارس جنوبی که در اختیار شرکت‌های وابسته به سپاه پاسداران است اعتصاب کردند.

۱۲ آبان: کارگران کارخانه نساجی مازندران پس از راهپیمایی از محل این واحد تولیدی، در مقابل فرمانداری قائم شهر تحصن کردند.

* کارگران کارخانه لاستیک البرز تهران، در پی قول نمایندگان وزارت صنایع و کارفرما برای قبول خواسته هایشان به اعتصاب یک ماهه خود پایان دادند.

* کارگران و بازنشستگان تامين اجتماعي در مقابل مجلس تجمع کردند.

۱۵ آبان: جمعی از اعضای خانه کارگر در مقابل مجلس تجمع کردند.

۱۶ آبان: کارگران معادن روستاهای رودبار و قشلاق مینودشت واقع در استان گلستان دست به اعتصاب و اعتراض زدند.

۱۷ آبان: کارگران اخراجی کارخانه قند بردسیر در مقابل اداره کار این شهر تجمع کردند.

۱۸ آبان: کارگران شرکت پوشینه بافت در مقابل استانداری قزوین تجمع کردند.

۱۹ آبان: کارگران کارخانه چینی البرز واقع در شهر قزوین در مقابل اداره صنایع این شهر تجمع اعتراضی برپا کردند.

۲۲ آبان: کارگران شرکت ساختمانی بنایی مهرداد اعتصاب کردند.

۲۳ آبان: کارکنان استانداری اردبیل در محل استانداری تجمع اعتراضی کردند.

۲۴ آبان: کارگران کفش بلا در مقابل دفتر مرکزی این شرکت تجمع کردند.

* کارگران نورد لوله صفا بار دیگر اعتصاب کردند.

۲۹ آبان: کارگران شرکت لوله‌سازی خوزستان در مقابل استانداری در شهر اهواز تجمع اعتراضی کردند.

۳۰ آبان: کارگران کارخانه لوله‌سازی خوزستان در مقابل استانداری خوزستان و سپس فرمانداری اهواز تجمع کردند.

آذر ۱۳۸۹

۱ آذر: کارگران ساختمانی در مقابل مجلس رژیم تجمع اعتراضی کردند.

* کارگران کارخانه کنف کار رشت در مقابل سازمان صنایع و معادن گیلان تجمع اعتراضی کردند.

۲ آذر: ادامه تجمع اعتراضی کارگران کنف کار.

۳ آذر: کارگران شرکت جهان فارس دست به اعتصاب زدند و مسیرهای چهار راه دپلم، سه راه گناوه، چهار راه بی بی حکیمه و چهار راه سیاه مکان را به روی تمام ماشینهای شرکت و دیگر خودروها بستند.

* کارگران دو شرکت پیمانکاری (نگار نصب و ایمن پرتو) در مقابل سازمان منطقه آزاد اروند تجمع کردند.

۶ آذر: کارگران کارخانه مخابرات راه دور در شیراز در محل این واحد تولیدی تجمع کرده اند.

* کارگران بخشهای مختلف راه آهن بین شهری تهران، در اعتراض به عدم دریافت چندین ماه دستمزدهای معوق، دست از کار کشیده و در محوطه سایت راه آهن واقع در میدان راه آهن تهران دست به اعتصاب و تجمع اعتراضی زدند.

۹ آذر: کارگران معدن طلای آغ دره آذربایجان در برابر ساختمان فرمانداری بقیه در صفحه ۲۲

برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران در سال ۱۳۸۹

بقیه از صفحه ۲۱

شهرستان تکاب تجمع کردند.
۱۰ آذر: کارگران لوله سازی خوزستان برای چندمین بار مقابل ساختمان حراست این شرکت تجمع کردند.
۱۳ آذر: کارگران کارخانه لوله سازی خوزستان در مقابل استانداری خوزستان تجمع اعتراضی برگزار کرده و به سمت دادگستری خوزستان راهپیمایی نمودند.
* کارگران ریسنجی خاور رشت در مقابل اداره صنایع و معادن رشت تجمع نمودند.
۱۵ آذر: کارگران شرکت ریسنجی و بافگی کاشان روبروی فرمانداری ویژه شهرستان کاشان تجمع کردند.
۲۰ آذر: کارگران اخراجی کارخانه نساجی کردستان در مقابل اداره کار شهر سنندج تجمع اعتراضی برپا کردند.
۲۲ آذر: کارگران صنایع فلزی شماره یک در محل کارخانه تجمع اعتراضی کردند.

دی ۱۳۸۹

۱ دی: براندگان تاکسی در شهر بوکان دست به تجمع اعتراضی زدند.
* براندگان تاکسی در سمنان تجمع اعتراضی برپا کردند.
* براندگان وسایل نقلیه گرگان دست به اعتصاب زدند.
* براندگان تاکسی در مقابل فرمانداری این شهر دست به تجمع اعتراضی زدند.
* براندگان کامیون در اصفهان در تداوم اعتراضات خود دست به اعتصاب زدند.
* تاکسیسیرانان همدان در مقابل استانداری استان دست به تجمع اعتراضی زدند.
* براندگان کامیونها و شرکتهای حمل و نقل شهر اهواز اعتصاب کردند.
* براندگان تاکسی در شهر ساری دست به اعتصاب زدند.
* براندگان وسایل نقلیه شخصی و عمومی شهر گنبد کاووس اعتصاب کردند.
* کارمندان شرکت مخابرات استان البرز در محل کار خود دست از کار کشیده و تحصن نمودند.
* کارگران و تکه کاران خیابان در شهر بوکان دست از کار کشیدند.
۶ دی: کارگران کارخانه کف کار رشت در مقابل فرمانداری رشت تجمع نمودند.
۷ دی: کارگران کشت و صنعت کارون شوشتر (کارگران نی بر دستی) در مقابل سازمان تامین اجتماعی خوزستان تجمع کردند.
* کارگران کارخانه لوله سازی اهواز برای دومین روز متوالی در مقابل ساختمان حراست این کارخانه تجمع اعتراضی برپا کردند.

۱۰ دی: کارکنان پتروشیمی تهران در میدان شیخ بهایی این شهر دست به تجمع اعتراضی زدند.
۱۱ دی: کارگران اخراجی کارخانه های استک و شاهو در مقابل اداره کار این شهر دست به تجمع و اعتراض زدند.
* کارگران اخراجی کارخانه نساجی کردستان در مقابل اداره کار رژیم در شهر سنندج، تجمع اعتراضی برپا کردند.
* کارگران کارخانه لاستیک بارز کرمان به مدت ۴ روز تجمع اعتراضی کردند.
۱۲ دی: کارگران کارخانه قند بردسیر در مقابل اداره کار شهر کرمان تجمع اعتراضی برپا کردند.
۱۳ دی: کارگران معترض مجتمع گوشت استان فارس برای چندمین بار تجمع اعتراضی برپا کردند.
۱۴ دی: ادامه اعتصاب چند روزه کارگران کارخانه و کارگاههای مستقر در مجتمع صنعتی البرز.
۱۷ دی: کارگران کارخانه پارس متال در ادامه تجمعات روزانه خود در مقابل درب اصلی این کارخانه تجمع اعتراضی برپا کردند.
* کارگران کارخانه لوله سازی البرز (کفش ملی سابق) واقع در جاده قدیم کرج اعتصاب کردند.
۱۸ دی: کارگران مجتمع کشتارگاه صنعتی شیراز دست به اعتصاب زدند.
۱۹ دی: کارگران کیان تایر اعتصاب خود را آغاز کردند.
۲۰ دی: کارگران فازهای مختلف منطقه صنعتی عسلویه اعتصاب کردند.
۲۱ دی: کارگران لوله ساز اهواز در تداوم تجمعات اعتراضی خود باردیگر در مقابل ساختمان حراست این کارخانه تجمع اعتراضی برپا کردند.
۲۲ دی: کارگران کیان تایر اقدام به آتش زدن لاستیک در محل کارخانه مشرف به جاده اسلامشهر (روبروی بخشدار چهاردانگه) کردند.
۲۷ دی: کارگران شرکت تبریز ساختمان مجری ساخت قطعه ۵ راه آهن قزوین به رشت در مقابل استانداری گیلان تجمع کردند.
۲۸ دی: کارکنان صنعت برق در مقابل ساختمان مدیریت برق منطقه ای تهران تجمع کردند.
۳۰ دی: کارگران شهرداری شوشتر اعتصاب کردند. این دومین اعتصاب کارگران شهرداری شوشتر طی ۲۰ روز گذشته است.

بهمن ۱۳۸۹

۱ بهمن: کارگران خیاب سنندج به سوی استانداری راهپیمایی کردند اما به دلیل شرایط امنیتی حاکم در مقابل استانداری، مجبور شدند تجمع خود را در برابر مسجد جامع شهر سنندج برگزار نمایند.
۴ بهمن: کارگران شرکت پارس متال در برابر مجلس رژیم تجمع کردند.
۹ بهمن: کارگران کارخانه نساجی قائمشهر برای چند روز در مقابل کارخانه تجمع اعتراضی برپا کردند.
* کارگران کارخانجات نساجی مازندران شامل گونی بافی، نساجی تالار و شماره دو، در مقابل نساجی طبرستان تجمع اعتراضی برپا کردند.
۱۰ بهمن: کارگران کارخانه پارس متال در مقابل مجلس رژیم، تجمع اعتراضی برپا کردند.
۱۱ بهمن: تجمع کارگران نئوپان شومشک در مقابل اداره کل کار و امور اجتماعی استان گلستان.
* کارگران معترض کارخانه نساجی مازندران برای سومین روز در مقابل نساجی طبرستان تجمع اعتراضی برپا کردند.
۱۲ بهمن: کارگران لوله سازی خوزستان، در فلکه مقابل ساختمان حراست این شرکت تجمع کردند.
۱۳ بهمن: اعتصاب ۴ روزه کارگران و شماری از کارکنان شاغل در نیروگاه برق گرگان (نیروگاه پژو) از ۱۰ تا ۱۳ بهمن.
۱۶ بهمن: کارگران پروژه احداث تصفیه خانه آب شرب طبس، در مقابل فرمانداری این شهر تجمع اعتراضی برپا کردند.
* کارگران معترض کارخانه لاستیک سازی کیان تایر، در کنار جاده اسلامشهر دست به تجمع اعتراضی زدند و اقدام به آتش زدن لاستیک در محوطه کارخانه کردند.
* شماری از اعضای تعاونی مسکن کارگران برق تهران در مقابل دستگاه قضایی رژیم تجمع اعتراضی برپا کردند.
۱۷ بهمن: کارگران معترض کارخانه پوشینه بافت قزوین، در مقابل استانداری قزوین تجمع اعتراضی برپا کردند.
* کارگران شاغل در کارخانه سازمایه در پاکدشت باردیگر در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای موقه خود، در این کارخانه تجمع اعتراضی برپا کردند.
۱۸ بهمن: کارگران کارخانه کاشی سرامیک کازرون با تجمع مقابل ساختمان فرمانداری این شهرستان، خواستار راه اندازی مجدد آن شدند.
* کارگران شهرداری اهواز در مقابل ساختمان شورای شهر اهواز دست به تجمع زدند.
۱۹ بهمن: کارگران پوشینه بافت قزوین در اعتراض به عدم دریافت دستمزدهای موقه ۱۱ ماهه خود مجدداً دست به تجمع اعتراضی زدند.
۲۰ بهمن: کارگران کارخانه قند بردسیر در کرمان با دیگر در حرکتی اعتراضی با تجمع در مقابل فرمانداری این شهر، خواستار دریافت دستمزدها و مطالبات موقه خود شدند.
۲۴ بهمن: کارگران کارخانه قند بردسیر کرمان در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای موقه و بیمه خود، بار دیگر در برابر اداره کار این شهر تجمع نمودند.
۲۵ بهمن: کارگران پالایشگاه نفت آبادان در اعتراض به بیکاری، دست به اعتصاب زدند و مقابل درب پالایشگاه بر روی زمین دراز کشیدند و مانع رفت و آمد به پالایشگاه شدند.
۳۰ بهمن: کارگران اخراجی نساجی کردستان، در مقابل اداره کار در شهر سنندج، دست به تجمع زدند.
* کارگران شرکت پارس سویج زنجان وابسته به وزارت نیرو دست به اعتصاب زدند.

اسفند ۱۳۸۹
۱ اسفند: کارگران ساختمان نصب پالایشگاه آبادان (واحد اورهور)، دست به اعتصاب و اعتراض زدند.
۳ اسفند: کارگران متخصص و پیمانی شاغل در مجتمع پتروشیمی تبریز برای سومین روز تجمع کردند.
۴ اسفند: کارگران اخراجی شرکت سازمایه در محوطه این شرکت دست به تجمع اعتراضی زدند.
۷ اسفند: کارگران کارخانه لاستیک البرز (کیان تایر) در مقابل بخش چهار دانگه اقدام به برگزاری تحصن نمودند.
۹ اسفند: کارکنان تامین اجتماعی شمیران دست به اعتصاب چند ساعته زدند.
۱۱ اسفند: کارگران کارخانه پارسیلون لرستان همزمان با حضور محمود احمدی نژاد در شهر خرم آباد با حمل پلاکارد «ما کارگران پارسیلون گرسنه ایم»، به استقبال وی رفتند.
* کارگران کارخانه لاستیک البرز (کیان تایر) در ادامه حرکت‌های اعتراضی خود در مقابل این کارخانه تجمع و تحصن کردند.
۱۲ اسفند: کارگران مجتمع پتروشیمی تبریز روزهای ۷، ۹ و ۱۲ اسفند، در این مجتمع تجمع و تحصن کردند.
۱۳ اسفند: کارگران صد مخزنی داریان در مقابل فرمانداری شهر پاوه دست به تجمع زدند.
۱۴ اسفند: کارگران سه کارخانه کاشی و سرامیک سازی دولتی در میدان در مقابل دانشگاه آزاد این شهر تجمع کردند.
۱۶ اسفند: همزمان با سفر محمود احمدی نژاد به شیراز، کارگران مجتمع صنعتی گوشت در مقابل استانداری فارس تجمع کردند.
۱۷ اسفند: کارگران تحت پوشش یکی از پیمانکارهای مشغول در پروژه سیکل ترکیبی نیروگاه گازی آبادان به مدت دو روز اعتصاب کردند.
۱۸ اسفند: کارگران نساجی مازندران در مقابل فرمانداری قائمشهر تجمع کردند.
* اعتصاب کارگران کارخانه فولاد شهر میند واقع در استان یزد وارد پنجمین روز خود شد.
۲۰ اسفند: کارگران کارخانه پارسیلون واقع در خرم آباد لرستان از آغاز اسفند چهار روز دست به اعتصاب زدند.
۲۱ اسفند: براندگان کامیونهای باری در مرز رسمی باشماخ مریوان دست به اعتصاب زدند.
* کارگران کارخانه لاستیک البرز (کیان تایر) در مقابل کارخانه تجمع اعتراضی برپا کردند.
۲۲ اسفند: کارگران کارخانه لاستیک البرز (کیان تایر) در مقابل دفتر ریاست جمهوری تجمع کرده‌اند.

دیبر خانه سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران
دو شنبه ۲۲ فروردین ۱۳۹۰ - ۱۱ آوریل ۲۰۱۱

بیانیه‌ی شماره ۱ شورای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر سال ۱۳۹۰

سال ستیز طبقاتی به جای جهاد اقتصادی

طبقاتی باوردارند می‌خواهیم که با انتشار و گسترش بیانیه‌های این شورا و مطالبات هشت گانه‌ی اعلام شده، ما و مبارزه‌ی مشترکمان را یاری رسانند.

به علاوه هرگونه نظر و یا پیشنهاد درباره‌ی مفاد بیانیه‌ها، مطالبات هشت گانه و یا هر پیشنهاد درباره‌ی برگزاری مراسم در روز ۱۱ اردیبهشت از طریق ایمیل رسمی ما (may1390@gmail.com) قابل دریافت، بررسی و اقدام است.

مطالبات هشت گانه‌ی کارگران ایران - سال ۱۳۹۰

1- ما کارگران برای مقابله با قراردادهای موقت، سفید امضا و قراردادهای شرکت‌های پیمان کاری با اتحاد و آگاهی و با ایجاد تشکل‌های خود دست به مبارزه خواهیم زد.

2- حذف یارانه‌ها هجوم به سفره‌ی خالی کارگران است؛ ما ضمن گسترده کردن اقدام برای نپرداختن قبض‌های آب، برق، تلفن و گاز از هر طریق ممکن دیگر و به صورت متحد و متشکل با این اقدام و طرح ضد کارگری مبارزه خواهیم کرد.

3- ما اعلام و تعیین حداقل دستمزد ۳۳۰ هزار تومان که چندین برابر زیر خط فقر است و توسط نهاد سرمایه‌داری شکاری‌علی کار تعیین شده و نیز روش ضد کارگری و خائنه‌ی سه جانبه‌گرایی را محکوم می‌کنیم؛ در روش سه جانبه‌گرایی، مذاکره و توافق بین نمایندگان کارفرمایان و نماینده دولت (که همگی از طبقه‌ی سرمایه‌دار هستند) از یک سو و از سوی دیگر نماینده‌ی کارگران انجام می‌گیرد و کارگران در مقابل دو رای سرمایه‌داری بازنده خواهند بود. ما اعلام می‌داریم که افزایش دستمزد با خواهش و توافق و مذاکره حاصل نمی‌شود. کارگران باید با اعتراض و نمایش قدرت و اعتصاب و با مبارزه‌ی متشکل و متحد دستمزدهایی متناسب با استانداردهای زندگی را به سرمایه‌داری تحمیل کنند.

4- کارگران و فعالان کارگری زندانی باید آزاد شوند و ما هرگونه دستگیری، اخراج و تحت فشار قرار دادن کارگران را محکوم نموده و به صورت گسترده برای آزادی آنان مبارزه خواهیم کرد. بقیه در صفحه ۲۴

شده یعنی اصلاح‌طلبان و لیبرال‌ها از جمله کروی - موسوی - خاتمی و یا هرگونه سرمایه‌داری از نوع کراواتی، لیبرال، نولیبرال، ناسیونالیست، مذهبی، سلطنتی و یا هر شکل دیگری از سرمایه‌داران فرقی نمی‌کند! ما تنها و تنها باید با اتکا بر نیروی طبقاتی خودمان و با ایجاد و تقویت و گسترش تشکل‌های خودساخته و مستقل از دولت، کارفرما و سرمایه‌داران و با ایجاد و یا تقویت سازمان‌ها و نهادهای سیاسی و کارگری خود، با نبردی فراگیر علیه کلیت نظام سرمایه‌داری ستیز کنیم.

ما کارگران باید به دقت اشکال مبارزه سازمان‌یافته و متشکل خود را بر اساس شرایط و بر اساس توازن قوا انتخاب کنیم. اکنون علاوه بر مبارزات علنی، متشکل، متحد، گسترده، توده‌ای و اجتماعی و فراگیر و به موازات آن، بعضی از ما کارگران باید بتوانیم هسته‌های مخفی، کمیته‌ها و محافل مخفی را در محل کار و زندگی خود ایجاد کنیم. ما نباید تمام نیرو و امکانات خود را در معرض دید و حمله‌ی نظام سرمایه‌داری قرار دهیم.

بار دیگر تاکید می‌کنیم که برای مقابله با مصلحت‌پیش‌رو، ما کارگران هیچ چاره‌ای جز ایجاد تشکل‌های خود ساخته و مستقل نداریم و لازم است به افشا و مبارزه با باورهای اشتی‌جویانه با نظام سرمایه‌داری بپردازیم زیرا خواسته‌های ما با چانه‌زنی و امید و توهم به سرمایه‌داری و با مذاکره و خواهش به دست نمی‌آید!

در این راستا و در آستانه‌ی روز جهانی کارگر - یازده اردیبهشت - که روز جشن و خروش جهانی کارگران و اعلام و تجدید همبستگی بین‌المللی طبقه‌ی جهانی کارگر است، ضمن این سرمایه‌داری که تمامی کارگران را به مبارزه‌ی متشکل و سازماندهی شده علیه نظام سرمایه‌داری در ایران فرا می‌خوانیم، در تقابل با نام گذاری این سال به "سال جهاد اقتصادی" توسط رهبر حاکمیت سرمایه‌داری اسلامی، ما سال ۱۳۹۰ را سال تقویت و گسترش "ستیز طبقاتی" و "نبرد کارگری" اعلام می‌داریم و مطالبات هشت گانه‌ی ذیل را به عنوان اهم مطالبات کارگران ایران اعلام می‌داریم.

ما از تمامی کارگران، فعالان کارگری، تشکل‌ها، رسانه‌ها، نهادها و سازمان‌هایی که به امر تقویت مبارزه‌ی

در بسیاری کشورها کارگران علیه افزایش سن بازنشستگی، افزایش ساعت کار، اخراج کارگران، کاهش دستمزدها و ... دست به اعتراض و اعتصاب زده‌اند؛ درست شبیه به همپالکی‌های سرمایه‌داری اسلامی ایران، سرمایه‌داران در دیگر نقاط جهان نیز کارگران را به "ریاضت اقتصادی" و در واقع به تحمل فلاکت و نکبت موجود دعوت می‌کنند.

نظام سرمایه‌داری و دموکراسی‌های صوری و ننگین آن که عامل فقر و بدبختی، فلاکت، حبس، دیکتاتوری، سرکوب، جنگ افروزی و خرافه پروری است و به خاطر سود محوری و پاسبانی از نظام استثمار گرانه اش، امروزه در سرتاسر دنیا شرایطی بی‌نهایت غیر انسانی ایجاد کرده و موج اعتراض مردمی به مشکلات و مصائب در نقاط مختلف دنیا از جمله آمریکا، انگلیس، سایر نقاط اروپا، مصر و ... برانگیخته شده است. لازم است به کارگران و هم طبقه‌ای‌های مان هشدار بدهیم که آنان باید اصل نظام سرمایه‌داری را آماج حملات خود قرار دهند و نه فقط جناح‌های اکنون حاکم را؛ باید به هوش باشیم که ما کارگران نباید نیروی اعتراضی و طبقاتی خود را تبدیل به ابزاری برای سرنگونی یک جناح سرمایه‌داری و به قدرت رسیدن جناحی دیگر و احتمالان خوش رنگ و لعاب سرمایه‌داری کنیم. کارگران باید با اتکا بر نیروی طبقاتی خود و با حملات سازماندهی شده و متشکل علیه نظام سرمایه‌داری، هم به سرنگونی حاکمیت‌های موجود و دیکتاتوری‌های حاکم بپردازند و هم بتوانند نیروی طبقاتی و سیاسی خود را به جای آن حاکم کنند. در صورتی که اعتراضات و نبرد و ستیز کارگران به صورت متشکل و سازمان‌یافته باشد در کمترین حالت ممکن، آنان خواهند توانست بسیاری از خواسته‌ها و مطالبات خود را به حاکمیت‌های سرمایه‌داری تحمیل کنند.

ما کارگران برای دگرگون کردن وضعیت سیاسی-اقتصادی در ایران، به هر جنگ خارجی علیه خود نه می‌گوییم، ما هرگز تسلیم فریب و توهم پراکنی هیچ کدام از جناح‌های داخلی و خارجی سرمایه‌داری نمی‌شویم. ما به کمک و یاری هیچ دولت سرمایه‌داری اعم از آمریکا، چین، روسیه، انگلیس، فرانسه و ... باور نداریم. برای ما سرمایه‌داری احمدی نژاد-خامنه‌ی - سپاه با جناح دیگر که فعلن اندکی از قدرت رانده

در آستانه‌ی روز جهانی کارگر، اول ماه مه در سال ۱۳۹۰ قرار داریم. سالی که رهبر حاکمیت سرمایه‌داری ایران در ادامه‌ی طرح‌ها و اقدامات هر چه بیشتر برای سرکوب مطالبات و منافع طبقه‌ی کارگر و برای تکمیل برنامه‌ی سرمایه‌داری، آن را سال "جهاد اقتصادی" اعلام کرده است. اما طبقه‌ی کارگر در این سال باید بیش از پیش در مقابل این حاکمیت سرمایه‌داری ایستاده و سال ۱۳۹۰ را به سال تقویت و گسترش "ستیز طبقاتی" و "نبرد کارگری" تبدیل کند.

کارگران در ایران در بدترین وضعیت معیشتی، اقتصادی و سرکوب سیاسی قرار گرفته‌اند؛ قراردادهای موقت، بی‌یکارسازی، دستمزدهای تا چند مرتبه زیر خط فقر و شرکت‌های پیمان کاری و قراردادهای اسارت آورشان به طبقه‌ی کارگر تحمیل می‌شود؛ با طرح حذف یارانه‌ها حاکمیت سرمایه‌داری در ایران هم گام و مطابق با نسخه‌های نهادهای جهانی سرمایه‌داری هم‌چون صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، هجوم گسترده و وحشیانه‌تری را به زندگی و هستی کارگران آغاز کرده است و هم اکنون قیمت‌های برخی اقلام اساسی تا ده برابر افزایش یافته در حالی که دستمزد ها کم‌کم اندک و واره‌اند است و پرداخت مبالغ اندک و مضحک یارانه‌ی نقدی حتی چاره‌ی یک دهم هزینه‌ی زندگی کارگران را نمیکند؛ کارگران و فعالان کارگری و با فعالین تشکل‌های مستقل در جنبش کارگری به حبس، اخراج، تهدید، ارباب و بیکاری محکوم می‌شوند؛ هرگونه اعلام نظر، بیان اندیشه، اعتراض، تظاهرات و هر نوع فعالیت اجتماعی-سیاسی سرکوب می‌شود.

برای دعوت کارگران به تحمل استثمار و بردگی و از طرفی برای حفظ سودآوری سرمایه‌داران، کارگران را به "جهاد اقتصادی" دعوت می‌کنند و با استفاده از این واژگان مذهبی-ناسیونالیستی قصد تخدیر و فریب کارگران را دارند تا شاید کسی فکر کند تحمل این فلاکت "جهاد" است و لازم؛ نه! کارگران فریب این بازی‌ها را نمی‌خورند!

در سایر نقاط جهان نیز کم و بیش و با همین محتوا، وضعیت به همین صورت است و کارگران به صورت روز افزون به مبارزه مشغول‌اند.

زنان در مسیر رهایی

آناهیتا اردوان

تحصن گروههای بنیادگرا علیه حقوق زنان در بنگلادش

اوسوئیتدیرس، ۳ آوریل ۲۰۱۱ - تحصن گروههای بنیادگرای مسلمان علیه طرح پیشنهادی دولت برای دادن حق مالکیت برابر با مردان به زنان در کشور بنگلادش با دخالت پلیس به خشونت کشیده شد. حزب اسلامی بنگلادش موسوم به "کمیتة اجرای قوانین اسلامی" از همه مسلمانان کشور خواسته بود تا علیه طرح پیشنهادی که به زنان حق مالکیت و ارث برابر با مردان می دهد، تحصن کنند. بدین ترتیب، طلاب دینی با بستن خیابانها مانع عبور و مرور مردم شدند. افزوده بر این، آنها به اتوبوسها حمله ور شدند و یک پمپ بنزین را آتش زدند. با دخالت پلیس، بیش از ۱۵۰ نفر دستگیر و بیش از دوازده پلیس نیز زخمی شدند.

نود درصد جمعیت بنگلادش را مسلمانان تشکیل می دهند. این کشور - بر اساس این گزارش - دارای ساختار حکومتی سکولار است اما در رابطه با مساله "ازدواج" و "مالکیت و ارث" پیرو قانون شریعت اسلام است که مورد توجه اکثریت محافظه کاران شهر و روستا می باشد. بر اساس قانون شریعت، زنان نصف مردان ارث می برند.

مدهتاس که تشکلهای مدافع حقوق زنان، قانون مزبور را سرزنش می کنند و خواستار برابری هستند. "شیخ حسینه واجد"، نخست وزیر بنگلادش اعلام کرده است که طرح پیشنهادی خلاف اصول قرآنی نیست.

قانونی علیه آزار و اذیت جنسی زنان در مصر

شبکه خبری زنان، ۶ آوریل ۲۰۱۱ - بر اساس تحقیقات "مرکز حقوق زنان مصری"، کارگران زن بخش خدمات، زنان خانه دار، زنان شاغل و زنان در دیگر عرصه های اجتماعی، همگی مورد آزار و اذیتهای جنسی قرار می گیرند. چهل درصد از این آزار و اذیتهای فیزیکی و ۳۸ درصد، زبانی می باشد. افزوده بر این، بیشتر این آزار و اذیتهای جنسی در روزهای عادی علیه زنان انجام می پذیرد و فقط ۱۲ درصد از زنان قربانی، این قبیل تعرضات را به ماموران دولتی گزارش می کنند، زیرا به سیستم قانونی جهت حمایت از خود اعتمادی ندارند. بر اساس بررسیهای دیگر، ۹۸ درصد زنان توریست و ۸۳ درصد زنان مصری مورد آزار جنسی قرار می گیرند. این بررسی اضافه می

کند که ۶۲ درصد از مردان مصری به انجام این کار اعتراف کرده اند و عجیب تر این که، ۵۳ از آنها، زنان را متهم نموده اند که خود آزار و اذیت جنسی را نه به صورت گفتاری بلکه، به گونه ای دیگر مطالبه می کنند.

با این که به تازگی طرح قانونی که آزار جنسی را عملی غیرقانونی و جزایی می شناسد، به تصویب رسیده اما بسیاری هنوز بر این باورند که این طرح بدون پشتیبانی یک سیستم کارآمد حفاظتی قابل اجرا و کنترل نیست. آنها می گویند، اگرچه این قانون یک گام جدی برای تحریم آزار و اذیت جنسی به شمار می رود، اما قادر نیست این معضل را از بین ببرد. مدافعان حقوق زنان پیشبرد این طرح را در بعد از انقلاب ۲۵ ژانویه امسال مهم ارزیابی می کنند، اما آنها اضافه می کنند که این قانون به درستی مانع آزار جنسی زنان در محل کار نمی شود، زیرا زنی که از کارفرمای خود به دلیل ارتکاب به آزار و اذیت جنسی شکایت می کند، چطور می تواند مطمئن باشد که مورد فشارهای گوناگون از جانب وی، به عنوان مثال "اخراج" قرار نمی گیرد؟

تشکلهای مدافع حقوق زنان در مصر اعتقاد دارند که می بایست مدیران دولتی تحت فشار قرار گیرند تا همه جوانب این معضل اجتماعی را مورد بررسی قرار دهند و آن را به صورت قانون کیفری لازم الاجرا در نظر بگیرند. تشکل "مرکز حقوق زنان مصری" قبل از انقلاب مصر نشستهای متعددی با تشکلهای دیگر، وکلای دادگاه قانون اساسی و اعضای زن پارلمان پیشین برگزار کرد تا آنها این موضوع را مورد توجه قرار دهند. افزوده بر این، قانون مزبور بر موضوع آزار و اذیت جنسی اعمال شده بر روی زنان تاکید نمی کند و در این رابطه اختلافی آنچنانی بین مردان و زنان قابل نشده است. این در حالیست که نگرانی مدافعان حقوق زنان به آزار و اذیت جنسی اعمال شده علیه زنان مربوط می شود. بنیاد تازه تاسیس مصری برای دفاع از حقوق زنان با برگزاری کمیتهای متعددی قصد دارد تا آگاهی زنان مصری در رابطه با این مساله را افزایش دهد تا آنان بتوانند در پروسه مبارزه با آزار و اذیت جنسی تاثیرگذار باشند. یکی دیگر از فعالیتهای زنان مصری در این رابطه، تشکیل وب سایت "نقشه آزار و اذیت" می باشد که فعل و انفعالات آزار و اذیت علیه زنان در مصر را برجسته می کند.

در هر صورت، طرح قانون جدید می تواند گامی در جهت ویران کردن دیوار سکوت مقامهای دولتی در رابطه با آزار جنسی اعمال شده بر زنان مصری باشد. دولت مصر قبلا به جای مجازات مجرمان و مرتکبان این اعمال غیرانسانی، فعالان و آنانی را متهم می ساخت که به معضل مزبور می پرداختند و خواستار اقدام جهت جلوگیری از آن بودند.

زنان دستگیر شده در قیام مصر را به دادن آزمایش باکرگی مجبور ساخته اند

شبکه خبری زنان، ۲۳ مارچ ۲۰۱۱ - سازمان عفو بین الملل از اولیای امور کشور مصر خواست تا اظهارات مبنی بر شکنجه زنان که شامل تحقیر آنها از طریق مورد آزمایش باکرگی قرار دادن زنان دستگیر شده در تاریخ ۹ مارس در میدان تحریر است را مورد بررسی قرار دهند.

بعد از این که افسران ارتش با توسل به زور و خشونت میدان تحریر را از حضور مردم در تاریخ ۹ مارس امسال پاک کردند، دستکم ۱۸ زن بازداشت شدند. سازمان عفو بین الملل ابراز می دارد که گزارشهایی به دست این نهاد بین المللی رسیده که این زنان مورد شکنجه از جمله شوک الکتریکی قرار گرفته اند، تحت فشار مجبور شده اند که برهنه شوند و سربازان از آنان عکس گرفته اند. افزوده بر این، این زنان را مجبور کرده اند که آزمایش باکره بودن بدهند و سپس به اتهام "تن فروشی" تهدید شده اند.

سازمان عفو بین الملل عنوان می کند که هیچ نهاد و هیچ فردی حق ندارد زنان را به انجام آزمایش باکره بودن مجبور سازد. بر اساس این گزارش، "در اصل این عمل برای تحقیر زنان به خاطر جنسیت شان صورت گرفته است. پرسنل پزشکی و بیمارستانها می بایست در هر شرایطی از مشارکت در انجام چنین آزمایشی خودداری ورزند."

سازمان عفو بین الملل در این گزارش تاکید می کند که زنان و دختران مصری می بایست به طور آزادانه در مصر آینده، عقاید خود را بیان کنند، علیه دولت تحصن کنند و در راهبیمایها شرکت کنند، بدون این که دستگیر، شکنجه و مورد رفتار تحقیر کننده و تبعیض آمیز مانند انجام آزمایش باکرگی قرار بگیرند. بعضی از این ۱۸ زن دستگیر شده پس از آزادی از بازداشت، دادگاهی شده و حکم تعلیقی یک سال زندان گرفته اند. سازمان عفو بین الملل ابراز می دارد که زنان در پروسه تغییر مصر شرکت داشته اند و نمی بایست به خاطر فعالیتشان مورد مواخذه قرار گیرند.

وضعیت زنان بعد از انقلاب در برخی کشورها

سی ان ان

تونس:

فقط دو زن در دولت انتقالی تونس منصوب شدند. این در حالیست که در کابینه دولت زین العابدین بن علی، زنان بیشتری مشارکت داشتند. افزوده بر این، گروههای بنیادگرا خواستار لغو قانون دستورالعملهای حقوق شهروندی که شامل یک سری قوانینی می باشد که به مدت ۵۰ سال از حقوق زنان حمایت کرده، می باشند.

بقیه در صفحه ۲۷

بیانیهی شماره ۱ شورای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر سال ۱۳۹۰

بقیه از صفحه ۲۳
5- ما کارگران برای دست‌یابی به آزادی بیان، آزادی تشکل، تحزب، اعتصاب، آزادی قلم و آزادی تمامی زندانیان سیاسی و پایان یافتن احکام ضد انسانی اعدام، همزمان با دیگر مطالبات مان مبارزه خواهیم کرد .

6- پیروزی کارگران جز با اتحاد متشکل و سازمان‌یافته‌ی تمامی اقشار طبقه‌ی کارگر اعم از کارگران صنعتی، معلمان، پرستاران، کارگران بخش خدمات، معادن، کارگران کشاورزی و ... ممکن نیست. ما ضمن اتحاد با تمام کارگران ایران و منطقه و حمایت از مطالبات کارگران مهاجر در ایران از جمله کارگران افغانی، خود را متحد و پشتیبان مبارزات کارگران در سراسر جهان می‌دانیم .

7- ما برای دست‌یابی به مطالبات اقتصادی-سیاسی خود بر علیه تمامی جناح‌ها و حاکمیت‌های داخلی و خارجی سرمایه‌داری اعم از اصول‌گرا و اصلاح‌طلب در ایران و اعم از دولت‌های سرمایه‌داری آمریکایی، چینی، روسیه، اروپایی و ... تنها و تنها با اتکا بر نیروی طبقاتی کارگری خود، مبارزه خواهیم کرد .

8- نظام سرمایه‌داری از تبعیض جنسیتی-اقتصادی-سیاسی-اجتماعی علیه زنان بهره و سود می‌برد، همچنین کار کودکان منبع سودهای سرشار برای نظام انگلی سرمایه‌داری است؛ ما برای متشکل کردن هر گونه مبارزه برای دست‌یابی زنان به مطالبات طبقاتی خود و نیز برای تقویت جنبش لغو کار کودک از هیچ مبارزه‌ای فروگذار نخواهیم کرد . شورای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر سال ۱۳۹۰

18 فروردین ماه ۱۳۹۰

1may1390@gmail.com



مشهور آمریکایی از سوی وزارت ارشاد غیرقابل چاپ اعلام شده است. این رمان توسط دو مترجم ایرانی به فارسی ترجمه و چند ماه قبل از سوی انتشارات "سبز" برای دریافت مجوز به وزارت ارشاد ارسال شده بود. رمان مذکور داستان یک آتش‌نشان به نام "رزواتر" است که در یکی از شهرهای کوچک آمریکا زندگی می‌کند. سرنوشت رمانهای دیگر این نویسنده آمریکایی نیز با وجود گذشت چند ماه از انتظار برای دریافت مجوز، همچنان نامعلوم است.

این اولین بار نیست که آثار ادبی نویسندگان بزرگ جهان در ایران ممنوع‌الانتشار می‌شود، چند ماه پیش "پائولو کوئیلو" نیز به ممنوعیت انتشار آتش در ایران اعتراض کرد و ترجمه فارسی بعضی از آنها را روی سایت اینترنتی خود گذاشت.

لئونارد برنستاین: زندگی سیاسی یک موسیقیدان آمریکایی

با وجود این که کتابهای بسیاری در باره زندگی موسیقیدان بزرگ، "لئونارد برنستاین" نوشته شده است، کتاب "باری سلدس" (Barry Seldes) در باره زندگی سیاسی او از زاویه کاملاً متفاوتی به این موضوع پرداخته است. "سلدس" در کتاب خود می‌نویسد: "برنستاین تا سن ۳۰ سالگی گامهای بلندی برداشت و شهرت و محبوبیت بسیاری به دست آورد. در باره اطلاع ندارند که او در لیست سیاه وزارت امور خارجه و رادیو تلویزیون "سی بی اس" قرار داشت. از زمانی که او ۲۱ ساله بود، FBI او را تعقیب می‌کرد."

نویسنده می‌گوید: "لنی یک سوسیالیست بود و فعالیت سیاسی برایش بسیار اهمیت داشت و به خاطر همین به طور دائمی مورد تعقیب بود." در این کتاب زوایای گوناگون زندگی این موسیقیدان و رهبر ارکستر موسیقی کلاسیک بررسی شده که چهره‌ای تازه از او را به دوستداران هنر هرگز فراموش نشدنی اش نشان می‌دهد.

بقیه در صفحه ۲۶

دانسته و بر مبنای تحقیقات مستند و روشن هیات تحقیق، خواستار محاکمه و مجازات آمران و عاملان این جنایت در یک دادگاه بین‌المللی، به مثابه جنایتکاران جنگی شد.

"زنان بدون مردان" از ۱۳ آوریل بر پرده سینماهای فرانسه

فیلم "زنان بدون مردان" از ۱۳ آوریل بر پرده سینماهای فرانسه می‌رود. این فیلم محصول مشترک آلمان، اتریش، فرانسه و مراکش است. کارگردانی این فیلم را شیرین نشاط و شجاع



آذربایجانی، دستیار وی به عهده داشته اند.

داستان فیلم در مقطع سال ۱۳۳۲ جریان دارد که طی آن به موازات بحرانهای سیاسی در ایران، قصه چهار زن در شرایط متفاوت روایت می‌شود. هر یک از آنها از مسیری متفاوت به نقطه‌ای مشترک می‌رسند.

انتقاد مخاطبان بنگلادشی از فیلم «مهر جان»

بنگلادش به زودی چهلمین سالگرد استقلالش را از پاکستان جشن خواهد گرفت. اما پس از گذشت این سالها، هنوز هم صحبت کردن از جنگ سال ۱۹۷۱ میلادی بین کشورهایی که در آن زمان پاکستان غربی و شرقی نامیده می‌شدند، حساسیت بر انگیز است. به ویژه اگر عشق دختری بنگلادشی و سربازی پاکستانی، موضوع یک فیلم شود. منتقدان فیلم "مهرجان" معتقدند که کارگردان به جنایتهای جنگی در این دوران بی توجه بوده اما کارگردان منکر این ادعا است.

کتاب

"کورت ونه‌گات" هم سانسور شد

پس از "پائولو کوئیلو"، انتشار برخی از آثار "کورت ونه‌گات" هم در ایران ممنوع شد.

رمان "خدا رحمت‌ات کند آقای رزواتر" نوشته‌ی "کورت ونه‌گات"، نویسنده‌ی

رویدادهای هنری ماه

لیلا جدیدی

سخن روز:

- هرچه سخت‌تر بکوشیم، تن به تسلیم دادن سخت‌تر می‌شود (وینس لومباردی، مربی افسانه‌ای راگبی)
- تنها برای زندگی بود که توانستیم بمیریم (یانیس ریتسوس، شاعر و مبارز یونانی ۱۹۰۹-۱۹۹۰)

فیلم

"نخل طلای" جشنواره کن

امسال هم مثل سال گذشته، در مجموع ۱۹ فیلم برای دریافت نخل طلای جشنواره کن به رقابت خواهند پرداخت.

از میان فیلمهای بخش مسابقه می‌توان به فیلم "درخت زندگی" با بازی "برد پیت" و کارگردانی "ترنس ملیک" اشاره کرد.

"پوستی که در آن زندگی می‌کنم" ساخته "پدرو آلمادور" و "مالیخولیا" ساخته "لارس فون تریه"، برنده پیشین نخل طلای کن نیز از دیگر فیلمهای بخش مسابقه امسال است. شصت و چهارمین دوره جشنواره فیلم کن از یازدهم تا بیست و دوم ماه مه در شهر ساحلی کن در فرانسه برگزار می‌شود.

جشنواره فیلم کن روز یازدهم مه با فیلم "نیمه شب در پاریس"، تازه‌ترین فیلم "وودی آلن" آغاز خواهد شد و "برناردو برتولوچی"، فیلمساز ایتالیایی در شب افتتاحیه، نخل طلای افتخاری خواهد گرفت.

"اوما تورمن" و "جود لا" که در سال ۱۹۹۷ در فیلم "گاتا‌کا" بازی کردند، از جمله داوران شصت و چهارمین دوره جشنواره فیلم کن خواهند بود. سایر اعضای هیات داوران، "نان سون شی"، فیلمساز چینی، "مارتینا گوسمان"، هنرپیشه آرژانتینی و "لین آلمان"، نویسنده و روزنامه‌نگار نروژ خواهند بود. "جانی تو"، فیلمسازی از هنگ کنگ، "صالح هارون"، فیلمساز اهل چاد و اولیویه آسایس" از فرانسه، فهرست اعضای هیات داوران این دوره از جشنواره کن را کامل می‌کنند.

اهدای جایزه "کالسکه طلایی"

به جعفر پناهی

"انجمن فیلمسازان فرانسه" جایزه "کالسکه طلایی" سال ۲۰۱۱ را به جعفر پناهی اهدا کرد. این انجمن در

بیانیه خود با اشاره به این که هیچ فیلمساز و نویسنده‌ای نمی‌تواند نسبت به حکم جعفر پناهی بی‌تفاوت بماند، افزود: "به همین خاطر انجمن فیلمسازان سوگند یاد کرده است، تا به خاطر آزادی بیان، سکوتی را که بر پناهی تحمیل شده است، بشکنند."

جعفر پناهی، کارگردان فیلمهایی نظیر "افساید" و "بادکنک سفید" که جایزه دوربین طلایی کن ۱۹۹۵، شیر طلایی جشنواره ونیز ۲۰۰۰ و همچنین جایزه ویژه هیات داوران بخش نوعی نگاه جشنواره کن ۲۰۰۳ را در کارنامه خود دارد، از سوی بیدادگاه جمهوری اسلامی به ۲۰ سال محرومیت از ساختن فیلم، نوشتن هر نوع فیلمنامه و مسافرت به خارج از کشور محکوم شده است.

"انجمن فیلمسازان" در بیانیه خود آورده است: "با انتخاب پناهی، ما می‌خواستیم با تمام فیلمسازان ایرانی، چه در تبعید و چه در داخل کشور ابراز پشتیبانی کنیم."

رامین پرچمی، محکوم به یکسال حبس شد

رامین پرچمی، بازیگر سینما و تلویزیون طی حکمی از سوی شعبه ۱۳ بیدادگاه تهران به ریاست قاضی اسلامی به یک سال حبس تعزیری محکوم شد. اتهامات وی اقدام علیه امنیت ملی از طریق شرکت در تجمع غیرقانونی، اقدام به فیلم‌برداری و نیز اختلال در نظم عمومی عنوان شده است.

جشنواره بین‌المللی سینمای

تبعید در سوئد نقض حقوق ساکنان اردوگاه اشرف را محکوم کرد

"جشنواره بین‌المللی سینمای تبعید" در یک اطلاعیه ضمن ابراز "انزجار و نفرت خود از نقض آشکار حقوق انسانی مجاهدین ساکن اردوگاه اشرف"، اعزام یک هیات تحقیق بین‌المللی به اردوگاه اشرف را ضروری

رویدادهای هنری ماه

نقاشی و هنر

موسیقی

شجریان آثار خود را در خارج از کشور منتشر می کند

محمد رضا شجریان، استاد موسیقی و آواز ایرانی از این پس نشر آثار خود را به خارج از ایران منتقل می کند و به زودی آثار



او از طریق اینترنت قابل خرید خواهد بود.

محمد علی رفیعی، مدیر برنامه های آقای شجریان از ثبت شرکتی در آمریکا برای انتشار جهانی آثار آقای شجریان خبر داد و گفت که علاوه بر وبسایت رسمی محمدرضا شجریان، تلاشهایی برای فروش قطعه های آثار جدید آقای شجریان از طریق اینترنت و فروشگاههای اینترنتی نظیر ای تونز (iTunes) صورت گرفته است.

موضوعگیری صریح محمدرضا شجریان علیه نتایج نمایش انتخاباتی خرداد ۱۳۸۸ و همراهی او با معترضان، با واکنش خشمگینانه و انتقام جویانه حکومت ایران روبرو شده است.

تئاتر

"جولی اندروز" کتاب "موزیکال بزرگ آمریکایی" به قلم خود و دخترش که در سال ۲۰۰۶ منتشر شده را در قالب نمایشی به کارگردانی خود به روی صحنه می برد.

بازیگر سرشناس بریتانیایی که جایزه گلدن گلوب و اسکار (۱۹۶۴) برای فیلم "مری پاپینز" را در



کارنامه بازیگری خود دارد، در این نمایش، داستان گروهی از موشها را که می خواهند تئاتری را در

نیویورک اجرا کنند، روایت خواهد کرد. "اندروز" که بیشتر شهرت خود را مدیون بازی در دو فیلم موزیکال یعنی "آوای موسیقی" (در ایران: اشکها و لبخندها) و "مری پاپینز" است، جدیدترین کتاب کودک خود را نیز با عنوان "شاهزاده خیلی پری وار" روی صحنه می برد.

بازداشت هنرمند برجسته چینی و از

طراحان ورزشگاه المپیک پکن

روزنامه دولتی "گلوبال تایمز"، یکی از ارگانهای رسمی حزب کمونیست چین می گوید "ای وی وی"، هنرمند برجسته چینی که از شهرتی جهانی برخوردار است، به دلیل "عبور از خط قرمزهای" حاکمیت چین بازداشت شده است.

"ای وی وی"، هنرمند و یکی از شش فعال برجسته حقوق بشر در چین هنگامی که برای شرکت در یک نمایشگاه عازم هنگ کنگ بود، در فرودگاه پکن بازداشت شد.

این هنرمند یکی از طراحان بنای ورزشگاه المپیک ۲۰۰۸ پکن بود که به شکل آشیانه پرنده ساخته شده است. در یکی از کارهای هنری دیگر او که در نمایشگاهی در لندن به نمایش درآمده است، توده ای از میلیونها تخمه گل افتاب یکرنگ و یک اندازه به نمایش درآمده که نمادی از بی هویت کردن فردیت شهروندان در یک جامعه استبدادی است.

پرتره اندی وار هول

انتظار می رود پرتره ای از "اندی وار هول" از چهره خودش در حراج کریستی به قیمت ۴۰ میلیون دلار به فروش رود. این پرتره، تابلوی بزرگی است که به صورت قرمز و سیاه چهره وی را نشان می دهد. تابلوی مذکور که در سال ۱۹۸۷ کشیده شده بود، نزدیک به دو ماه پیش از مرگ "وار هول" در نمایشگاهی به نمایش در آمد.

به جای طنز

بنی آدم؟

هادی خرسندی قشون مالکی با تانک و خمپاره به اشرف زد او باما صحنه را دید و برای مالکی کف زد! نه. شعرم نمیاید. حرفم نم، آید. عکسهای این جوانان را که می بینم، فکر می کنم: آه، کدامشان بود رفت زیر جرخ آن هیولای چهارچرخ؟ آن ماشین وحشت و مرگ؟ آه، کدامشان بود در خون، خود می، غلطید؟ آه هموطنان مظلوم من.

چهره ی راننده ای که مجاهدان را زیر گرفت، در نظر مجسم می کنم. چه لیخند پیروزمندانه ای کنج لب دارد. آه. چقدر شبیه احمدی نژاد است. چقدر شبیه خامنه ای است چقدر شبیه کدیور است ... شبیه رفسنجانی است شبیه خاتمی است شبیه میرحسین است چرا راه دور می روم؟ چقدر شبیه این آقای است که امروز توی کافی-شاپ دیدمش، ایرانی بود. فارسی حرف می زد. اما وقتی حرف می زد، قیافه اش شبیه راننده ی عراقی آن مقاله ی مخوف شده بود. عجله داشت. تند و تند یک چیزهایی گفت و رفت. برید توی ماشین شیکش، شیشه را کشید پایین و باز یک چیزهایی گفت و گاز داد و رفت. گمانم رفت که با اتومبیلش مجاهد زیر بگیرد!

تصویب اعزام گزارشگر ویژه

حقوق بشر به ایران

اسلامی سخن گفت و اعلام کرد که کشور متبوعش به این قطعنامه رأی مثبت خواهد داد.

نماینده پاکستان از طرف کشورهای کنفرانس اسلامی خواست تا با برگزاری گفتمان بین نهادهای حقوق بشر موجود در سازمان ملل متحد از جمله بررسی دوره ای، جامعه بین الملل با حکومت جمهوری اسلامی

برای بهبود حقوق بشر همکاری کند. سپس وی اعلام کرد که کشور وی به این قطعنامه رأی منفی خواهد داد.

ناظران حاضر در شورای حقوق بشر به ویژه از رأی مثبت نماینده دولت برزیل به تعیین گزارشگر ویژه شگفت زده شدند. وی در سخنان خود گفت که

دولت وی به همه گزارشگران ویژه اجازه داده است که برای بررسی و تحقیق به کشورش سفر کنند. نماینده برزیل در حالی که به مقامهای جمهوری اسلامی پیشنهاد کرد تا به تمهیدات خود دایر بر محترم شمردن حقوق بشر و پیشبرد آن

گردن نهند، همزمان خواستار حذف مجازات اعدام در جمهوری اسلامی شد. دولت محمود احمدی نژاد در ماههای اخیر برای نزدیکی با دولت

برزیل به عنوان یک متحد استراتژیک جمهوری اسلامی کوششهای زیادی به خرج داده است.

نکته بسیار مهم دیگر در جریان رای گیری شورای حقوق بشر، رأی ممتنع کشورهای عربستان سعودی، بحرین، مالزی و اردن است که در گذشته در

رای گیریهای مربوط به مسائل حقوق بشر به دلیل کارنامه منفی خود همیشه طرف ناقضان حقوق بشر را می گرفته اند.

نماینده دولت قطر نیز پیش از رای گیری جلسه را ترک کرد. این اقدام دولتهای همجوار جمهوری اسلامی در شورای

حقوق بشر بیانگر انزوای بیش از حد مقامهای این کشور است .

حقوق بشر بیانگر انزوای بیش از حد مقامهای این کشور است .

حقوق بشر بیانگر انزوای بیش از حد مقامهای این کشور است .



صدای آمریکا: پنجشنبه ۴ فروردین ۱۳۹۰ (۲۴ مارس ۲۰۱۱)

از بدو تاسیس شورای حقوق بشر در سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۶، این اولین بار است که این نهاد برای یک کشور عضو سازمان گزارشگر ویژه بررسی نقض حقوق بشر تعیین کرده است .

به دلیل نگرانی فزاینده جامعه بین الملل و نهادهای مدافع حقوق بشر از وضعیت بحرانی سرکوب مخالفان در جمهوری اسلامی و موج بی سابقه بازداشتهای دست جمعی،

اعدامهای پی در پی، ایجاد فضای رعب و خفقان در کشور و عدم پاسخگویی مقامهای قوه قضاییه جمهوری، شورای

حقوق بشر سازمان ملل متحد را بر آن داشت تا با تصویب قطعنامه ای گزارشگر ویژه ای تعیین کند، تا وی از نزدیک مسائل مربوط به نقض حقوق

شهروندان ایران را بررسی کرده و به دنبال آن به طور سیستماتیک به نهادهایی مانند مجمع عمومی و شورای

حقوق بشر سازمان ملل متحد گزارش خود را ارائه کند. سرانجام، روز پنجشنبه ۲۴

مارس این قطعنامه با ۲۲ رأی مثبت، ۷ رأی مخالف و ۱۴ رأی ممتنع در شورای حقوق بشر در

ژنو به تصویب رسید. جریان رای گیری با سخنان الن چمبرلین دانیاهو، نماینده ایالات

متحد آمریکا در سازمان ملل متحد در ژنو آغاز شد. وی با اشاره کوتاهی به حوادث پس از

انتخابات ریاست جمهوری در سال ۲۰۰۹ از وضعیت دردناک نقض حقوق بشر در جمهوری

زنان در مسیر رهایی

بقیه از صفحه ۲۴

مصر:

در مصر حتی به یک زن هم در "کمیته تغییر قانون اساسی" بعد از انقلاب مصر، امکان مشارکت داده نشد و زمانی که زنان مصری در اعتراض به این مسأله عنوان کردند که جهت پیگیری حقوق برابر با مردان دست به راهپیمایی میلیونی خواهند زد، فقط صد زن با برپایی راهپیمایی به این فراخوان پاسخ دادند. این تعداد زنان نیز توسط انبوهی از مردان مورد آزار و اذیت قرار گرفتند.

بحرین:

مردم بحرین در هفته های متمادی با برگزاری گردهمایی و تظاهرات خیابانی خواستار برچیدن خلافت ۲۳۰ ساله خاندان سنی الخلیفه در این کشور که اکثریت جمعیتش را شیعیان تشکیل می دهند، شدند. زنان در بحرین بیشتر از مردان در راهپیماییها و تحصنها علیه دولت شرکت داشته اند که این مسأله نشانه‌دهنده خواست آنان برای مشارکت بیشتر در مسایل سیاسی است. زنان بحرینی در سال ۲۰۰۶ از حق انتخاب شدن و انتخاب کردن برخوردار شدند. از این سال به بعد آنان قادر شدند که در انتخابات شرکت کنند. با این حال، تبعیض جنسیتی به ویژه پیرامون قوانین خانواده به صورت عمیقی در جامعه اعمال می شود.

لیبی:

از زمانی که قذافی با کودتای سال ۱۹۶۹ در لیبی قدرت گرفت، از حقوق زنان در زمینه تحصیل و استخدام دفاع کرد. اما فرم قوانین فرهنگی لیبی چهره ای مردانه دارد و قذافی نیز برای درخشان نشان دادن دولت خود به ظاهر از حقوق زنان دفاع می کرد. اکنون جنگهای داخلی و فرقه ای وحشیانه ای در لیبی در جریان است و با توجه به سرکوب حقوق بشر و حقوق زنان از سوی قذافی اینطور به نظر می رسد که حقوق زنان در هر صورت (حتی اگر تغییری صورت بگیرد) موضوعی دست دوم باقی خواهد ماند.

عمان:

در عمان در دهه های اخیر حقوق زنان به طور آهسته رو به پیشرفت داشته است. شمار زنان در دانشگاهها و مشاغل مختلف در حال افزایش است. اگرچه زنان در این کشور به میزان قابل توجهی در راهپیماییها شرکت دارند، اما مسأله آنان بیشتر پیرامون رفرف اقتصادی است تا حقوق زنان. در هر صورت به نظر می رسد که زنان عمان و بحرین قادرند از وجود دموکراسی و آزادی به نفع حقوق خود بهره جویند.

عربستان سعودی:

حقوق زنان در عربستان سعودی هنوز به شکل بسیار وحشیانه ای پایمال می شود. زنان سعودی از حق رانندگی محرومند و برای خروج از خانه می بایست حجاب اسلامی را رعایت کنند. آنها حق حضور در دادگاه را ندارند و از این رو در رابطه با مسأله طلاق دچار مشکلات فراوانی هستند. تضاد بین کسانی که خواهان رفرف هستند و آنانی که از شرایط فعلی نفع می برند، بسیار عمیق است. حتی در میان زنان نیز افرادی هستند که با یک جامعه سکولار به شدت مخالفت می کنند. با توجه به خواسته های برخی از راهپیمایان مبنی بر حذف ممنوعیت حق رانندگی زنان و تاکید بر ضرورت تصویب قوانینی که از حقوق زنان دفاع کند، به نظر می رسد که یک تغییر سیاسی می تواند به نفع زنان عمل کند.

یمن:

یمن جزو یکی از کشورهایی است که در رابطه با حقوق زنان کمترین پیشرفت را داشته است. این کشور عمیق ترین شکاف بین زنان و مردان در عرصه بیسوادی در سراسر جهان را دارد. فقط ۳۵ درصد زنان یمنی باسواد هستند. در قوانین این کشور هیچ ممنوعیتی سنی برای ازدواج وجود ندارد. بسیاری دختران در سن ۱۲ سالگی متاهل می شوند. اجازه انتخاب زوج برای زنان با مردان خانواده است. در پارلمان ۳۰۱ نفری یمن تنها یک زن

حضور دارد و فقط یکی از رهبران "جنبش برای تغییر یمن" زن می باشد. "توکل کرمان" که قهرمان دفاع از حقوق بشر در یمن شناخته می شود، منتقد دولت و از حقوق زنان یمنی دفاع می کند. اگرچه جنبش امروز یمن، جنبشی نیست که به طور مشخص از حقوق زنان دفاع کند، اما استقرار یک جامعه آزاد می تواند راه را برای مبارزه زنان جهت دستیابی به حقوق خود ساده تر کند.

زنان کانون فراهم کردن مواد غذایی برای آفریقا هستند

رویتز، ۱۳ آوریل ۲۰۱۱ - زنان آفریقایی در صنعت کشاورزی نه تنها تولید بیشتری از مردان دارند، بلکه بیشتر و سخت تر از آنها کار می کنند، اما دستمزدی کمتر دریافت می کنند. فقط یک درصد از زنان آفریقا خود صاحب زمین هستند و فقط ۱۰ درصد صاحب ابزار کار خود می باشند. بر اساس آمار "سازمان خواربار و کشاورزی سازمان ملل"، هفتاد درصد از مواد غذایی جهان را زنان تولید می کنند. افزوده بر این، ۷۵ درصد از کارهای کشاورزی مانند کاشت، بیل زدن، زدودن علفهای هرز و درو کردن، در آفریقا توسط زنان انجام می گیرد. این در حالیست که این زنان تنها از ۵ درصد امکاناتی که دولت برای پیشرفت صنعت کشاورزی در اختیار کشاورزان قرار می دهد، برخوردار هستند.

سلامتی و بهداشت این زنان کشاورز، وضعیتی اسفناک دارد. در یک بررسی آماری، تنها ۶۰ زن از ۸۰۰ زن کشاورز در رابطه با شغل خود آموزش کافی دیده اند. این مسأله سبب می شود که آنها در حین کار آسیب ببینند. تقریباً ۴۶ درصد از زنان کشاورز در زمان سم پاشی مسموم می شوند و فقط ۱۸ درصد از این زنان دستور العمل استفاده از مواد ضد آفت را خوانده اند. بسیاری از آنها بیسواد هستند. ۴۳ درصد از زنان کشاورز درد کمر رنج می برند. همچنین، زنان کشاورز در آفریقا از ساعتی کار طولانی که تقریباً دو برابر ساعات کار روزانه مردان همکار است، رنج می برند.

قنقوس بر دیوار شب می کوبد

در حمله وحشیانه ای که مزدوران نوری المالکی در سرسپردگی ولایت فقیه در تهران و چراغ سبز امپریالیسم آمریکا با توجه به حضور رابرت گیتس، به ساکنین شهر اشرف در عراق صورت گرفت، سی و چهار تن از جان برکفان سازمان مجاهدین خلق ایران در حماسه ای مانا در تاریخ، جان باختند.

در میان آنان هشت زن مجاهد جانیخته: فاطمه مسیح، آسیه رخشانی، مرضیه پورنقی، نسترن عظیمی، فائزه رجبی، صبا هفت برداران، مهدیه مددزاده و شهناز پهلوانی، تابناک ستارگانی هستند که هر کدام زندگی پر بار و سرشار از مبارزه علیه دیو استبداد و ارتجاع داشته اند. هستی اجتماعی اینان و گونه ای که زیستند و جان باختند، نام آنان در تاریخ مبارزات مردم میهن ما را فراموشی ناپذیر می کند.

کشتار بیرحمانه زنان مجاهد خلق به عنوان شهروندان ایرانی ساکن عراق، فصل ننگین دیگری در تاریخ نه تنها برای ارتجاع حاکم بر تهران و بغداد بلکه، با توجه به قول و قرارهای آمریکا به رهبری اوباما در محافظت از شهر اشرف، برای امپریالیسم باز کرد. تاریخ مبارزان در برابر تاریخ ستمکاران نشان داده است که "کشتار" هرگز مرهمی دایمی بر درد بی درمان قدرت طلبان و زورمداران نبوده و چهل و جنایت، اقتدار آفرین نیست.

هشت زن مجاهد خلق همچون قنقوس بر دیوار شب کوبیدند، جان باختند و از هر یک، هزاران قنقوس برای تداوم مقاومت و مبارزه سر برخواهد آورد. یادشان گرمی و راهشان پر رهرو باد!

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی

خلق ایران

سردبیر: زینت میرهاشمی

تحریریه: لیلا جدیدی

منصور امان

حضر پویه

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

نبرد خلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی کند. مطالبی که با امضای افراد در نبرد خلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبرد خلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای اشتراک نبرد خلق با آدرسهای نبرد خلق تماس بگیرد

بهای اشتراک سالانه

فرانسه ۲۰ یورو

اروپا معادل ۲۴ یورو

آمریکا و کانادا ۳۶ یورو

استرالیا ۴۰ یورو

تک شماره ۱ یورو

اخبار و گزارشهای جنبش کارگران، مزدبگیران و کارکنان ایران، اخبار تحولات ایران، عراق و مسائل بین المللی مربوط به آن، اخبار و دیدگاههای جنبش زنان را هر روز در سایت ایران نبرد بخوانید.

آدرس سازمان در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار رویدادهای روز

ایران و جهان، تحلیل مسائل روز،

دیدگاهها

بخش شنیداری (رادیو پیشگام)

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org

NABARD - E - KHALGH

No : 310 21April. 2011 / Price: \$ 1 - 1 euros

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

NABARD / B.P. 20 / 91350 Grigny / Cedex / FRANCE

NABARD / P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

در گذشت خانم فاطمه اسحاقی

خانم فاطمه اسحاقی مادر گرامی مهدی اسحاقی یکی از جانبازان سپاهک و همراهِ دیرینه ما درگذشت. زنی مقاوم، آزاده، آگاه و دوست داشتنی که بعد از مدت‌ها تحمل درد بالاخره از دست رفت. ما این غم را به خانواده محترم ایشان و نیز همه دوستداران حماسه سپاهک تسلیت می‌گوییم. خانواده‌های جان باختگان دهه ۵۰ و ۶۰ منبع خبر: اخبار روز، یکشنبه ۲۸ فروردین ۱۳۹۰

سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران درگذشت خانم فاطمه اسحاقی، مادر فدایی شهید مهدی اسحاقی را به خانواده اسحاقی، به خانواده شهدا و زندانیان سیاسی و به فعالان جنبش فدایی تسلیت می‌گوید. یادش همیشه جاویدان

شهادت فدایی اردیبهشت ماه

رفقای فدایی: کاظم سعادت - بهروز دهقانی - خلیل سلمانی نژاد - شیرین معاضد (فضیلت کلام) - هادی فرجاد پزشک - عبدالله پنجه شاهی - علی اکبر (فریدون) جعفری - مرضیه احمدی اسکویی - هیبت الله بهرامی - محمود نمازی - لادن آل آقا - مهوش حاتمی - مهدی حاتمی - محمدرضا و احمدرضا قنبرپور - فرزاد دادگر - حبیب بردان خسروشاهی - عزت غروی - ارژنگ و ناصر شایگان شام اسی - فرهاد صدیقی پاشاکی - هوشنگ اعظمی لرستانی - تورج اشتری تلخستانی - مسعود دانیالی - فرشته گل انبریان - قربانعلی زرگاری - جهانگیر باقرپور - رضا نعمتی - بهروز ارمانی - اسماعیل عابدی - زهره مدیرشانه چی - حسین فاطمی - میترا بلبل صفت - علیرضا باصری - مریم پنجه شاهی - نسرتین پنجه شاهی - حبیب الله مومنی - منصور فرشیدی - محمود خرم آبادی - مصطفی حسن پور اصیل - فریده غروی - کمال کیانفر - محسن رفتی - احسان الله ایمانی - غلامحسین خاکباز - رویا علی پناه فرد و مقصود بیرام زاده از سال ۵۰ تاکنون، به دست رژیم‌های شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

شرکت کنندگان می‌توانند جهت ارایه‌ی مقالات خود حداکثر تا تاریخ ۵ مه (۱۵ اردیبهشت) با آدرس زیر مکاتبه نمایند:

E-mail:
Kurdistan.kempein@gmail.com



شیرین معاضد (فضیلت کلام)، فرهاد و کیلی، فرزاد کمانگر، مهدی تلخستانی، علی حیدریان

برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره زیر تماس بگیرید:

09647703637566

بامداد روز یکشنبه ۱۹ اردیبهشت سال ۱۳۸۹، فرزاد کمانگر، شیرین علم هولی، فرهاد و کیلی، علی حیدریان و مهدی اسلامیان بدون اطلاع و کلا و خانواده‌های خود در زندان اوین به دار آویخته شدند.

با گذشت یک سال از این اعدامها تاکنون محل دفن این فعالان به اطلاع خانواده‌های آنان نرسیده است.

فرزاد کمانگر معلم کورد، در مرداد ماه سال ۱۳۸۵ بازداشت شد. وی در طول ماهها بازداشت تحت شکنج‌های شدید جسمی و روحی قرار گرفت که آن را در رنجنامه‌ای منتشر ساخت.

این معلم کورد در اسفند ماه ۱۳۸۶ به اعدام محکوم شد. وی در تاریخ ۱۵ بهمن ۱۳۸۸، در نام‌های به رئیس قوه قضاییه خواستار برگزاری مجدد دادگاه خود شد.

مهدی اسلامیان در تاریخ ۱۴ اردیبهشت ماه ۱۳۸۸ بازداشت و شش ماه را در سلول انفرادی گذرانده بود. گفتنی است پیش از این محسن اسلامیان، برادر این زندانی سیاسی نیز اعدام شده بود.

شیرین علم هولی در اردیبهشت ۱۳۸۷ در تهران بازداشت شده و به اعدام محکوم شده بود.

علی حیدریان، به همراه فرهاد و کیلی و فرزاد کمانگر، دو زندانی سیاسی دیگر اعدام شده در سحرگاه امروز، از سال ۱۳۸۵ در بازداشت به سر می‌برند.

روز ۱۹ اردیبهشت را روز معلم

نام گذاری کنیم

کردیش پرسپکتیو
عدای از فعالان سیاسی و مدنی کورد با صدور فراخوانی از برگزاری سمیناری به مناسبت اولین سالگرد اعدام پنج فعال سیاسی خبر دادند.
با نزدیک شدن به سالروز اعدام فرزاد کمانگر، شیرین علم هولی، فرهاد و کیلی، علی حیدریان و مهدی اسلامیان، شماری از فعالان کورد مقیم جنوب کوردستان در فراخوانی اعلام نمودند که در روز ۹ مه (۱۹ اردیبهشت) در شهر سلیمانی، سمیناری تحت عنوان "روز ۱۹ اردیبهشت را روز معلم نام گذاری کنیم" برگزار خواهد شد.

در بخشی از این فراخوان آمده است: "این سمینار با ارایه‌ی مقالات پایداری این شهیدان در زندان و همچنین تأثیرات حائز اهمیت اعدام آنها بر مبارزات آزادیخواهانه ملت کرد در کوردستان ایران مورد بررسی قرار خواهد گرفت."
در این سمینار قرار است به بررسی چند موضوع از جمله "مفهوم زندان، مقاومت و ایستادگی در مبارزات ملت تحت ستم کرد" و "زن مبارز و زندان" پرداخته شود.

علاو بر این، در این سمینار موضوعات زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد: "بازگشت هنجارهای اخلاقی و پاسداری از آرمان ملت کرد"، "پیام انسانی و آشتی خواهانه ملت کرد از زبان شهید فرزاد و سایر شهیدان" و همچنین "تأثیر اعتصاب عمومی کوردستان در روز ۲۳ اردیبهشت ۱۳۸۹ در پیشبرد مبارزات ملی کرد".

حسن ناهید،

زندانی سیاسی

بر اثر عدم رسیدگی

پزشکی جان باخت

به گزارش سایت ایران پرس نیوز به نقل از کانون حمایت از خانواده بازداشتیها و جان باختگان، حسن ناهید زندانی سیاسی، بر اثر ابتلا به بیماری سرطان و عدم دریافت رسیدگیهای ضروری پزشکی، درگذشت. آقای حسن ناهید از جمله زندانیانی بود که در سال ۱۳۸۳ به اتهام افشای اسناد طبقه‌بندی شده، به سه سال حبس محکوم شده بود و مدت محکومیت خود را در بند ۳۵۰ زندان اوین، می‌گذراند. وی پس از پایان این دوره سه ساله نیز به دلیل عدم پرداخت ۶۳ هزار یورو جریمه نقدی، سه سال دیگر را در بازداشت گذراند. این زندانی سیاسی با وجود بیماری سرطان، در دوره حبس با شرایط بسیار سختی مواجه بود چرا که مسئولین امر، از مداوای وی در بیمارستانی خارج از زندان جلوگیری می‌کردند و مانع از دریافت امکانات ضروری مداوایش گردیدند. از این رو آقای ناهید در نهایت پس از انتقال دیر هنگامش به بیمارستان جان خود را از دست داد. لازم به یادآوری است که در آغازین روزهای بهار امسال نیز زندانی سیاسی محسن دگمه چی بر اثر همین کارشکنیها و اهمال مسئولین زندان، در شرایط بسیار طاقت فرسای جسمانی بر اثر بیماری سرطان، جان خود را از دست داد و در مورد او که در گوهردشت کرج زندانی بود نیز اولیه‌ترین خدمات درمانی ضروری، دریغ شد.

نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی - زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم